تبلور زیبایی‌های دین در زندگی انسان

محمود صحرایی

بسم الله الرحمن الرحیم

تبلور زیبایی های دین در زندگی انسان

نویسنده:

محمود صحرایی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تبلور زیبایی های دین در زندگی انسان

مشخصات کتاب

سرشناسه : صحرایی، محمود

عنوان و نام پدیدآور : تبلور زیبایی های دین در زندگی انسان / محمود صحرایی ؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۳۵ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا وسیما؛ ۱۲۹۹.

شابک : ۱۷۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۷۱-۵

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۳۳] - ۱۳۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : راه و رسم زندگی (اسلام)

موضوع : راه و رسم زندگی (اسلام) -- احادیث

موضوع : زیبایی شناسی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/ص۳ت۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۸۱۷۳۴

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

سپاس خدایی را که خود زیباست و زیبایی را دوست دارد، همو که از هر انگشت قدرتش، هنری ریزان است و از هر دست حکمتش، بذر زیبایی افشان. اوست تنها زیباآفرینی که «کُلَّ یَومٍ هُوَ فی شَأن».

جهان بی مثال، آینه ای از جمال اوست و هستی بی قرین، رشحه ای از هزاران هزار هنرش. گنبد کبود و هفت رنگ کمانش تنها چکابه ای است از اقیانوس زیبایی اش. بهار و بلبل و گلستان نسترن و یاسمن را نشاید که وصف جمال بی بدیلت کنند. انگشت به حیرت می گزد هر آن کس که نَمی از یَم حُسنت تر کند و دستان خویش به چاقوی شگفتی می بُرد هر آن که یوسفی از یوسفانت بیند.

مگر نه آنکه حُسن، آن دارد که یوسف آفرید! دلبرا ما را سرگشته و شیدای خود کن. پور یعقوب را دلدادگی به تو، عزیز مصر ساخت و دین خواهی و دین جویی حسین بن علی (ع) بود که او را شهره بازار عشق کرد. به راستی زینب (س)، دختر مرتضی علی (ع)، از کدام سبوی زیبای معرفت نوشیده بود که نغمه «ما رَأَیْتُ اِلّا جَمیلاً» سر می داد؟ مگر نه این است که کربلا از زشتی و آلودگی بدسیرتان، کرب وبلا شد. سبحان الله اوست دانش آموخته مکتب «هر چه از دوست رسد نیکوست».

آری در آیین دین باوران حقیقی هر چه هست، زیبایی است؛ زیرا همه از اوییم و به سوی او می رویم، هر چه هست، اوست و ما هیچ.

پروردگارا! تو زیبایی و زیباآفرین و این ماییم که افسوس و دو صد افسوس زشتی ها و آلودگی ها حجاب جانمان گشته. پس پرده برگیر که خلقی واله شوند و حیران.

طبیبا! زنگار دلمان به کیمیای دین راستینت بزدای و مس وجودمان به طلای سرخ بدل کن. ای آشکار کننده زیبایی ها! شتاب کن و با ظهور یوسف زهرا، طاووس اهل جنت، دنیای ما را به گلستان تبدیل کن.

این اثر تلاشی است قابل تقدیر از سوی پژوهشگر ارجمند جناب آقای محمود صحرایی که در راستای اثبات زیبایی های دین و زدودن زشتی ها از چهره دین، در جنبه های گوناگون انجام شده است. امید است مورد توجه همه برنامه سازان صدا و سیما قرار گیرد.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

استتیک(۱) یا زیبایی شناسی، از شاخه های فلسفه است. می توان گفت این علماز آغاز پیدایش فلسفه در مباحث فلسفی مطرح شد و جایگاه مهمی دارد. امروزه این علم در میان فیلسوفان مکتب های فلسفی، بحث های جنجال برانگیزی را به وجود آورده است.

اهمیت زیبایی شناسی، از نقش اساسی زیبایی در انتخاب ها و اجتناب های بشر ریشه می گیرد. کشش زیبایی برای انسان، به قدری است که به جز زیبا نمی پسندد و از تولید زیبایی (هنر) لذت می برد. ازاین رو، می کوشد نه تنها ظاهر، بلکه همه جنبه های خود را از اندیشه گرفته تا رفتار، زیبا سازد. این حقیقتی انکارناپذیر است که همه انسان ها زیباپسند و زیباگرایند، ولی آیا همه به زیبایی دست می یابند یا عده ای در تشخیص مصداق آن به اشتباه می افتند و به ساحت پاک زیبایی نمی رسند. بی شک، همه راه ها «زیبا رسا» نیستند. ازاین رو، پیش از هرگونه بحث در مورد زیبایی، شناسایی راهی زیبارسا که خود نیز زیبا باشد، ضروری است.

پژوهش حاضر بر این باور است که دین، «زیبا»، «زیبارسا» و «زیبا آفرین» است. در این راستا، افزون بر اثبات این قضیه از دیدگاه زیبایی شناسی، با پرده برداری از چهره الفاظ و ظاهر فرمان های دینی، زیبایی های زندگی دینی را معرفی کنیم.

کشف زیبایی های زندگی دینی به ویژه به وسیله صدا و سیما، در گرایش یافتن زیباپسندان ــ که در واقع، شامل همه انسان ها می شود ــ به

۱- Aesthetic.

سوی دین نقش مهمی دارد. افزون بر این، گرد و غبار شبهه ها و شایعه های زشت نمای کج اندیشان نیز از چهره دین زدوده می شود.

دین زیباست و به همین دلیل، در همه حوزه های فکری، روحی و رفتاری زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، زیبایی تولید می کند؛ زیبایی هایی که در زندگی غیردینی هرگز نمی توان یافت. ترسیم زیبایی های دین و زندگی دینی نیز خود مبحثی بسیار مهم و پیچیده دارد، ولی معتقدیم که اگر هنر، رسالت اصیل خود را بپیماید، این مهم به راحتی انجام می گیرد. بخش پایانی پژوهش، بررسی راه کارهای ارائه این دسته از زیبایی ها به وسیله صدا و سیماست.

ص:۹

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. ضرورت پژوهش

۲. هدف پژوهش

۳. پرسش های پژوهش

۴. فرضیه های پژوهش

۵. پیشینه پژوهش

۶. جایگاه زیبایی های دین و زندگی دینی

۷. واژه شناسی

۸. جنبه های گوناگون موضوع

۹. کاربرد رسانه ای پژوهش

۱. ضرورت پژوهش

۱. ضرورت پژوهش

زیبایی هر چیز، یکی از معیارهای انتخاب آن به شمار می رود. بنابراین، اگر چیزی زیبا نباشد یا زیبایی اش، پنهان و در نتیجه، ناشناخته باشد، کمتر مورد توجه و انتخاب قرار می گیرد. آفت دوم؛ یعنی پنهان ماندن زیبایی ها، دین را در دوران کنونی، به آسیب های جدی دچار کرده است، به گونه ای که برخلاف تلاش مردمان زمانه که در پی فرار از زشتی های به بن بست رسیده مادی، در جست وجوی دریچه ای به سوی زیبایی های معنوی هستند، دستانی مرموز، جنبه های زیبای دین را پنهان می کنند. آنان سخت در تلاشند تا چهره ای زشت از دین و زندگی دینی ترسیم کنند؛ زیرا به نقش اساسی زیبایی در جذب انسان ها توجه کامل دارند. خطر تداوم دین ستیزی از آن روست که نه تنها از گرایش انسان ها به دین جلوگیری می کند،

بلکه سبب «گریز» دین داران از دین می شود.

۲. هدف پژوهش

۲. هدف پژوهش

این پژوهش می کوشد با معرفی زیبایی های دین و زندگی دینی، به ترویج دین با چهره واقعی و زیبای خود یاری رساند. افزون بر آن، با معرفی برخی راه کارهای ترسیم زیبایی های دین و زندگی دینی به وسیله رسانه صدا و سیما تلاش دارد توطئه های دشمنان دین در ترسیم چهره ای زشت، واپس گرا و خشن از دین و دین داری را خنثی کند.

۳. پرسش های پژوهش

۳. پرسش های پژوهش

۱. رابطه دین و زیبایی چیست و نگاه دین به زیبایی چگونه است؟

۲. آیا دین با زیبایی های محسوس و مادی مخالف است؟

۳. زیبایی های دین و زندگی دینی کدامند؟

۴. راه های ترسیم این زیبایی ها کدامند؟

۴. فرضیه های پژوهش

۴. فرضیه های پژوهش

۱. به یقین، دین و در پی آن، زندگی دینی، زیباست.

۲. دین نه تنها مخالف زیبایی نیست، بلکه تولید و ترویج کننده آن است.

۳. «زیبا اندیشی، زیبامنشی و زیباروشی» از آثار زیبای حضور دین در زندگی بشر است.

۴. زیبایی های دین را می توان در رسانه صدا و سیما ارائه کرد.

۵. پیشینه پژوهش

۵. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره اثبات زیبایی دین، مطالبی هر چند ناقص، از بزرگان و نویسندگان دینی و غربی نگاشته شده است، ولی بیان تفصیلی جلوه های زیبایی دین و زندگی دینی، موضوعی است که کمتر به آن توجه می شود. برای مثال، افلوطین در مقاله «زیبایی»، تنها بر منحصر نبودن زیبایی در محسوسات تأکید می ورزد. پاتریک شری نیز در آثارش، زیبایی خدا را ثابت می کند، ولی مصداق های زیبایی حضور خدا در زندگی بشر را بیان نمی کند. همچنین در آثار جدیدتر گاه به برخی مصداق های زیبایی دین اشاره شده است که نمونه آن، هنر در قلمرو مکتب نوشته جواد محدثی و زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام نوشته علامه محمدتقی جعفری است. البته اینها نیز به شکل کامل به این بحث نپرداخته اند.

۶. جایگاه زیبایی های دین و زندگی دینی

۶. جایگاه زیبایی های دین و زندگی دینی

زیبایی شناسی، از گرایش های جنجال برانگیز فلسفه است و در حوزه علوم هستی شناسی جایگاه ویژه ای دارد. زیبایی شناسی دین نیز از شاخه های فرعی این علم به شمار می رود. همچنین به واسطه پسوند دین، مباحث نقلی را نیز شامل می شود. ازاین رو، مجموعه بحث زیبایی های دین و زندگی دینی در علم کلام می گنجد، گرچه ریشه فلسفی خود را نیز حفظ می کند.

۷. واژه شناسی

اشاره

۷. واژه شناسی

زیر فصل ها

الف) دین

ب) زیبایی

ج) زندگی دینی

د) زیبایی محسوس

هـ) زیبایی معقول

و) زیبایی های دینی

الف) دین

الف) دین

«دین، واژه ای است عربی که در لغت به معنای اطاعت و جزا آمده است. در اصطلاح، به معنای اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان و نیز فرمان های عملی متناسب با این اعتقاد است».(۱)

گفتنی است منظور از دین در این پژوهش، دین مبین اسلام است؛ زیرا به حکم عقل و نقل، تنها اسلام است که پس از بعثت رسول گرامی اسلام، اعتبار دارد.(۲)

بنابراین، تعریف دین، ریشه ای وحیانی دارد، گرچه برخی آن را در مفهومی وسیع تر معنا می کنند.

ب) زیبایی

اشاره

ب) زیبایی

۱- محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱، چ ۷، ج ۱، ص ۱۱.

۲- «وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیرَ الْاِسْلامِ دنیاً فَلَنْ یُقْبَلُ مِنهُ وَ هُوَ فیِ الآخِرَه مِنَ الْخاسِرینَ». آل عمران: ۸۵

در تعریف زیبـایی، اختلاف زیادی میان فیلسوفان به چشم می خورد که بررسـی تک تک آنها، از حوصـله این پژوهش خارج است. ازاین رو، تنها به بیان چند تعریف، بسنده و سپس تعریف خود را بیان می کنیم.

یک _ تعریف شش گانه زیبایی

یک _ تعریف شش گانه زیبایی

اول _ هر چه موجب لذت شود، زیباست.

دوم _ زیبایی؛ یعنی وحدت روابط صوری در مدرکات.

سوم _ زیبایی؛ یعنی تطابق با حقیقت.

چهارم _ زیبایی آن است که در فهم و عقل مؤثر باشد.

پنجم _ تعادل و هماهنگی اجزا، زیبایی است.(۱)

ششم _ زیبایی، وصـفی است از صـفات عینی و خارجی موجودات که بیانگر نوعی «تناسب»(۲) و «کمال»(۳) است و در ذهن سالم بیننده مؤثر و مفید واقع می شود.

دو _ مکتب های سه گانه زیبایی شناسی

اشاره

دو _ مکتب های سه گانه زیبایی شناسی

اکنون برای توضیح، مکتب های سه گانه ای را که در تعریف زیبایی وجود دارد، شرح می دهیم.

اول _ مکتب درونی۱

اول _ مکتب درونی(۴)

۱- همه تعریف ها از منبع زیر گرفته شـده انـد: جواد محـدثی، هنر در قلمرو مکتب، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسـلامی، ۱۳۷۶، چ ۳، صص ۴ _ ۲۱.

۲- symetron.۲.

۳- inreyrtas.۳.

۴- subjective.

صاحبان این مکتب، زیبایی را امری غیرخارجی و غیرعینی می دانند و وجودش را وابسته به ادراک و احساس بیننده معرفی می کنند؛ یعنی به اصطلاح، ملاک زیبایی را در درون انسان می جویند.

بند تو کروچه،(۱) فیلسوف، تاریخ نگار و سیاست مدار ایتالیایی(۱۸۶۶ _ ۱۹۵۲م.) در بیان این مکتب می نویسد:

زیبایی، صفت ذاتی اشیا نیست، بلکه نفس بیننده است که زیبایی را به اشیا نسبت می دهد یا در اشیا کشف می کند. برای کسی که قادر به این کشف باشد، زیبایی همه جا یافت می شود و پیدا کردن آن عبارت از هنر است.(۲)

کانت و هیوم از طرفداران این نظریه اند، هر چند در مبنا اختلاف نظر دارند.(۳)

دوم _ مکتب عینی۱

دوم _ مکتب عینی(۴)

در این نظریه، زیبایی وصف عینی و خارجی اشیا است و به اصطلاح، واقعیتی خارجی دارد.

کروچه در بیان این مکتب می نویسد:

زیبایی، یکی از صفت های عینی موجودات است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی، آن را درک می کند، همانند دیگر معلومات.(۵)

۱- Benede tto croce.

۲- بند توکروچه، کلیات زیباشناسی، ترجمه: فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸، چ ۲، ص ۶ .

۳- غلام حسین دینانی، تجلی ماوراءالطبیعه در هنر؛ سیدعباس نبوی، هنر و ماوراء الطبیعه، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۱۰۰.

۴- Objective.

۵- کلیات زیبایی شناسی، صص ۷ و ۸ .

افلاطون، حکیم بزرگ یونانی، از طرفداران این مکتب است. «او به زیبای مطلق قائل بود. وقتی می گوید که این شی ء زیباست در حقیقت، این شی ء را در پرتو زیبای مطلق، زیبا می داند؛ زیرا به نظر او، زیبایی یک واقعیت نفس الامری است؛ یک امر عقلانی است و معقول است. مثال دارد و بلکه مثال اعلی دارد».(۱)

سوم _ مکتب دو قطبی

سوم _ مکتب دو قطبی

مکتب سوم، زیبایی را دو قطبی و وابسته به «نفس و ذهن» و «ذات موجود خارجی» می داند. طرفداران این مکتب ادعا می کنند در اتصاف یک موجود زیبا، دو عنصر «ادراک بیننده و صفت عینی موجودات»، شرط لازم است. علامه محمدتقی جعفری در کتاب زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، از این نظریه دفاع می کند.(۲)

نتیجه کلی که از طرح و بررسی مکاتب سه گانه مکاتب بیان شده به دست می آید، اثبات حقانیت تعریف ششم برای زیبایی است. این تعریف دو ویژگی بسیار مهم دارد:

۱. بسیاری از تعریف های زیبایی مانند: لذت بخش بودن، مفید بودن و واقعی بودن را دربرمی گیرد.

۲. زیبایی ظاهری (محسوس) و زیبایی معنوی (معقول) را شامل می شود.

ج) زندگی دینی

ج) زندگی دینی

۱- هنر و ماوراءالطبیعه، ص ۱۰۰.

۲- محمدتقی جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۹، چ ۳، ص ۱۱.

در تعریف این واژه باید گفت اگر «مجموعه باورهای دینی» و نیز «بایدها و نبایدهای آن» در حد مطلوبی، در زندگی انسان به ظهور برسد، زندگی دینی تشکیل می شود. بنابراین، هر فرد یا جامعه ای که به دین ویژه ای، «معتقد» یا به لوازم آن پای بند نباشد، حیات دینی نخواهد داشت، گرچه نام «دینی» را یدک بکشد.

د) زیبایی محسوس

د) زیبایی محسوس

به مجموعه زیبایی های موجود در محسوسات که انسان با حواس ظاهری خود می تواند آنها را درک کند، زیبایی محسوس می گوییم.

ه_) زیبایی معقول

ه_) زیبایی معقول

به آن دسته از زیبایی ها گفته می شود که با ابزار ویژه ای (عقل و قلب) شناخته می شوند و از صفت های موجودات غیرمادی هستند. بنابراین، اصطلاح «معقول»در اینجا عام است و شهودات (که با قلب شهود می شوند) و مدرکات را (که با عقل درک می گردند) شامل می شوند.

و) زیبایی های دینی

و) زیبایی های دینی

زیبایی هایی را که معلول «اعتقاد و التزام» به دین هستند، (اعم از محسوس یا معقول) زیبایی های دینی می نامیم.

۸. جنبه های گوناگون موضوع

۸. جنبه های گوناگون موضوع

مهم ترین جنبه های این موضوع چنین هستند:

۱. آیا زیبایی دین، ذاتی است یا از بیرون بر آن عارض شده است؟

۲. زیبایی در کدام یک از ادیان الهی مشهودتر و عمیق تر است؟

۳. موافقت و مخالفت دین با زیبایی های محسوس و حدود آنها.

۴. بررسی تضاد زیبایی های محسوس با معقول از دیدگاه دین.

۵. بیان تفصیلی مصداق های زیبایی های دین و زندگی دینی.

۹. کاربرد رسانه ای پژوهش

۹. کاربرد رسانه ای پژوهش

صدا و سیما به عنوان بزرگ ترین شبکه پردازش و تولید هنری، در ترسیم زیبایی های دین، رسالتی بس سنگین بر عهده دارد. ازاین رو، لازم است پس از آشنایی کامل دست اندرکاران تولید آثار هنری با این مقوله، با انتخاب قالب هایی جذاب، رسا و مقبول، به انتقال این زیبایی ها به مخاطبان بپردازند. این موضوع می تواند برای ترویج چهره حقیقی دین و جذب مخاطبان به سوی این گوهر کمال، در همه برنامه های سازمان کاربرد داشته باشد.

فصل دوم: دین و زیبایی شناسی

اشاره

فصل دوم: دین و زیبایی شناسی

زیر فصل ها

۱. زیبایی از دیدگاه دین

۲. دین از منظر زیبایی شناسی

۱. زیبایی از دیدگاه دین

اشاره

۱. زیبایی از دیدگاه دین

زیر فصل ها

الف) خاستگاه زیبایی

ب) معیار زیبایی

ج) دسته بندی زیبایی

د) اصل زیبایی

هـ) زیبایی های محسوس

و) زیبایی های معقول

الف) خاستگاه زیبایی

الف) خاستگاه زیبایی

اساسی ترین مبحث زیبایی، پس از بیان چیستی آن، خاستگاه زیبایی است. همین بحث، سبب اختلاف نظر در میان گونه های زیبایی و مباحث مربوط به آن شده است، به گونه ای که برخی «ماورایی» و گروهی «طبیعی» شده اند.

دسته اول که علاوه بر تمام فلاسفه اسلامی، افلاطون، آگوستین، فلوطین، تولستوی و استیس جزو آن هستند، بر این باورند که زیبایی از عالم بالا و ماورای طبیعت سرچشمه می گیرد.

فلوطین در رساله «زیبایی» می نویسد:

هر که زیباتر است، به خدا نزدیک تر است... هر موجودی که می خواهد خدا و زیبایی را ببیند، نخست باید خدایی و زیبا باشد.(۱)

دسته دوم، زیبایی را زاییده طبیعت و ماده می دانند. ازاین رو، زیبایی های معقول را به معنایی که گروه اول پذیرفته اند، نمی پذیرند.

درباره خاستگاه زیبایی دین، با نظر دسته اول موافق است؛ زیرا زیبایی را پدیده و مخلوق خداوند بزرگ می داند. در اینجا بخش هایی از آیات قرآن کریم را در تأیید این نظر می آوریم:

۱- فلوطین، رساله زیبایی، ترجمه: سیدرضا حسینی، نشریه معارف، ۱۳۶۶، دوره چهارم، شماره۱، ص ۱۲۲.

۱. «إِنّا زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِزِينَةٍ الْكَواكِبِ؛ ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم». (صافات: ۶)

۲. «وَ لکِنَّ اللّهَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ؛ لیکن خدا، ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما زینت بخشید». (حجرات: ۷)

۳. «إِنّا جَعَلْنا ما عَلَی الْأَرْضِ زِینَهً لَها لِنَبْلُوَهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً؛ در حقیقت، ما آنچه را بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیاموزیم که کدام یک از ایشان زیباکارتر است». (کهف: ۷)

در آیه های بالا، زینت آسمان، ایمان و هر چه را روی زمین است، به خدا که موجودی ماورای الطبیعی است، نسبت می دهد. بنابراین، دین آشکارا اعلام می کند که خاستگاه زیبایی، ماورایی است.

در ادبیات فارسی نیز به این موضوع اشاره شده است. حافظ می گوید:

حُسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد

این همه نقش در آیینه اوهام افتاد

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود

یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد(۱)

۱- شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان شعر، تحقیق: محمد قزوینی، تهران، انتشارات چاپ سیرنگ، ۱۳۷۲، چ ۲، ص ۸۶ .

ب) معیار زیبایی

اشاره

ب) معیار زیبایی

از دیـدگاه عینی گرایی (ابژکتیو) زیبـایی، امری ذاتـا نسبی نیست. ازاین رو، زیبایی، معیارهای پایـداری دارد که ارکان تعریف زیبایی را تشکیل می دهند. از سویی می دانیم حقایق ذاتی اشیا برای ما نامعلومند. تنها خالق اشیاست که از حقیقت امور آگاه است و می توانـد آنهـا را معرفی کنـد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که معیارهای زیبایی را بایـد در بیان الهی که همان دین است، جست وجو کرد؛ زیرا تنهـا خـدا، حقیقت زیبایی را می شـناسد. هم اوست که می توانـد آن را به درستی تعریف کنـد و درست به همین دلیل است که خداوند بزرگ، فرمان های خود را «حسنه» به معنای زیبا معرفی می کند. در نگاه دین، کار زیبا بـا عمـل به فرمـان هـای الهی پدیـد می آیـد. به همین دلیل، «محسن» در آیه های قرآن و روایت های اسـلامی به معنای «انجام دهنده کار زیبا» آمده است.

زیبایی در عالم ممکنات، تجلی زیبایی مطلق است. ازاین رو، او بهتر از هر کسی می تواند زیبایی را تفسیر و معیارگذاری کند. نتیجه کلی این نظریه آن است که هر چه موافق بـا دین بود، حسـنه، یعنی زیبـاست و هر چه بـا آن مخالفت داشت، سیئه؛ یعنی زشت خواهد بود.

ممکن است برخی بگوینـد دین نمی توانـد معیـار اصـلی و کلی زیبـایی شناسـی باشـد؛ زیرا مـا برخی امور را زیبا می بینیم، در حالی که دین آنها را زشت معرفی می کند یا برعکس. پس این معیار، دقیق و علمی نیست.

از آنجا که این شبهه بسیار مهم و فراگیر است، با بیان سه نکته به آن پاسخ می دهیم:

یک ـ زیبا بودن با زیبا دیدن متفاوت است

یک ـ زیبا بودن با زیبا دیدن متفاوت است

این گونه نیست که هر چه ما آن را زیبا ببینیم، زیبا باشد؛ زیرا زیبایی وصفی، عینی و خارجی است. افزون بر این، اگر ملاک زیبایی، «ذهن و دیدن انسان» باشد، هیچ چیز زیبا نخواهد بود؛ زیرا دیدگاه انسان ها متفاوت است. یکی می گوید فلان چیز زیباست، ولی دیگری آن را زشت می بیند. پرسش اینجاست که ما دیدگاه کدام یک را معیار زیبایی بدانیم؟ بنابراین، زیبا دیدن یا زشت دیدن ما دلیل بر زیبا و زشت بودن اشیا نخواهد بود.

دو ـ زیبایی، نسبی نیست

دو ـ زیبایی، نسبی نیست

با توجه به مطالب گذشته درمی یابیم که زیبایی، واقعیتی خارجی است. پس تنها یک دیدگاه در میان نظریه های گوناگون انسان ها درباره زیبایی درست خواهد بود و دیگران در تشخیص زیبایی به اشتباه افتاده اند. بررسی متون دینی، ما را به این نتیجه می رساند که این پندارهای نادرست، بارها و بارها به سراغ انسان ها می آیند.

سه ـ عوامل «زیبا انگاری»

اشاره

سه ـ عوامل «زیبا انگاری»

عواملی که انسان را از «زیبانگری» واقعی به «زیبا انگاری» منحرف می سازند، عبارتند از:

اول ــ جهل

اول ــ جهل

جهل به حقیقت اشیا که از دست رس علم انسان خارج است، سبب اشتباه در تشخیص زیبایی و زشتی می شود. قرآن کریم در این باره می فرماید:

بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است. خدا می داند و شما نمی دانید.(۱)

جنگ و خون ریزی، در ظاهر نازیباست؛ چون آرامش جامعه و فرد را از میان می برد، ولی وقتی پی آمدهای مبارزه با متجاوزان و ستمگران را در نظر می گیریم، به روشنی به این نتیجه می رسیم که جنگ با آنان، زیبا و لازم است، درست مانند قطع کردن دست فردی که به سیاه زخم مبتلاست. این کار ممکن است در ابتدا به نظر ناپسند آید، ولی با توجه به پی آمدهای ناگوار سیاه زخم، حاضر می شویم برای انجام این کار به پزشک جراح دست مزد هم بدهیم.

همچنین این آیه، خداوند را عالم به حقایق امور معرفی می کند. ازاین رو، خدای حکیم، خود را محور بیان معیارهای خیر و شر (زیبا و زشت) و درمقابل آن، عامل اشتباه انسان را در تشخیص خیر و شر، جهل او می داند: «وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ؛ و خدا می داند، ولی شما جاهلید». (بقره: ۲۱۶)

دوم ــ مادی نگری

دوم ــ مادی نگری

عامل دوم در اشتباه تشخیص زیبا از زشت، نگرش مادی به هستی

۱- «کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتالُ وَ هُوَ کُرْهٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئًا وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ». بقره: ۲۱۶

است. انسـان، ترکیبی از دو جنبه حیوانی و انسانی (مادی و معنوی) است که هر کـدام لوازمی دارنـد. دین هر دو جنبه وجودی انسـان را تأییـد می کنـد؛ جنبه حیـوانی او برای حضور در عـالم مـادی است و جنبه انسـانی او سـبب برتری بر دیگر موجودات است.

دین هرگز طرفـدار سرکوبی غریزه هـای حیوانی برای تقویت جنبه انسـانی نیست، بلکه سـفارش دین، «تعـدیل» غریزه ها برای ایجاد فرصت رشـد اسـتعدادهای انسانی است. در نگاه دینی، افراط و انحصار در پرداختن به جنبه حیوانی نکوهیـده است؛ زیرا این حـالت سـبب اختلال در زیبـانگری اوست. خداونـد در قرآن می فرمایـد: «بگو آیـا شـما را از زیـان کـارترین مردم آگـاه گردانیم؟ (آنـان) کسـانی هسـتند که تلاشـشان در زنـدگی دنیا به هـدر رفته است و خود می پندارنـد که کار خوب انجام می دهند».(۱)

چنین افرادی، همه وجود حتی عقل خود را در مسیر تقویت جنبه حیوانی شان به کار می برنـد. آنان می پندارند کاری نیک و خوب انجام می دهند و همه چیز در زندگی دنیایی خلاصه می شود.

در این آیه، واژه «یحسـنون» به معنـای کـار نیک و خوب به کار رفته است، ولی از آنجا که از نگاه دین هر کارِ خوب و نیکی زیباست، این دسـته از افراد گمان می کننـد کار خوبی (زیبایی از منظر دین) انجام می دهند و حال آنکه کارشان خوب (زیبا) نیست.

۱- «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَرینَ أَعْمالاً الَّذینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعًا». کهف: ۴ _ ۱۰۳

سوم ــ وسوسه شیطان

سوم ــ وسوسه شیطان

زیبا جلوه دادن امور زشت و ناپسند، از حیله های موفق شیطان است. چه بسیارند انسان هایی که به کارهایی که دست می زنند که تا دیروز آن را زشت می دانستند و چه بسیارند جنایت کارانی که پس از انجام دادن جنایت، زشتی عمل خود را درمی یابند و پشیمان می شوند.

در قرآن کریم می خوانیم که شیطان برای چنین کاری سوگند یاد کرده است:

[شیطان] گفت: پروردگارا! به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [زشتی ها را] برایشان، در زمین می آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.(۱)

واژه «تسویل» در قرآن کریم همین معنا را بیان می کند. تسویل؛ یعنی پیچیدن زرورق به دور چیزی زشت تا سبب فریب و جذب بیننده شود. یعقوب (ع) به فرزندان خود گفت: «نفستان این عمل را (به چاه انداختن یوسف) برای شما تسویل کرد». (یوسف: ۱۸)

چهارم ــ تعصب های بی اساس

چهارم ــ تعصب های بی اساس

وقتی تعصب بر اساس منطق نباشد، سبب انحراف های گسترده ای از جمله اشتباه در تشخیص زیبایی می شود. تفاوتی ندارد که این تعصب ها از دوستی غیرمنطقی یا دشمنی بی اساس برخاسته باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «دوست داشتن چیزی، موجب کر و کوری (در شناخت

۱- «قالَ رَبِّ بِما أَغْوَيْتَنی لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِی ٱلْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعينَ إِلاّ عِبادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصينَ». حجر: ۳۹ ــ ۴۰

واقعیات او) می شود».(۱)

پنجم ــ پیروی از هوا و هوس

پنجم ــ پیروی از هوا و هوس

هوا و هوس های نفسانی همچون گرد و غباری از نورافشانی عقل جلوگیری می کنند و مانع زیبانگری می شوند. خداوند در کتاب جاوید هدایت خود می فرماید:

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبودش قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ پس از خدا، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟(۲)

بنابراین، به آسیب پذیری تشخیص زیبایی در انسان پی می بریم و درمی یابیم که شبهه بیان شده، اساس درستی ندارد. در مباحث آینده، به رابطه دین با زیبایی بیشتر می پردازیم و در واقع، پاسخ کامل به این شبهه را در آنجا می یابید.(۳)

ج) دسته بندی زیبایی

اشاره

ج) دسته بندی زیبایی

از دیدگاه دین، زیبایی به دوگونه «محسوس» و «معقول» تقسیم می شود. البته این تقسیم بندی به نگرش دینی بستگی ندارد. علت این تقسیم بندی، اختلاف در عالم موجودات است. فیلسوفان، عالم وجود را

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳، چ ۴، ج ۲، ص ۹۳۶.
۲- «اَفَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلهَهُ هَواهُ وَ اَضَلَّهُ اللّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهٌ فَمَنْ یَهْدیهِ مِنْ بَعْدِ اللّهِ اَفَلا تَذَکَّرُونَ». جاثیه: ۲۳
۳- برای مطالعه بیشتر در زمینه آسیب پذیری انسان در تشخیص زیبایی، از دیدگاه قرآن نک: انعام: ۴۳ و ۱۲۲؛ نمل: ۲۴؛ عنکبوت: ۳۸؛ یونس: ۱۲؛ فاطر: ۸ ؛ غافر: ۳۷؛ حجر: ۳۹.

به سه بخش تقسیم می کنند:(۱)

عالم ماده؛ عالم مثال و عالم عقل. در هر عالم، زیبایی هایی متناسب با همان عالم وجود دارد. زیبایی های عالم «ماده» که پایین ترین رتبه وجودی را دارد، «زیبـایی محسوس» است و زیبایی های موجود در دو عالم دیگر را «معقول» می نامنـد. ناگفته نماند که به واسطه جنبه معنوی انسان، شماری از زیبایی های معنوی و معقول در عالم مادی نیز یافت می شوند.

دیدگاه دین درباره تقسیم زیبایی در سخنان پیامبر اسلام و امامان نیز آمده است. امام علی (ع) می فرماید: «زینَةٌ الْبواطِنِ اَجْمَلُ مِنْ زینَهِ الّظواهِرِ؛ زیبایی معنوی از زیبایی ظاهری و حسی زیباتر است».(۲)

یک ــ تعریف و ویژگی های زیبایی محسوس

اشاره

یک ــ تعریف و ویژگی های زیبایی محسوس

«زیبـایی هـایی را که انسـان بـا کمـک حواس ظـاهری خود می توانـد آنها را درک کنـد، زیبایی محسوس می نامیم.» به تعبیر دیگر، زیبـایی محسوس، آن زیبایی است که در آن، حواس انسان برای درک زیبایی از ناحیه عقل واسطه می شونـد. نام های دیگر این دسته از زیبـایی عبارتنـد از: زیبـایی مـادی، زیبـایی نـاسوتی، زیبـایی طبیعی، زیبایی حسـی و زیبایی ظاهری. رسالت حواس پنج گانه در وجود انسان، درک انواع زیبایی های مادی است.

این گونه زیبایی ها ویژگی هایی دارند که چهار نمونه از آنها عبارتند از:

اول ــ همگانی بودن

اول ــ همگانی بودن

۱- سید محمدحسین طباطبایی، نهایه الحکمه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲، ص ۲۴۵.

۲- عبدالواحـد بن محمد تمیمی آمدی،غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: محمدعلی انصاری، تهران، دارالکتاب، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۵۹.

زیبـایی های محسوس برای همه کسانی که حواس پنـج گانه سالم دارنـد، قابل درک است. البته برای شـناخت عمیق آنها باید آموزه هـایی را در ذهن داشـته باشـیم. برای نمونه، شـناخت زیبایی های موجود در تابلو مونالیزا (لبخنـد ژوکونـد) اثر لئوناردو داوینچی، کار همه کس نیست. با این همه، بیشتر انسان ها، زیبایی های محسوس را تشخیص می دهند.

دوم ـ درک آسان

دوم ـ درک آسان

ملموس بودن محسوسـات، زمینه درک آسان زیبایی های آنها را فراهم می کنـد. چشم به راحتی و بـدون زحمت، زیبایی های رنگ ها، ترکیب ها و شکل ها را درک می کند و گوش بدون رنج، صداهای زیبا را تشخیص می دهد. مزه های زیبا نیز برای زبان به خوبی قابل درکند.

درک آسـان زیبایی محسوس سـبب می شود که به این گونه زیبایی بیشتر اعتماد کنیم؛ اعتمادی که در برخی افراد، «انتقال» به زیبایی های معقول را در پی دارد و در گروهی، توقف و «انحصار» را سبب می شود.

سوم ـ فناپذیری

سوم ـ فناپذیری

مـاده و عوارض آن همیشه در حـال دگرگونی است. زیبایی محسوس نیز که وصف ماده است، از این قانون پیروی می کنـد و در حـال فنـا و دگرگونی است. زیبـاترین گـل هـا، روزی پژمرده می شونـد و خوش چهره ترین انسان ها پس از گـذشت چند صباحی، زیبایی خود را از دست می دهنـد. قرآن این حقیقت را چنین بیان می کند: «هر چه بر زمین است، فانی شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند».(۱)

۱- «کُلُّ مَنْ عَلَیْها فانٍ وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ». الرحمن: ۲۶ و ۲۷

چهارم ـ ضعف

چهارم ـ ضعف

زیبایی در موجودات همچون نور شدت و ضعف دارد، ولی با این حال، به همه آنها، نور گفته می شود. مثلاً نور خورشید، نور ستاره، نور پروژکتور، نور لامپ و نور شمع، همگی نورند، ولی در شدت و ضعف متفاوتند. رنگ ها نیز چنین حالتی دارند. شما می توانید برای رنگ سبز، صدها رتبه را تصور کنید. در زیبایی ها، شدت و ضعف کاملاً مشهود است. زیبایی محسوس در مقایسه با زیبایی معقول، شدت کمتری دارد؛ چون گنجایش و ظرفیت وجودی ماده، به مراتب ضعیف تر از مجردات است. همچنین دانستیم که زیبایی های معقول، متعلق به مجرداتند. بنابراین، زیبایی معقول، نسبت به زیبایی محسوس در درجه بالاتری قرار می گیرد. هر چه تجرد چیزی از ماده بیشتر شود، میزان پذیرش زیبایی آن بیشتر است.

علت بالاتر بودن لذت های بهشتی و نعمت های آن در مقایسه با نعمت های این عالم، همین مسئله است. امام علی (ع) می فرماید: «زینةُ البَواطِنِ اَجْمَلُ مِنْ زِینَهِ الظّواهِرِ؛ زینت های باطنی (معقول) بسیار زیباتر از زینت های ظاهری (محسوس) هستند». (۱)

دو ـ تعریف و ویژگی های زیبایی معقول

اشاره

دو ـ تعریف و ویژگی های زیبایی معقول

آن دسته از زیبایی هایی را که حواس ظاهری در درک زیبایی آن نقشی ایفا نمی کند، بلکه انسان آنها را با عقل و قلب درک می کند، زیبایی های

۱- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: محمدعلی انصاری، تهران، دارالکتاب، ج ۱، ص ۴۲۸.

معقول می نـامیم. اصـطلاح هـای مترادف این واژه عبارتنـد از: زیبـایی باطنی، زیبایی لاهوتی، زیبایی ملکوتی، زیبایی قدسـی، زیبایی ماوراءالطبیعه یا ماورایی و زیبایی معنوی.

ویژگی های این گونه از زیبایی عبارتند از:

اول ــ نیازمندی به ابزار ادراکی ویژه

اول ــ نیازمندی به ابزار ادراکی ویژه

زیبـایی هـای معقول بـا ابزارهـای ظاهری و حسـی درک نمی شونـد و تنها با «عقل و قلب» می توان آنها را درک کرد. ناگفته پیداست که سلامت این دو و نیز نبود مانع، شرط اساسی برای تشخیص این دو ابزارند. ازاین رو، اگر کسی به مرض های قلبی یا حجاب های عقلی دچار شود، نمی توانـد زیبایی های معقول را درست تشـخیص دهـد، چنان که اگر چشم، کور یا ضـعیف شود، قـدرت دریـافت زیبایی رنگ ها را از دست می دهـد. بنابراین، اگر فردی قلب و عقل خود را به کار نگرفت یا آنها را به غفلت، حب دنیا، حرص و حسـد و ماننـد اینها آلوده ساخت، زیبایی های معقول را درک نمی کنـد. همین مطلب، ریشه انکار زیبایی های معقول به وسیله برخی اندیشمندان غربی است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

دل هایی دارنـد که با آن (حقایق را) دریافت نمی کننـد و چشـمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چارپایان، بلکه گمراه ترند. ایشان همان غافل ماندگانند.(۱)

این آیه دربردارنده سه نکته مهم است:

۱- «لَهُم قُلوبٌ لاـیَفْقَهونَ بِهـا وَ لَهُم اَعْیُنٌ لاـ یُبْصِرونَ بِهـا وَ لَهُم آذانٌ لاـ یَسْـمَعونَ بِها اُولئِکَ کَالْاَنْعامِ بَل هُم اَضلُّ، اُولئِکَ هُمُ الْغافِلونَ». اعراف: ۱۷۹

۱. این افراد، ابزار شناخت حقیقت و زیبایی های آن را دارند، ولی خودشان از آن استفاده نمی کنند.

۲. منظور از «قلب ها، چشم ها و گوش ها» در این آیه، ابزارهای درونی برای شناخت حقایق هستی است، نه چشم و گوش ظاهری؛ زیرا حیوانات هم قلب و چشم و گوش ظاهری دارند. ازاین رو، استفاده نکردن از این ابزار سبب می شود انسان به درجه حیوانی سقوط کند.

۳. منظور از قلب در این آیه، «عقل» است. بنابراین، ایشان از «عقل، چشم و گوش قلبی» خود استفاده نکرده اند. در نتیجه، از امتیازهای انسانی بی بهره می مانند و به جرگه حیوانات وارد می شوند.(۱)

دوم _ خالص تر و قوی تر بودن

دوم _ خالص تر و قوی تر بودن

زیبایی، وصف موجودات است و در شدت و ضعف، از درجه وجودی موصوف خود پیروی می کنند. هر چه رتبه موجود، قوی تر و خالص تر باشد، زیبایی اش نیز بیشتر است. می دانیم که ماده، محدودترین و ضعیف ترین رتبه را در میان موجودات داراست. درنتیجه، زیبایی های مربوط به آن هم که همان زیبایی های محسوس است، ضعیف ترین نوع زیبایی به شمار می رود و برعکس، زیبایی های معقول که متعلق به امور مادی نیستند، خلوص و قوت بیشتری دارند.

۱- ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، پیام قرآن، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۶۷، چ ۱، ج ۱، ص ۳۱۲.

امـام علی (ع) در بیـان این مسـئله می فرمایـد: «زینَهُ الْبَواطِنِ اَجْمَـلُ مِنْ زینَه الظَّواهِرِ؛ زینت هـای باطنی (معقول) از زیبایی های ظاهری (محسوس) زیباتر هستند».(۱)

سوم ـ لذت بخش تر بودن

سوم ـ لذت بخش تر بودن

لذت، دگرگونی درونی از دیدن امور متناسب، متعادل و زیباست. هر چه این تناسب و زیبایی شدیدتر باشد، بیشتر بر انسان اثر می گـذارد و در نتیجه، لـذت بیشتری خواهـد برد. پیش از این گفتیم که زیبـایی معقول، شدیـدتر و زیبـاتر از زیبایی محسوس است. بنابراین، زیبایی های معقول به انسان لـذت بیشتری می بخشـند. «بالاترین و جامع ترین لذت، لذات اُخروی و آن جهانی است که تنها در سایه پیروی و بندگی خدای بزرگ به دست می آید».(۲)

توجه به این نکته، در جـذب انسـان به سوی کمـال های معنوی، بسـیار اهمیت دارد؛ زیرا انسان همواره در پی به دست آوردن لـذت بیشتر است. ازاین رو، اسـلام برای بالا بردن «سـطح دید» و در نتیجه، «سـطح رتبه» انسان ها، پیوسـته لذیذتر بودن زیبایی های معنوی را یادآوری می کند و ایشان را از غوطه ور شدن در زینت های مادی باز می دارد.(۳)

چهارم ـ جاودانگی

چهارم ـ جاودانگی

بر پایه جهان بینی الهی، زندگی انسان، معنادار و هدفمند است و نه تنها

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۴۲۸.
۲- محمدتقی مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیره، ۱۳۸۴، ص ۳۵۵.
۳- نک: سجده: ۱۷؛ زخرف: ۷۱؛ نحل: ۳۰؛ توبه: ۷۲.

او، بلکه همه امور معنوی از جمله زیبـایی هـای معنوی، هرگز فـانی نمی شونـد و جـاودانه باقی میماننـد. مانـدگاری، وصـفی محبوب برای انسان هاست. انسان امور مانـدگار را بر فانی ترجیح می دهد. به همین سـبب، خداوند حکیم در قرآن، همواره با گوشـزد کردن فـانی بودن دنیـا و زیبـایی های محسوس و جاودانگی آخرت و زیبایی های معنوی، انسان ها را تشویق می کند که آخرت را فدای دنیا نکنند. ناگفته نماند منظور از ترجیح دادن آخرت بر دنیا هرگز ترک دنیا نیست، بلکه مراد، دل بستگی نداشتن به آن است؛ زیرا انسان وابسته به دنیا نمی تواند به سوی زیبایی های بالاتر معنوی حرکت کند. خداوند فرموده است:

و هر آنچه به شـما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است، و[لی] آنچه پیش خداست، بهتر و پایدارتر است، مگر نمی اندیشید؟(۱)

در این آیه، «زیباتر، قوی تر و خالص تر بودن» زیبایی های معقول بیان شده است. افزون بر این ویژگی ها، خداوند بر «جاودانه بودن» آنها نیز تأکیـد می کنـد. در پایان آیه چنین می خوانیم که آیا تعقل نمی کنیـد؟ یعنی به حکم عقل، باید آنچه را بهتر و جاودانه تر است، برگزید.

پنجم ــ قرار داشتن در طول زیبایی محسوس

پنجم ــ قرار داشتن در طول زیبایی محسوس

عالم ماده، مرتبه تنزل یافته عالم مثال و مجردات است. بنابراین، امور معنوی و زیبایی های معقول، در قوس صـعودی مادیات و زیبـایی هـای آنهـا قرار دارنـد و به تعبیر ساده تر، کامل تر از آنها هسـتند. در نتیجه، زیبایی های معقول و معنوی با زیبایی های مادی، در تضاد نیستند. آنچه با «رسیدن» به

۱- «وَ ما اُوتیتُم مِنْ شَيءٍ فَمتاعُ الْحَیواهِ الدُّنیا وَ زینَتُها وَ ما عِنَدَاللّهِ خَیرٌ وَ اَبقی اَفَلا تَعْقِلُونَ». قصص: ۶۰

زیبایی های معنوی در تضاد است، «توقف» در زیبایی های محسوس است که در آثار دینی از آن به «حب دنیا و دل بستگی به دنیا» تعبیر می شود. ازاین رو، «زهد» به معنای ترک دنیا و لذت های آن نیست، بلکه «ترک دل بستگی» به دنیاست.

د) اصل زیبایی

د) اصل زیبایی

مباحث «معقول و منقول» زیادی درباره دیدگاه دین نسبت به زیبایی، قابل طرح است. توطئه های دین ستیزان در زشت نمایی چهره دین از یک سو و بد عمل کردن برخی دین داران خشک مقدس از سوی دیگر، این شبهه را در ذهن ها جای داده است که «دین داری» را با «دنیاداری و زیباپسندی» نمی توان جمع کرد، به گونه ای که حتی گروهی پنداشته اند کار دین، تنها مبارزه با دنیاداری و زیباطلبی است.

بنابراین، زدودن غبار توطئه های دشمنان دانا و کج اندیشی های دوستان نادان از چهره زیبای دین، بسیار ضروری است. در اینجا، بیست نکته از معارف معقول و منقول دینی را برای تبیین رابطه دین با اصل زیبایی بیان می کنیم تا به خوبی روشن شود که برخلاف این شبهه، دین به جز «زیباسازی» زندگی بشر و حتی خود بشر، رسالتی ندارد. تذکر یک مطلب ضروری است و آن اینکه واژه حَسنْ در قرآن هر چند در بیشتر موارد به معنای خوب و نیکی آمده، ولی با توجه به موصوفش که همان عمل و کار است، به معنای زیبایی معنوی است.

بیست آموزه دینی درباره زیبایی

نکته ۱. بر اساس قانون «سنخیت»، میان علت و معلول، هم گونی ذاتی

برقرار است.(۱)

دین، مخلوق خداست و خداوند، زیبای مطلق است. ازاین رو، همه آفریده هایش از جمله دین، به حکم قاعده فلسفی سنخیت باید زیبا باشند، مگر آنکه به سبب انتخاب خود، زشتی را برگزینند. بنابراین، دین، عین زیبایی است و بهترین رابطه ها را با زیبایی دارد.

نکته ۲. آثار زیبای دین که شرح آن خواهد آمد، دلیل روشنی بر دیدگاه مثبت دین نسبت به اصل زیبایی است و پاسخ منطقی و محکمی برای این شبهه خواهد بود.

نکته ۳. اسلام، فرمان های مثبت خود را «حسنه» و کارهای ممنوع را «سیئه» می نامد. در فرهنگ های لغت، حسنه به معنای زیبایی و سیئه به معنای زشتی و نازیبایی است.(۲) این نام گذاری، دلیل خوبی بر آن است که دین، برای ایجاد زیبایی ها و مبارزه با زشتی ها آمده است.

نکته ۴. نتیجه پیروی از دین (عبادت)، رسیدن به زیبای مطلق است. بنابراین، دین، انسان را به سوی زیبایی راهنمایی می کند.

نکته ۵. قرآن، هدف از آفرینش را آزمودن انسان ها در انجام کارهای زیبا معرفی می کند: «الَّذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَیاهَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً؛ همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید». (ملک: ۲)

۱- نهایه الحکمه، ص ۱۶۶.

۲- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۶ هـ . ق، ج ۲، ص ۲۳۸.

نکته ۶. هر چه با دین هم سو باشد و رنگ خدایی به خود بگیرد، زیباترین است: «صِبْغَهَ اللّهِ وَ مَنْ اَحسَنُ مِنَ اللّهِ وَ نَحَنُ لَه عابِدونَ؛ این است نگارگری الهی و کیست زیبانگارتر از خدا و ما او را پرستندگانیم». (بقره: ۱۳۸)

نکته ۷. دین هرگز زیبا و زشت را برابر نمی داند، بلکه زیبایی را مقدم می شمارد: «وَلا تَسْتَوِی الْحَسَنَهَ وَلا السَّیِئَهُ؛ و نیکی (زیبایی) با زشتی یکسان نیست». (فصلت: ۳۴)

نکته ۸ . تشویق به زیباگرایی، سرلوحه فرمان های دینی است: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها؛ هر کسی کار نیکی (زیبایی معقول و معنوی) بیاورد، ده برابر آن پاداش دارد». (انعام: ۱۶۰)

نکته ۹. دین، سفارش می کند با انجام زیبایی ها، زشتی ها را محو کنید: «وَ یَدْرَئُونَ بِالْحَسَنَهِ السَّیِئَهَ اُولِئِکَ لَهُم عُقَبی الدّارِ؛ و زشتی را با زیبایی می زدایند». (رعد: ۲۲)

نکته ۱۰. زیبا عملان، محبوب خدایند: «.. ثُمَّ اتَّقَوا وَ اَحْسَنُوا وَ اللّهُ یُحِّبُ الْمُحسِنینَ؛ آن گاه تقوا پیشه کنید و به نیکی (زیبایی) عمل کنید و خدا نیکو (زیبا) کاران را دوست دارد». (مائده: ۹۳)

نکته ۱۱. حتی برخورد با پدر و مادر نیز باید زیبا باشد: «وَ وَصَّیْنَا الْاِنْسانَ بِوالِدَیْهِ اِحْساناً؛ و انسان را [نسبت]به پدر و مادرش به نیکوکاری (زیبارفتاری) سفارش کردیم». (احقاف: ۱۵)

نکته ۱۲. زیباسازی دنیا، مورد توجه خداوند بوده است. «اِنّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُنیا بزِیْنَهِ الْکَواکِبِ؛ ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم». (صافات: ۶)

نکته ۱۳. ایمان که اساس دین داری است، زیباست. «وَ لکِنَّ اللّهَ حَبَّبَ اِلَیْکُمُ الْایمانَ وَ زَیَّنَهُ فی قُلُوبِکُم؛ ولی خدا، ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما زیبا کرد». (حجرات: ۷)

نکته ۱۴. دین به زیباطلبی انسان توجه دارد: «... وَالْخَیلَ و الْبِغالَ وَ الْحَمیرَ لِتَرْکَبُواها وَ زینَهً؛ و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] زینتی [باشد]».

نکته ۱۵. استفاده از زیبایی های مادی برای تکامل، مطلوب است: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم، زینت های خود را در هر نمازی برگیرید (به همراه داشته باشید)». (اعراف: ۳۱)

نکته ۱۶. امام علی (ع) می فرماید: «زیباسازی از اخلاق مؤمنان است».(۱)

نکته ۱۷. خداوند زیبایی را دوست دارد: امام صادق (ع) می فرماید: «لباس زیبا بپوش؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، ولی باید از حلال باشد.»(۲) در این حدیث پر محتوا، افزون بر سفارش به استفاده از زیبایی های مادی، به زیبایی های معنوی نیز سفارش شده است.

نکته ۱۸. دین با نازیبایی ها مخالف است. امام صادق (ع) فرمود: «پیامبر خدا، مردی را دید که موهای سرش ژولیده، لباسش کثیف و چرکین بود. پیامبر به او فرمود: بهره بردن از نعمت های الهی و نمایاندن نعمت، جزو دین است».(۳)

نکته ۱۹. خدا زیباپسند است. امام صادق (ع) فرمود: «خداوند، زیبایی و

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۷۸.
۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۷۳.
۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۷۳.

خودآرایی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی را ناخوش دارد. هرگاه خداونـد به بنـده ای نعمتی دهد، دوست دارد اثر آن را در او ببینـد.» از ایشان پرسـیدند: چگونه؟ فرمود: «لباس تمیز بپوشـد، خود را خوش بو کنـد، خانه اش را گـچ کاری کنـد، جلو در حیاط خانه را جارو کند. حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب خورشید، فقر را از میان می برد و روزی را زیاد می کند».(۱)

نکته ۲۰. مهم ترین نکته ای که می تواند به شبهه ناسازگاری دین با زیبایی، پاسخ دهد، این آیه شریفه است که می فرماید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَهَ اللّهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ؟! (اعراف: ۳۲)

(ای پیـامبر) بگو: زیبـایی هایی را که خـدا برای بنـدگانش پدیـد آورده و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسـی حرام گردانیـده است؟

با توجه به نکته های بالا، افزون بر درک رابطه دین با زیبایی، درمی یابیم که دین تنها برای زیباسازی دنیا و آخرت بشر نیامده اسـت. تـوجه به آیه قنـوت نمـاز این ادعـا را تأییـد می کنـد؛ خـدا در این آیه به بشـر می آمـوزد که همـواره زیبـایی هـای دنیا (محسوس) و زیبایی های آخرت (معقول) را از پروردگار بخواهد:

رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً و فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النّارِ.(بقره: ۲۰۱)

پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی (زیبایی) و در آخرت [نیز] نیکی (زیبایی) عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۷۳.

ه_) زیبایی های محسوس

اشاره

ه_) زیبایی های محسوس

در فرهنگ دینی، واژه های «دنیا»، «زینت دنیا»، «جمال»، «حُسن ظاهر» و مانند آن، بیانگر این دسته از زیبایی هاست. چون دنیا مظهر زیبایی های محسوس است، این واژه بیشتر به چشم می خورد.

درباره برخورد انسان با زیبایی های محسوس یا همان «دنیا»، سه نظریه وجود دارد. این نظریه ها عبارتند از: دنیاگرایی، دنیاگریزی، دنیاگذری.

نظریه های مربوطه به زیبایی های محسوس (دنیا)

اشاره

نظریه های مربوطه به زیبایی های محسوس (دنیا)

زیر فصل ها

نظریه اول _ دنیاگرایی

نظریه دوم _ دنیاگریزی

نظریه سوم _ دنیاگذری

نظریه اول _ دنیاگرایی

نظریه اول _ دنیاگرایی

در این نظریه که بر جهان بینی مادی استوار است، انسان کاری به جز به دست آوردن هر چه بیشتر لذت های مادی و دنیوی ندارد. پس سعادتمند کسی است که «دنیاگراتر» از دیگران باشد.

توقف در زیبایی های محسوس، از ویژگی های این گرایش است. ازاین رو، پیروان این اندیشه هرگز به ماورای دنیا و زیبایی

های آن نمی اندیشند و نمی توانند آن را درک کنند. آنان از همه امکانات خود، حتی عقل و استعدادهای انسانی برای تقویت جنبه حیوانی و مادی خود استفاده می کنند.

دین، این نظریه را مردود می داند و با آن به شدت مبارزه می کند. دین بر این باور است که انسان در جهان هستی جایگاه بسیار والا-یی دارد. بنابراین، نباید گرفتار دنیای مادی شود؛ زیرا محصور بودن در دنیا نه تنها زیبا نیست، بلکه زشت و ناپسند است. همان گونه که سقوط حیوان به سوی عالم جمادات زشت و ناپسند است، سقوط انسان هم به درجه حیوانات، نفرت انگیز خواهد بود.

دین با رد این اندیشه بر آن است تا زیبایی انسان بودن را به بشر هدیه کند. به چند نمونه از دستورها و راهنمایی های دین در این باره توجه کنید:

۱. أَ رَضیتُمْ بِالْحَیاهِ الدُّنْیا مِنَ ٱلْآخِرَهِ فَما مَتاعُ الْحَیاهِ الدُّنْیا فِی ٱلْآخِرَهِ إِلاّ قَلیلٌ. (توبه: ۳۸)

آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست.

۲. وَ مَا الْحَیاهُ الدُنیا اِلاّ لَعِبٌ و لَهْوٌ. (انعام: ۳۲)

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست.

۳. فَاَعْرِضْ عَن مَن تَوَلّی عَنْ ذِکْرِنا وَ لَمْ یُرِدْ اِلّا الْحیاهَ الدُّنیا. (نجم: ۲۹)

پس از هر کس که از یاد ما روی برتافته است و جز زندگی دنیا را نمی خواهد، روی برتاب.

بنابراین، از دیدگاه دین، «دنیاگرایی» و نه اصل دنیا، ناپسند و زشت است؛ زیرا از رسیدن انسان به زیبایی های بالاـتر و ارزشمند جلوگیری می کند.

نظریه دوم _ دنیاگریزی

نظریه دوم _ دنیاگریزی

این اندیشه که ویژه برخی افراط گرایان از جمله صوفیان، رهبانان و برهمنان است، در دین معتدل(۱) اسلام، مردود شمرده می شود. قرآن و روایت های اسلامی همان گونه که با «دنیاگرایی» مبارزه می کنند، با این حالت افراطی نیز مخالفند. در متون دینی چنین می خوانیم:

قُلْ مَنْ حَرَّم زینَهَ اللّهِ الّتی اَخْرَجَ لِعِباده وَ الطّیباتِ مِنَ الرِّزْقِ.(اعراف: ۳۲)

[ای پیامبر]! بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و (نیز)

۱- «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطًا لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ». بقره: ۱۴۳

روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟

امـام علی (ع) در شـهر بصـره به خـانه علاـء بن زیاد رفت که از یارانش بود. وقتی خانه مجلل او را دیـد، به او تـذکر داد. علاء گفت: یـا امیرالمؤمنین! برادرم، عـاصم بن زیـاد، عبـایی پوشـیده و از دنیـا کنـاره گرفته است. امام فرمود: «او را بیاوریـد.» وقتی عاصم آمد، امام فرمود: «ای دشـمن جان خویش! شـیطان، سرگردانت کرده است. آیا تو به زن و فرزندانت رحم نمی کنی؟ تو می پنـداری که خداونـد نعمت هـای پاکیزه خود را حلال کرده است، ولی دوست نـدارد تو از آنها اسـتفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچک تر از این هستی».

عـاصم رو به امـام کرد و گفت: ای امیرمؤمنـان! پس چرا تو با این لباس خشن و آن غـذای ناگوار به سـر می بری؟ امام فرمود: «وای بر تو، من هماننـد تو نیسـتم. خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان هم سو، کنند تا فقر و نداری، ایشان را به سرکشی و طغیان نکشاند».(۱)

بـا مطالعه آیه ها و روایت ها درمی یابیم که اسـلام، دنیا را منفی نمی دانـد، بلکه با دنیاگرایی و دنیاگریزی مخالف است و راه سوم؛ یعنی «دنیاگذری» را ترویج می کند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹.

نظریه سوم _ دنیاگذری

نظریه سوم _ دنیاگذری

دنیا، «گذرگاه» است، نه «منزل گاه». این نگرش، از آموزه های نخستین دین است که نتیجه های بسیار مهمی در پی دارد، از جمله اینکه:

۱. دنیا، منفی نیست، بلکه ارزشمند است. اگر دنیا، گذرگاه است و برای رسیدن به مقصد (بهشت برین) آماده شده است، جایی بسیار ارزشمند خواهد بود. ازاین رو، دین با استفاده صحیح از دنیا موافق و با ترک آن مخالف است.

۲. وقتی دنیا، گذرگاه آخرت باشد، زیبایی های محسوس نیز مقدمه رسیدن به زیبایی های معقول است. بنابراین، دین هرگز با استفاده صحیح از زیبایی های محسوس مخالفت نمی کند.

۳. آخرت و زیبایی های معقول، هدف و مقصد دنیا و زیبایی های محسوس، به شمار می رود؛ زیرا این دو گذرگاه آن دو هستند.

۴. همان گونه که «توقف» روی پل کاری نادرست است، توقف در زیبایی های محسوس و دنیا نیز عاقلانه نیست. حضرت عیسی (ع)می فرماید: «اِنَّما الدُّنیا قَنْطَرَهٌ فَاعْبِرُوها؛ دنیا پل و گذرگاه است. پس از آن بگذرید».(۱)

و) زیبایی های معقول

و) زیبایی های معقول

با بررسی متون دینی، از جمله آیه های قرآن کریم و روایت های معصومین (ع) درباره رابطه دین با زیبایی های معقول و معنوی، به نتیجه های زیر دست می یابیم:

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۷۵۱.

۱. زیبـایی هـای معقول بر زیبـایی های محسوس، متقـدم هسـتند؛ زیرا آنها به عالم مجردات و اینها به عالم ماده تعلق دارنـد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

به خدا سوگند، دنیا در برابر آخرت همانند آن است که یکی از شـما دسـتش را به دریا بزند. سپس ببیند که چه مقدار آب با آن برداشته می شود.(۱)

۲. مطلوب دین، جمع میـان زیبـایی های معقول و محسوس است. بنابراین، تمایل مطلق به یک طرف، از نظر دین مردود است. پیامبر اسلام فرمود: «مؤمنی که هم به فکر دنیا و هم به فکر آخرتش باشد، بالاترین همت ها را دارد».(۲)

۳. دین، زیبـایی هـای معقول را مقصـد و هـدف و زیبایی های محسوس را پل و مقـدمه می دانـد. بنابراین، در صورت تعارض میـان این دو، دین، گرایش به معقـول را مقـدم می شـمارد. جـالب این است که اگر فردی در تعـارض میـان زیبـایی معقـول و محسوس، معقول را برگزینـد، افزون بر جزای معنوی، در بسـیاری از موارد، به زیبایی محسوس هم می رسـد. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید:

اگر دنیای خود را پیرو دین خود قرار دهی، هم دینت را به دست آورده ای و هم دنیای خود را و در آخرت هم از بهره منـدان خواهی بود.(۳)

۱- ناصـر مکارم شـیرازی، تفسـیر نمونه، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السـلام، ۱۳۸۲، چ ۲۲، ج ۲۰، ص ۴۵۶، به نقل از: تفسیر روح البیان.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۷۴۲.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۷۱۴۲.

در قرآن کریم نیز چنین می خوانیم: «لِلَّذینَ أَحْسَنُوا الْحُسْنی وَ زِیادَةٌ؛ برای نیکوکاران هم پاداش اخروی است و هم فراوان شدن نعمت دنیایی». (یونس: ۲۶)

۲. دین از منظر زیبایی شناسی

اشاره

۲. دین از منظر زیبایی شناسی

زیبایی شناسی (استتیک)، بیانگر معیارهایی برای شناخت زیبا از زشت است. اکنون زیبایی و نازیبایی درباره «دین» را با توجه به معیارهای این شاخه از فلسفه بررسی می کنیم.

الف) دین، زیباست

اشاره

الف) دین، زیباست

جنبه های گوناگون دین؛ یعنی خاستگاه، محتوا، قالب و اهداف دین، همگی زیبا هستند. خاستگاه دین، زیبایی مطلق؛ محتوای آن، کمال انسان؛ قالبش، متناسب با امکانات بشر و هدفش، رساندن انسان به مقام قرب است. برای اثبات این مهم، از دو دلیل «عقلی» و یک دلیل «تطبیقی» استفاده می کنیم.

یک _ خاستگاه دین، زیباست

یک _ خاستگاه دین، زیباست

زیبایی، کمال وجودی است و چون خداوند بزرگ همه کمالات را دارد، به یقین، زیباست. بر اساس «قانون سنخیت»، میان علت و معلول، هم گونی ذاتی برقرار است. بنابراین، هر چه معلول خدا باشد، همانند خود او زیبا خواهد بود. همچنین می دانیم که دین، آفریده ای از آفریده های خداوند است؛ زیرا دین، ریشه ای وحیانی دارد. «از کوزه برون همان تراود که در اوست.» پس محال است از زیبای مطلق، امری زشت و ناپسند صادر شود.

دو ـ دین، خاستگاه زیبایی است

دو ـ دین، خاستگاه زیبایی است

وجود آثاری زیبا که از دین ریشه می گیرند، دلیل دوم بر زیبا بودن خود دین است؛ زیرا محال است که معلول، چیزی داشته باشد که در علتش دیده نشود؛ چون معلول هر چه دارد (ذات و اوصاف)، همگی را از علت خود گرفته است. آثار دین هم در واقع معلول های آن هستند. بنابراین، این آثار، زیبایی خود را مدیون دین هستند. در نتیجه، محال است دین به آثار خود زیبایی دهد، ولی خودش زیبا نباشد و به تعبیر فلسفی، «محال است معطی شی ء فاقد آن باشد».

اثبات مقدمه اول که دین آثاری زیبا دارد، در ادامه خواهد آمد.

سه ـ دین با معیارهای زیبایی، هم خوانی دارد

اشاره

سه ـ دین با معیارهای زیبایی، هم خوانی دارد

بر اساس تعریف های گوناگون فیلسوفان از زیبایی، معیارهای زیبایی عبارتند از: کمال، تناسب، لذت، مفید بودن و توازن. در واقع، این معیارها اوصافی «کمالی» هستند که سبب پدید آمدن زیبایی می شوند. بنابراین، عنوان «کمال» همه این معیارها را شامل می شود.

در اینجا به بررسی تطبیق این معیارها با دین می پردازیم و در پایان نتیجه می گیریم که دین، زیباست.

اول ـ کمال

دین، کمال دارد؛ چون انسان را به کامل مطلق می رساند و سبب می شود به کمالات خداوند حکیم دست یابد.

دوم ـ تناسب

دین از دو نظر تناسب دارد. اول، تناسب داخلی است؛ یعنی فرمان های دینی، یکدیگر را تکمیل و تصدیق می کنند و هرگز تضاد ندارند، به

گونه ای که همگی به صورت هماهنگ و هم گون، انسان را به سوی یک هدف راهنمایی می کنند. دوم، تناسب بیرونی است؛ یعنی دین با همه موجودات عالم هستی به ویژه ساختار وجودی انسان هم گون و متناسب است. دین هرگز با عقل انسان تنافر ندارد و با فطرت او هم سو است.

سوم _ لذت

عنصر لذت، بیشتر از همه جا در دین یافت می شود؛ زیرا دین در اوج خود، انسان را عاشق خالق هستی می کند. این عشق به گونه ای است که افزایش آن، ظرفیت وجودی عاشق را بیشتر می کند؛ یعنی او آماده می شود تا لذت بیشتری دریافت کند. عشق به خدا سبب نزدیکی به اوست و نزدیکی به وجود و کمال محض، سبب افزایش وسعت وجودی می شود. این وضعیت برعکس لذت های مادی است که تا حدی انسان را ارضا می کند و بیش از آن حد سبب زدگی و بی تفاوتی می شود. شاهد این مطلب، انسان هایی هستند که به سبب غرق شدن در لذت های مادی، هر روز لذت های جدیدی را می جویند و با لذت های گذشته ارضا نمی شوند.

چهارم _ سودمندی

اجرای دین، ضامن سلامتی مادی و معنوی فرد و جامعه و از هر قانونی، مفیدتر است؛ زیرا خداوند از نیازهای انسان بهتر از هر کسی آگاهی دارد. بنابراین، مفیدترین برنامه ها را برای او در نظر گرفته است.

پنجم _ توازن

تعادل و توازنی که دین میان روح و جسم، ماده و معنی و دنیا و آخرت ایجاد می کند، در هیچ مکتبی یافت نمی شود؛ زیرا هر کدام از مکتب ها به افراط و تفریط دچار شده اند. دلیل ما بر توازن دینی، تعادل

روحی و جسـمی افراد مؤمن است. مؤمنان هرگز به بحران های روحی ـ فکری و افسردگی و ناامیدی دچار نمی شوند. این به برکت توازنی است که میـان اجزای دین برقرار است. پس نتیجه می گیریم که عناصـر و معیارهـای زیبایی در دین وجود دارد. بنابراین، دین زیباست و نمی تواند زیبا نباشد.

ب) زندگی دینی، زیباست

ب) زندگی دینی، زیباست

برای پرداختن به زیبـایی هـای زنـدگی دینی، لازم است زیبایی این گونه زنـدگی را ثابت کرد. ازاین رو، می گوییم زنـدگی دینی نیز همانند خود دین زیباست؛ زیرا زندگی دینی چیزی جز «تبلور عینی دین در زندگی بشـری» نیست. بنابراین، اگر دین، زیباست، زندگی دینی نیز زیبا خواهد بود.

روشن است که منظور از زنـدگی دینی، زندگی در جوامع به ظاهر دینی نیست، بلکه مقصود، جریان داشـتن دین در همه جنبه های زنـدگی است. در چنین حالتی است که فرد ظهور زیبایی های فردی و اجتماعی، روحی و فکری و رفتاری را در زنـدگی خود می بیند.

فصل سوم: بازتاب زیبایی های دین در زندگی بشر

اشاره

فصل سوم: بازتاب زیبایی های دین در زندگی بشر

دین نه تنها زیبا، بلکه زیباآفرین است. ازاین رو، انسان را به سوی زیبا شدن راهنمایی می کند، به گونه ای که همه جنبه های وجودی اش؛ یعنی اندیشه، روح و روان و رفتار او را زیبا می سازد. اینجاست که خود انسان نیز تولیدکننده زیبایی می شود. برای بیان این مرحله از ایمان، در آثار دینی از واژه «محسن» و «احسان» استفاده می شود. محسن به معنای نیکوکار و زیبا عمل است و احسان یعنی انجام نیکی و تولید زیبایی. دین تلاش می کند انسان ها را به این مرحله برساند: «وَ اَحْسِنُوا اِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنینَ؛ و نیکی کنید (زیبا عمل باشید). خدا نیکوکاران را دوست می دارد». (بقره: ۱۹۵)

در این فصل، به معرفی زیبایی های دین در حوزه های اندیشه، روح و روان و رفتار می پردازیم.

۱. زیبایی های دین در حوزه اندیشه (زیبااندیشی)

اشاره

۱. زیبایی های دین در حوزه اندیشه (زیبااندیشی)

دین در نخستین اقدام زیباسازی خود، به سراغ اندیشه انسان می رود و او را «زیبااندیش» پرورش می دهد.(۱) سپس دستورهای رفتاری صادر می کند. علت این مسئله هم روشن است. اندیشه، ریشه همه رفتارهای انسان است و «باورها»، سازنده «بایدها»ی بشری است. بنابراین، اندیشه زیبا، رفتار زیبا

۱- تلاش دین در این قسمت، ارشاد است و عقل را به تفکر واداشته است تا به داده های علمی و یقینی برسد.

را در پی دارد و اندیشه ناروا، رفتار نازیبا و زشت را در پی خواهد داشت؛ زیرا «از کوزه برون همان تراود که در اوست». برای مثال، «معاداندیشی»، احسان و عدل را در پی دارد و «خودخواهی»، ستم را.

مطالب این گفتار را در چهار محور کلی «جهان، انسان، خانواده و اجتماع» پی می گیریم.

الف) زیبااندیشی درباره جهان هستی

اشاره

الف) زیبااندیشی درباره جهان هستی

زیر فصل ها

یک ــ اعتقاد به خالق

دو ــ خوش بینی نسبت به خالق

سه ــ خوش بینی به نظام جهان

چهار ــ ایمان به معنادار بودن جهان

پنج ــ مزرعه اندیشی دنیا

یک ــ اعتقاد به خالق

اشاره

یک ــ اعتقاد به خالق

نخستین آموزه دین درباره اندیشه انسان نسبت به جهان هستی، «اعتقاد به خالق» است. اندیشه ای که نقطه اوج و اتصال مخروط اندیشه های دینی را تشکیل می دهد و همه زیبایی های دینی در سه حوزه اندیشه، روح و روان و رفتار انسان ها از همین اندیشه سرچشمه می گیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای دعوت خود می فرمود: «قُولوا لا اِلهَ اِلّا اللّه ـ تُفْلِحُوا؛ بگویید؛ به جز الله هیچ خدایی نیست تا سعادتمند شوید.»(۱) ناگفته نماند که اسلام بر پذیرش استدلالی و برهانی این اندیشه و نه پذیرش تقلیدی و تعبدی

آن، تأکید دارد.(۲)

این انـدیشه، تفکری زیبا و مطلوب است؛ زیرا هم ملاک های زیبایی را دارد و هم آثاری بس زیبا تولید می کند. قرآن کریم، زیبایی ایمان و اعتقاد به خالق را چنین تأیید می کند. «وَ لکِنَّ اللّهَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ اْلإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فی قُلُوبِکُمْ؛

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ . ق، ج ۱۸، ص ۲۰۲، باب اول، مبعث و اظهار الدعوه.

۲- سید روح اللّه موسوی خمینیره، رساله توضیح المسائل، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۷، مسئله ۱.

ولی خدا، ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما بیاراست». (جاثیه: ۲۴)

ملاک های زیبایی مانند کمال، تناسب، فایده و لذت در مخلوق اندیشی جهان یافت می شود. «کمال» را داراست؛ زیرا بر پایه یقین و علم استوار است. برخلاف نقطه مقابل آن؛ یعنی مادی نگری که بر اساس وهم و گمان، پی ریزی شده است. «تناسب» در این اندیشه وجود دارد؛ زیرا با اجزای دیگر اندیشه های علمی و یقینی انسان متناسب است و با هیچ کدام منافات ندارد. افزون بر این، با واقعیت های جهان که همان نظام علّی و معلولی باشد و نیز با فطرت خداجوی انسان متناسب است. ملاک دیگر زیبایی؛ یعنی «سودمندی» نیز در آن موج می زند؛ چون در این اندیشه، انسان، خود را به بی نهایت قدرت(۱) و علم(۲) وصل می کند؛ قدرتی که هر چه بخواهد، انجام می دهد(۳) و همه برکت ها به دست اوست.(۴) ازاین رو، چنین اندیشه ای، «مفیدترین» اندیشه هاست.

دلیل دیگر برای اثبات زیبایی اعتقاد به خدا، جنبه ها و آثار زیبای آن است. جنبه ها و آثاری که به جز در اندیشه زیبا یافت نمی شود.

آثار زیبای اعتقاد به خدا

اشاره

آثار زیبای اعتقاد به خدا

زیر فصل ها

اول _ پیوند به بی نهایت

دوم _ رشد و تعالی

سوم _ نفی خودمحوری و خودخواهی

اول _ پیوند به بی نهایت

اول _ پیوند به بی نهایت

۱- «و همواره خداوند بر همه چیز تواناست». فتح: ۲۱

۲- «خداوند به هر چیزی داناست». عنکبوت: ۶۲

۳- «و خدا هر چه بخواهد، انجام می دهد». ابراهیم: ۲۷

۴- «[خـدایا] همه خوبی هـا به دست توست و تو بر هر چیز توانایی». آل عمران: ۲۶؛ «هر چه از خوبی هـا (زیبایی ها) به تو می رسد، از جانب خداست». (نساء: ۷۹)

بی نهـایت طلبی از آرمـان های انسان است. عمر، قـدرت، علم و لـذت بی نهایت، همه از خواسـته های درونی انسان است که تنها در سایه ایمان و اعتقاد به خالق به دست می آیند؛ زیرا تنها موجود بی نهایت، خالق هستی آفرین است.

بنـابراین، برای پیونـد به بی نهـایت، راهی جز اعتقـاد به او نیست. بیشترین فایـده لـذت و کمـال برای انسـان زمـانی است که به اقیانوس لذت و کمال وصل شود. چنین فردی هرگز به بن بست نمی رسد؛ زیرا بن بست محدود ماده را با این اندیشه شکسـته و به مـاورای آن رسیده است. هرگز ناامیـد نمی شود؛ چون بی نهـایت قـدرت بـا اوسـت(۱) و همـواره در آرامش بـه سـر می برد.(۲) از لذت های دنیا بهره مند می شود و در آخرت، بهتر از آنها را دریافت می کند.(۳)

بیشترین «لـذت ها و سودها» در سایه اتصال به بی نهایت قدرت به انسان می رسد. همچنین بالاترین «کمال» برای او رسـیدن به مقام اتصال به چنین قدرتی است.

دوم ـ رشد و تعالی

دوم ـ رشد و تعالی

۱- «اِنَّهُ لا یَیْأسْ مِنْ رَوحِ اللّهِ اِلّا القُومُ الکافِرونَ؛ جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود». یوسف: ۸۷

۲- «أَلا إِنَّ أَوْلِیاءَ اللّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ الَّذینَ آمَنُوا وَ کانُوا یَتَّقُونَ؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند». یونس: ۶۲

۳- «لِلَّذینَ أَحْسَنُوا فی هـذِهِ الدُّنْیا حَسَنَهٌ وَ لَدارُ الْآخِرَهِ خَیْرٌ؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند، [پاداش] نیکویی است و همانا سرای آخرت بهتر است». نحل: ۳۰

از دیگر آثار زیبای «خالق اندیشی»، رشد و تعالی به سوی کمال مطلق است. خداشناسی، خداپرستی را در پی دارد و خداپرستی با «خدا گونه» شدن پایان می پذیرد. بنابراین، رشد تا این مرحله، مرهون اندیشه «خداپذیری» است. پروردگار در حدیثی قدسی می فرماید:

بنده من، مرا پرستش کن تا تو را مثل خودم کنم... من توانگری هستم که فقیر نمی شوم. تو را نیز توانگری کنم که تهی دست نشوی. من هرگاه چیزی را اراده کنم، به وجود می آید. تو را هم چنین کنم که هرگاه هرچه بخواهی، ایجاد شود.(۱)

چنین رشدی که تنها در سایه اعتقاد و ایمان به خدای جهان آفرین ایجاد می شود، بیشترین «سود و لذت» و کامل ترین «کمال های» انسانی را که همان رسیدن به مقام قرب الهی و جایگاه خلیفه الهی است، در پی دارد.

سوم _ نفی خودمحوری و خودخواهی

سوم _ نفی خودمحوری و خودخواهی

سومین اثر زیبای «ایمان به خدا» رهایی انسان از خودخواهی است. در طول تاریخ بشر، «خودمحوری و خودخواهی» منشأ بسیاری از فتنه ها، جنگ ها و جنایت ها بوده و هست. این صفت زشت رفتارهای نازیبا و زشتی را تولید کرده است که مطالعه آنها نفرت همگان را در پی دارد.

اعتقاد به خالق چون به «خدامحوری» و پذیرش «دین» می انجامد، از پدیدار شدن صفت زشت «خودمحوری» جلوگیری می کند و مانع دیکتاتوری فردی و جمعی می شود. حکومت پیامبران به ویژه پیامبر اسلام

۱- سیدحسن شیرازی، سخن خدا، ترجمه: ذکرالله احمدی، انتشارات خزر، ۱۳۶۳، چ ۲، ص ۱۴۶.

و امام علی (ع)، نمونه ای از خـدامحوری و نفی خودمحوری است. حکومت هایی که به جز سود، کمال و عـدالت، برای مردم چیز دیگری نمی خواهند و زیباکاری را سرلوحه برنامه حکومتی خود قرار می دهند.

نفی خودمحوری تنها در سایه خـدامحوری به دست می آیـد؛ زیرا هر چنـد هم حکومتی «جمع محور» باشـد، هماننـد آنچه در دموکراسـی غربی ادعـا می شود، بـاز هم گرایش هـای حزبی و نفسانی، او را در خلوت هـا و آنجـا که چشم جمع از او غـافل است، از اجرای عدالت باز می دارد.

پس زیبایی انـدیشه «پـذیرش خالق» است که خود منشأ آثاری بس زیبا است و این اولین اندیشه زیبایی است که دین در حوزه و اندیشه انسان تولید می کند.

دو ـ خوش بینی نسبت به خالق

اشاره

دو ـ خوش بینی نسبت به خالق

دین با معرفی نام های زیبای خدا، اندیشه ای زیبا در ذهن پیروان خود تولید می کند:

هُوَ اللّهُ الْخالِقُ الْبارِی الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی. (حشر: ۲۴)

اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین [زیباترین] نام ها [و صفات] از آن اوست.

در انـدیشه دینی، خـدا همه کمالات را داراست و هیـچ کاستی در او وجود ندارد. به هیچ کس سـتم روا نداشـته است و به جز خیر و خـوبی چیزی از او صـادر نمی شود. به همه چیز دانـا و بر همه امور توانـاست. حکیمی است که همه کارهـایش از روی مصلحت و حکمت است. بنابراین، جایی برای بدبینی به او وجود ندارد. به برخی گزاره های دین در این موارد توجه کنید:

۱. «اَلْحَمدُلِلّهِ رَبِّ العالَمینَ؛ ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان [است]». (حمد: ۱)

۲. «اِنَّ اللّهَ لایَظْلِمُ مِثْقالَ ذَرَّهٍ؛ در حقیقت، خدا هم وزن ذره ای ستم نمی کند». (نساء: ۴۰)

۳. «اِنَّ اللّه بِالنّاسِ لَرَئوُفٌ رَحیمٌ؛ خدا [نسبت] به مردم دل سوز و مهربان است». (بقره: ۱۴۳)

۴. «وَ کانَ اللّه ُعَلی کُلِّ شَی قَدیراً؛ و همواره خداوند بر هر چیزی تواناست». (فتح: ۲۱)

۵. «اِنّ اللّهَ کانَ عَلیماً حَکیماً؛ خداوند همواره دانای حکیم است». (احزاب: ۱)

خداوند، خود را در تمام سوره های قرآن (به جز توبه)، رحمان (وسیع الرحمه) و رحیم (دائم الرحمه) معرفی می کند. مجموعه این صفت ها عامل «خوش بینی» به خالق هستی است. پیداست که هر چه ما به خداوند «خوش بین تر» باشیم، از رحمت او بیشتر بهره می بریم. امام رضا (ع) در این باره می فرماید:

گمان خود را به خدا زیبا کن؛ زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «رحمت من در گرو گمان بنده مؤمن، نسبت به خودم است». اگر گمانش خیر بود، مشمول خیر و رحمت می شود و اگر گمانش شر بود، مشمول شر و بدی می گردد.(۱)

خوش بینی به خدا، اندیشه ای زیباست. جنبه های زیبایی این اندیشه عبارتند از:

۱. خوش بینی به خالق، اندیشه ای «کمالی» به شمار می رود؛ زیرا موافق با عقل است.

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۰۰.

۲. خوش بینی برخلاف بدبینی، ارتباطی «لذت» بخش و پر «سود» را برای صاحبش در پی دارد.

۳. افزون بر این، آثـار زیبای خوش بینی به خـدا، ثابت کننـده زیبایی خود این انـدیشه است. بنابراین، خوش بینی به خالق برای آنکه هم معیارهای زیبایی را داراست و هم آثاری زیبا دارد، اندیشه ای زیبا به شمار می رود.

آثار زیبای خوش بینی به خالق

اشاره

آثار زیبای خوش بینی به خالق

زیر فصل ها

اول ــ آرامش روحی

دوم ــ سخاوت

سوم ــ رضا

چهارم ــ امید و تلاش

اول ــ آرامش روحی

اول ــ آرامش روحی

کسـی که به خـدا خوش بین است و می دانـد که او توانـا، دانـا و حکیم، بخشـنده، پوشاننـده عیب هـا، مهربان ترین مهربانان و عـادل است، هنگام روی دادن هیـچ مشـکلی دچار تشویش روحی نمی شود و همواره آرام است؛ زیرا معتقـد است نیرویی بی نهایت همراه با علم و تدبیر از او حمایت می کند. چنین فردی در قرآن کریم این گونه توصیف شده است:

أَلا إِنَّ أَوْلِیاءَ اللّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ الَّذینَ آمَنُوا وَ کانُوا یَتَّقُونَ. (یونس: ۶۲ و ۶۳)

آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه اندوهگین می شوند؛ همان ها که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده اند.

«خوش بین» به خـدا هرگز از حوادث زنـدگی هراس نـدارد و بـا دیـد منفی بـدان ها نمی نگرد؛ زیرا اداره کننـده کارها را فرد حکیمی می دانـد. همچنین دریـافته است که دنیـا محـل امتحـان است. بنابراین، همیشه آرام و پرصـلابت، به سیر تکاملی خود ادامه می دهد. همچون ابراهیم خلیل (ع)که وقتی مشـرکان او را در آتش افکندند، چنان آرام بود که جبرئیل امین نیز شـگفت

زده شد. با توجه به برخی گفته ها، ابراهیم (ع) در آن زمان، شانزده

سال بیشتر نداشته است.(۱)

آرامش، از حالت های بسیار زیبای انسانی است که بدون آن هیچ لذتی به انسان نمی رسد. فرض کنید کسی که به اضطراب دچار شده و تعادل خود را از دست داده است، هرگز با دیدن گُل و بوستان شادمان نمی شود و از خوردن غذای لذیذ لذت نمی برد. بنابراین، می توان گفت که همه لذت ها و زیبایی ها در کنار آرامش معنا پیدا می کنند. ازاین رو، برای به دست آوردن آرامش پایدار و حقیقی، باید تلاش کرد و آن تنها در سایه ارتباط درست و خوش بینانه با خالق هستی به دست می آید؛ چون «أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باش که با یاد خدا، دل ها آرامش می یابد». (رعد: ۲۸)

دوم _ سخاوت

دوم _ سخاوت

دومین اثر زیبای «خوش بینی به خالق»، سخاوت است. بخیل به روزی رسانی الهی خوش بین نیست وگرنه هرگز به چنین صفت نازیبایی دچار نمی شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «خِصْلَتانِ لاتَجْتَمِعانِ فی مُؤمِنٍ، اَلْبُخلُ وَ سُوءُ الظَّنِ بِالرِّزقِ؛ دو صفتند که در هیچ مؤمنی یافت نمی شوند: یکی، بخل و دیگری، بدبینی به روزی رسانی خدا».(۲)

خوش بینی به خدا سبب رهایی انسان از بُخل می شود. انسان خوش بین در مسیر سخاوت که از صفت های نیک اخلاقی است، قرار می گیرد. سخاوت هم «کمال» است و هم لذت روحی و معنوی را در پی دارد. گفتنی است که سخاوت، سودهای دنیوی نیز دارد که ایجاد صفا و

۱- سیدهاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیا، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳، چ۵، ج۱، ص ۱۳۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۴.

صمیمیت، برطرف شدن مشکلات نیازمندان و دریافت برکت و افزایش مال از آن جمله اند. قرآن می فرماید: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها؛ هر کس کار نیکی (زیبایی) بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت». (انعام: ۱۶۰)

سوم ــ رضا

سوم ــ رضا

رضا از صفت های بسیار مفید، آرام بخش و لذت آفرین است. راضی بودن به خواست خدا تنها وقتی به دست می آید که اندیشه خوش بینی به خالق در انسان ریشه دوانده باشد. انسان راضی چون خدا را حکیم، دانا، عادل، مهربان و بخشنده می داند، در سخت ترین شرایط زندگی نه تنها بردبار است، بلکه با رضایت، همه حادثه ها را به بستری برای تکامل خود تبدیل می کند. رضا از صفت های کمالی انسان است. بنابراین، زیباست و هر چه آن را تولید کند، زیبا خواهد بود. سعدی شیرازی چنین می سراید:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست(۱)

چهارم ــ امید و تلاش

چهارم ــ امید و تلاش

چهارمین اثر زیبای «خوش بینی به خدا»، امید و تلاش است؛ زیرا خوش بینی به خدا سبب امیدوار بودن به تحقق وعده های بزرگ و زیبای الهی می شود. همین امید، انسان را به تلاش بیشتر برای پیمودن راه تکامل وا می دارد؛ که «و اَنْ لَیسَ لِلْاِنْسانِ اِلّا ما سَعی». (نجم: ۳۹)

بنابراین، امید و تلاش که محصول اندیشه دینی خوش بینی به خداست، زیبا هستند و در نتیجه، خاستگاه آنها نیز زیباست.

سه ــ خوش بینی به نظام جهان

اشاره

سه ــ خوش بینی به نظام جهان

۱- کلیات سعدی، تنظیم: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، چ ۵، ص ۷۸۷.

انسان ها با توجه به جهان بینی خود، با نگاه های گوناگونی به نظام حاکم بر جهان و انسان می نگرند. برخی، آن را پوچ و بی هـدف، عـده ای، آن را ظالمانه و گروهی هم آن را زیبا می داننـد. انـدیشه دینی بر «احسن» بودن نظام جهان تأکیـد می کنـد؛ یعنی آفریده های جهان و نیز برنامه و نظام حاکم بر آنها به بهترین حالت تنظیم شده اند و به تعبیر رساتر نمی توان بهتر از نظام موجود، نظامی در این جهان برپا کرد. به این اندیشه «نظام احسن» گفته می شود.

قرآن کریم در دو جمله کوتـاه، خلقت جهان و انسان را زیبا معرفی می کنـد: «اَلَّذی اَحْسَنَ کُلَ شـی خَلَقَه؛ همان کسـی که هر چیزی را که آفریـده است، نیکو آفرید». (سـجده: ۷) و لَقَـدْ خَلَقْنَا اْلإِنْسـانَ فی أَحْسَنِ تَقْویمٍ؛ به راستی، انسـان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم». (تین: ۴)

دیـن بـه مـا می آمـوزد کـه نظـام خلقت به بهـترین و زیبـاترین حـالت برپـا شـده است. بنـابراین، اگر موضـوعی هم در دیـد ما ناخوشایند و نازیبا جلوه کند، باید با بینشـی عمیق، واقعیت و حقیقت زیبای آن را درک کنیم؛ زیرا چه بسیارند انسان هایی که زیبایی چیزی را درک کنند.(۱)

در فلسـفه اسلامی نیز درباره اندیشه زیباتر بینی جهان بحث می شود.(۲) ازاین رو، فیلسوفان جمله معروفی دارند که: «لَیْسَ فِی الْاِمْکـانِ اَبْدَعُ مِمّـا کـانَ؛ بـدیع تر و زیبـاتر از آنچه در عـالم یـافت می شود، ممکن نیست.» برای اثبـات زیبـایی انـدیشه «نظام احسن»، بیان آثار زیبای این اندیشه کافی است.

۱- بقره: ۲۱۶.

۲- نهایه الحکمه، ص ۳۸، فصل ۱۷.

آثار زیبای اندیشه خوش بینی به نظام جهان

اشاره

آثار زیبای اندیشه خوش بینی به نظام جهان

زیر فصل ها

اول ــ هم زیستی با طبیعت

دوم ــ صبر و رشد

اول ــ هم زیستی با طبیعت

اول ــ هم زیستی با طبیعت

وقتی به نظام احسن معتقد شدیم، هیچ موجودی را در اصل خلقت دشمن خود نمی بینیم، بلکه آنها را لازمه پیدایش این جهان می دانیم. این اندیشه به معنای حفاظت نکردن از خود در برابر حوادث و موجودات دیگر نیست، بلکه مقصود آن است که به این امور بدبین نباشیم و بدانیم که چه بسا این حوادث و موجودات برای انسان خیر نیز داشته باشند. با این اندیشه، هرگز به تخریب طبیعت و موجودات آن فکر نخواهیم کرد، بلکه می کوشیم از آنها استفاده کنیم. اگر انسان بداند که همه چیز «برای او» و «در اختیار» او آفریده شده اند، به جای فرار یا تخریب موجودات، به بهره بردن بیشتر از آنها می اندیشد و در نتیجه، سود، لذت، رشد و کمال بیشتری به دست می آورد. با این نگرش است که از زهر کشنده مار، داروی شفابخش تولید می کند و انرژی هسته ای را در موارد سودمند به کار می گیرد. همچنین از حیوان های درنده و وحشی به سبب نقش مهم آنها در اکوسیستم منطقه خود، به خوبی پاسداری می کند. شاید گفته شود که این امور در جوامع غیر دینی بهتر انجام می گیرد. پس چرا آن را نتیجه و اثر اندیشه دینی می دانید.

پاسخ این مسئله روشن است. دین پیش تر از هر کسی، از انسان خواسته است تا این امور را رعایت کند. افزون بر آن، دین، این مسئله را مقدس و در تکامل انسان ها مؤثر می داند.

زیبایی هم زیستی با طبیعت و بهره مندی از لذت های آن بسیار روشن است. اگر انسان با هر موجودی که در ابتدا به نظرش مزاحم می رسید،

مبـارزه می کرد، تـاکنون از طبیعت چیزی باقی نمانـده بود. خوش بینی به نظام طبیعت، انـدیشه ای زیباست که می توانـد اثری همچون هم زیستی با طبیعت را ایجاد کنـد. دو آیه زیر این نگرش زیبا را بیان می کنند: «وَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ؛ و آنچه را در آسـمان ها و آنچه را در زمین است، به سود شـما رام کرد». (انبیاء: ۷۹) یـا «وَ هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُم ما فِی الْاَرْضِ جمیعاً؛ اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید». (بقره: ۲۹)

دوم ــ صبر و رشد

دوم ــ صبر و رشد

حـوادث هولنـاک، همـواره انسـان را در ایـن جهـان تهدیـد می کننـد، ولی برخـورد فکری و رفتـاری انسـان هـا در برابر چنین مشـکلاتی، متفاوت است. دین که دربردارنـده برنامه سـعادت منـدی دنیا نیز هست، در این باره با ایجاد انـدیشه خوش بینی به نظـام جهـان، بیشترین اسـتفاده از چنین حوادثی را برای پیروان خود به ارمغـان می آورد؛ یعنی نه تنهـا ایشان را از آسـیب های حوادث حفظ می کند، بلکه درست از همان امور وحشت انگیز، آثاری لذت بخش و کمال آفرین به وی می رساند.

صبر که از مهم ترین کمالات انسانی و زیبایی های معنوی است، در کنار اعتقاد به نظام احسن به دست می آید. انسان مصیبت زده با وجود چنین انـدیشه ای، به جای افسـردگی و ناامیـدی، صبر و اسـتقامت را برمی گزینـد؛ زیرا می داند که گرچه حادثه، تلخ است، ولی با صبر می توان به لذت های نهفته در آن دست یافت. چند آموزه دینی درباره صبر چنینند:

۱. بردباران، محبوب خدایند: «وَ اللّهُ یُحِبُّ الصّابِرینَ». (آل عمران: ۱۴۶)

۲. صبر، نصف ایمان است: «اِنَّ الصَّبْرَ نصفُ الاِیمانِ».(۱)

۳. صبر سبب پیروزی است: «اِصْبِرْ تَظْفَر».(۲)

۴. صبر، مشکلات را برطرف می کند: «اِسْتَعینوُا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاهِ». (بقره: ۱۵۳)

صبر، اثری است زیبا برای انـدیشه خوش بینی به خالق؛ زیرا هم کمال است و هم «لـذت بخش» و هم پرسود. صبر، تلـخ است، ولی میوه شیرینی دارد.

چهار ـ ایمان به معنادار بودن جهان

اشاره

چهار ـ ایمان به معنادار بودن جهان

«معنادار بودن جهان»، چهارمین انـدیشه زیبایی است که نتیجه تبلور دین در زنـدگی انسان است. معنادار بودن فراماده ای، تنها در اندیشه دین داران یافت می شود؛ زیرا تهی اندیشان و پوچ گرایان، جهان را بی معنا می انگارند و ماده گرایان معنای جهان را به بن بست ماده محدود می کنند. هر دو گروه پوچ گرایان و مادی گرایان، آینده ای سرد و خاموش را انتظار می کشند.

در اثبات زیبایی انـدیشه معناداری جهان بایـد گفت این انـدیشه زیباست؛ زیرا تمام ملاک های زیبایی را داراست. زندگی بی معنـا، همچون میوه بی شـهد، هیـچ مزه ای نـدارد. نشـاط، امیـد و هیجان که عناصـر لـذت بخش زنـدگی هسـتند، تنها در سایه معناداری به دست می آیند. پوچی و بی هدفی، کام انسان پوچ گرا را تلخ می کند.

۱- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۰. سخن از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است.

۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۶. سخن از امام علی علیه السلام است.

مـادی گرا نیز فنـا و نـابودی خود و جهان را مانع دست یابی به لـذت های جاویـد برای خود قرار داده است. بنابراین، پوچ گرا لذت نمی برد و مادی گرا نیز لذتش محدود است. تنها دین دار از لذت های مادی و معنوی بهره مند خواهد شد.

سودهایی که معناداری جهان به انسان می رساند، بسـیار زیاد است که در بررسی آثار این اندیشه بیان می شوند. «تناسب» اجزا را نیز در این انـدیشه بایـد یـافت؛ زیرا هم بـا فطرت جاودان خواه انسان هم خوانی دارد و هم با واقعیت های خارجی. افزون بر اینکه با اجزای اندیشه های عقلانی بشر ازجمله وجود خالق (عدالت خالق) و احسن بودن نظام خلقت نیز تناسب دارد.

«کمال» بودن این اندیشه برای آن است که با فطرت انسان هم خوانی دارد. همچنین با دلایل عقلی تأیید می شود. پس با توجه به ملاک های زیبایی می گوییم که اندیشه معنادار بودن جهان زیباست.

آثار زیبای اندیشه معناداری جهان

اشاره

آثار زیبای اندیشه معناداری جهان

از آنجـا که زیبـایی اثر، دلیل بر زیبایی مؤثر است،(۱) بیـان آثـار زیبا برای معنادار بودن جهان، زیبایی این انـدیشه را ثابت می کند. چهار اثر این اندیشه عبارتند از:

اول ــ ارزشمندی

اول ــ ارزشمندی

ارزش نهـادن به جهـان هستی و موجودات آن به ویژه انسـان، از آثـار اعتقاد به معنادار بودن جهان است. در این انـدیشه، هیچ چیز، حتی

۱- بنا بر قاعده سنخیت علت و معلول. نک: نهایه الحکمه، ص ۱۶۶.

موجودات ساده، بی ارزش نیستند، بلکه همگی اجزای جهانی هدفمند را تشکیل می دهند. می دانیم که رتبه وجودی انسان، از موجودات بالاتر دیگر است. ازاین رو، موجودات دیگر، برای انسان(۱) و در اختیار(۲) او هستند. فردی که جهان در نظرش ارزشمند است، لذت بیشتری می برد. بنابراین، «ارزشمندی»، اثری زیبا برای اندیشه معناداری جهان است.

خداوند در قرآن کریم درباره ارزشمندی جهان و نیز معنادار بودن آن می فرماید: «وَ ما خَلَقْنا السَّماءَ وَ اَلْاَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما باطِلاً؛ و آسمان و زمین و آنچه را میان این دو هست، به باطل نیافریدیم». (ص: ۲۷)

دوم ــ رفع سرگردانی

دوم ــ رفع سرگردانی

دین در آموزه زیبای معنادار بودن جهان، مبدأ و مقصد انسان را زیبایی مطلق معرفی می کند: «اِنّا لِلّه وَ اِنّا اِلَیه راجِعُونَ؛ ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.» (بقره: ۱۵۶) بدین ترتیب، آدمی از هر گونه سرگردانی دور می شود. سرگردانی و بی هدفی از مهم ترین عوامل شکست به شمار می رود؛ زیرا در این حالت، انسان نمی داند به کجا می رود، برای چه حرکت می کند و چه باید بکند.

سوم ــ ضمانت اخلاق

سوم ــ ضمانت اخلاق

یکی از مهم ترین بحث های مکتب های اخلاقی، «ضمانت اخلاق» است. به این معنا که از چه راهی می توان اجرای نظریه ها (باید و نبایدها)ی اخلاقی یک مکتب را تضمین کرد. در این میان، دین که برترین

۱- انبیاء: ۷۹.

۲- بقره: ۲۹.

مکتب اخلاقی را معرفی می کنـد، باور داشـتن به معنادار بودن جهان را پیش روی ما می نهـد. انسان معتقـد به این انـدیشه، به معاد ایمان دارد؛ جایی که هدف های خلقت در آنجا برآورده و استعدادهای انسان شکوفا می شود.

فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ خَیْرا یَرَهُ وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ شَرا یَرَهُ.(زلزله:۷و۸)

پس هر که هم وزن ذره ای نیکی کنـد، [نتیجه] آن را خواهـد دیـد و هر که هم وزن ذره ای بـدی کنـد، [نتیجه]آن را خواهد دید.

بنابراین، «امیـد» به دست آوردن پاداش الهی، ضـمانت انجام دادن زیبایی ها (بایـدها) و ترس از عذاب اُخروی، ضـمانت ترک زشتی هـا (نبایـدها) است. این ضـمانت چنـان کـاربردی است که در همه حـالت ها، حتی در خلوت ترین مکان ها نیز کارآمد خواهد بود. اندیشه معناداری جهان از زیباترین اندیشه هاست؛ زیرا با وجود آن، جامعه ای اخلاقی پدید می آید و زشتی ها از آن برچیده می شوند.

چهارم ــ پاسخ به «جاودانی خواهی» انسان

چهارم ــ پاسخ به «جاودانی خواهی» انسان

بی شک، انسان، جاودانی خواه است. با درک انـدیشه معناداری جهان، این صـفت ارضا می شود؛ زیرا باز هم برای رسـیدن به آن بایـد به معاد که سـرایی جاویـد و همیشـگی است، ایمان داشت. دین دار، هـدف خلقت را پرداختن به امور مادی و سـپس فانی شـدن نمی دانـد، بلکه بر این باور است که مرگ، انتقال از دنیا و ورود به جهان آخرت است. بنابراین، جاودانه مانـدن را به معنای واقعی، نه وهمی و خرافی می پـذیرد؛ امری که بی دینان هرگز نمی تواننـد به درستی به آن پاسـخ دهند. آنان، مرگ را پایان زندگی خود می دانند. قرآن از زبان ایشان می گوید: «أَ إِذا مِتْنا وَ کُنّا تُرابًا وَ عِظامًا أَ إِذا

لَمَبْعُوثُونَ؛ آیا چون مُردیم و خاک و استخوان های [خُرد] گردیدیم، آیا به راستی برانگیخته می شویم؟» (صافات: ۱۶)

پاسخ به جاودانه خواهی فطرت از آن نظر زیباست که با فطرت و خلقت انسان متناسب است و لذت بیشتری به او می بخشد.

با بیان چهار اثر زیبا برای اندیشه معنادار بودن جهان، به روشنی به زیبایی خود این اندیشه نیز پی می بریم. این همه از آثار پربرکت و زیبای دین در حوزه اندیشه انسان است.

پنج ـ مزرعه اندیشی دنیا

اشاره

پنج ـ مزرعه اندیشی دنیا

رسول الله فرموده است: «اَلْدُّنیا مَزْرَعَهُ الآخِرَهِ؛ دنیا کشتگاه آخرت است.»(۱) پنجمین اندیشه، «مزرعه اندیشی دنیاست».

در این بینش اعتدالی، دنیا، نه منفی است و نه هدف، بلکه مزرعه ای است که ثمره آن در آخرت برداشت می شود. بینش «منفی نگر» به دنیا، انکار زیبایی های دنیوی را در پی دارد. «مادی نگری» نیز جفای به زیبایی و محدود ساختن آن به ارزش های مادی است. پس این دو اندیشه افراطی و تفریطی، هر دو نازیبا و مردود هستند، ولی «مزرعه اندیشی» نسبت به دنیا که از دست آوردهای فکری دین است، اندیشه ای زیبا و مطلوب به شمار می رود؛ زیرا با جمع کردن هر دو نوع زیبایی (مادی ـ معنوی)، بیشترین لذت ها را دربردارد.

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۹۰.

آثار زیبای «مزرعه اندیشی دنیا»

اشاره

آثار زیبای «مزرعه اندیشی دنیا»

زیر فصل ها

اول _ تلاش در دنیا

دوم _ آزادگی

سوم _ کنترل غریزه ها

چهارم _ مُقدّم داشتن آخرت بر دنیا

اول _ تلاش در دنیا

اول _ تلاش در دنیا

آن که دنیا را مزرعه آخرت؛ یعنی زندگی ابدی خود می داند، از رکود و سستی می پرهیزد. حتی اگر همه دنیا را به دست آورد، باز هم به تلاش خود ادامه می دهد؛ زیرا هدفش به دست آوردن دنیا نیست، بلکه آخرت را می خواهد. در مقابل، تلاش دو گروه افراطی (منفی نگر به دنیا) و تفریطی (مادی گرا)، متوقف یا محدود می شود؛ زیرا منفی نگر، دنیا را چنان زشت و نازیبا می پندارد که علاقه ای به تلاش نشان نمی دهد و مادی گرا نیز پس از فراهم شدن اسباب آسایش، از تلاش باز می ایستد. بنابراین، «مزرعه بینی» دنیا، تلاش و آبادگری را در پی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلممی فرماید: «اَعْظَمُ النّاسِ هَمّاً اَلْمُؤْمِنُ یَهْتَمُّ بِاَمْرِ دُنیاهُ وَ اَمْرِ آخِرَتِهِ؛ باهمت ترین مردم، مؤمن است که به کار دنیا و آخرت خود (هر دو) اهتمام می ورزد».(۱)

دوم _ آزادگی

دوم _ آزادگی

آزادی به معنای رهایی از بند ماده، از والاترین کمالات انسان به شمار می رود و تنها در سایه آموزه های دینی به ویژه «مزرعه اندیشی دنیا» به دست می آید. انسانی که دنیا را گذرگاه و نه منزل گاه، مزرعه و نه جایگاه ابدی می داند، هرگز خود را اسیر ماده نمی کند، ولی مادی گرایان، عقل و فهم خود را به اسارت نفس درآورده اند و نمی توانند ورای ماده را بنگرند. امام

علی (ع) می فرماید: «کَمْ مِنْ عَقْلٍ اَسیرٍ تَحتَ هَوی اَمیرٍ؛ و چه بسا عقل که اسیر هوسی است که فرمان رواست».(۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۷۴۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱.

سوم _ کنترل غریزه ها

سوم _ کنترل غریزه ها

اندیشه مزرعه بودن دنیا، غریزه ها و کارهای انسان را کنترل می کند. آنچه در میان حالت های روحی و رفتاری انسان زیباست، همین اعتدال است و افراط و تفریط، زشت به شمار می رود. حرص، بخل، خشم و بحران های روحی و روانی، همگی در پرتو این اندیشه کنترل می شوند. در نتیجه، صاحب اندیشه مزرعه بینی دنیا، هم از لذت های دنیوی و هم از لذت های اخروی بهره مند می شود. او با کنترل غریزه ها از آسیب های لجام گسیختگی آنها در امان می ماند. امام علی (ع) در وصف پرهیزکاران فرمود:

دنیای زودگذر و آخرت دیرپای را به دست آوردند. با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند و به بهترین گونه زندگی کردند. از بهترین خوردنی های آن خوردند و از دنیا همان بهره ای را بردند که توانگران خوش گذران می برند. آن گاه با توشه ای که آنان را به مقصد می رساند و با تجارتی پرسود از دنیا رفتند....(۱)

چهارم _ مُقدّم داشتن آخرت بر دنیا

چهارم _ مُقدّم داشتن آخرت بر دنیا

چهارمین اثر مزرعه بینی دنیا، مقدم داشتن آخرت بر دنیاست. چنین شخصی هرگز در دنیا و زیبایی آن توقف نمی کند، بلکه از آنها برای رسیدن به آخرت استفاده می کند. بنابراین، تفکر تعارض دنیا با آخرت، هرگز صحیح نیست. تعارض در «توقف و دل بستگی به دنیا» و «حرکت به سوی آخرت» است. حال اگر دنیا را مزرعه و پل ارتباطی خود با آخرت

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۷۴۱.

دیدیدم، هرگز در آن نمی مانیم، بلکه از آن برای حرکت به سوی آخرت استفاده می کنیم؛ زیرا هیچ کس پل را از منزل گاه نمی گیرد، بلکه آن را گـذرگاه مقصـد قرار می دهـد. تقـدم آخرت بر دنیـا زیبـاست؛ زیرا زیبـایی آخرت (معقـول) بـه علت تجردش، شدیـدتر، لـذت بخش تر و جاویـد است. بنـابراین، هر که آخرت را مقـدم بـدارد، در واقع، هر دو زیبـایی (دنیوی ــ اخروی) را داراست: «لِلَّذینَ أَحْسَنُوا فی هذِهِ الدُّنْیا حَسَنَهٌ وَ لَدارُ الْآخِرَهِ خَیْرٌ؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند، [پاداش] نیکویی است و بی شک، سرای آخرت بهتر است». (نحل: ۳۰)

در گفتار امام علی (ع) آمده است:

اگر دین (و آخرت) را تـابع دنیـای خود کنی، دین و دنیا هر دو از میان می رونـد و در آخرت از زیان کاران خواهی بود، ولی اگر دنیـای خـود را تـابع دینـت کنی (آخرت را بر دنیـا مقـدم بـدانی)، دین و دنیـا هر دو را به دست آورده ای و در آخرت از رستگاران خواهی بود.(۱)

ب) زیبااندیشی درباره انسان

اشاره

ب) زیبااندیشی درباره انسان

انسان بخشـی از جهان هستی است و زیبااندیشی درباره جهان هستی که در بخش نخست گفته شد، شامل او نیز می شود، ولی به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه انسان در جهان هستی، انـدیشه های دینی درباره او را جداگانه می آوریم تا شاهد تفصـیل تبلور زیبایی های دین در مورد برترین موجود خاکی باشیم. دین، جایگاه انسان را در نظام جهان، بلندمرتبه می داند.

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۷۴۳.

ازاین رو، اجازه نمی دهد که خود را در مرحله ای زمین گیر کند. برخی زیبا اندیشی های دین درباره انسان عبارتند از:

یک _ انسان، جانشین خداست

یک _ انسان، جانشین خداست

دین، بلندترین «جایگاه واقعی»، یعنی جانشینی خدا را به انسان می دهد: «وَ اِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ اِنّی جاعِلٌ فِی اْلاَرْضِ خَلیفَهً؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت». (بقره: ۳۰)

ارزش این مقام، وقتی برای ما روشن می شود که خداوند را هر چند اندک بشناسیم؛ زیرا ارزش هر جانشین به جایگاه و ارزش فرمانده او بستگی دارد. با توجه به این مطلب می گوییم که چون خداوند سبحان، ارزشمندترین موجود هستی، بلکه پدیدآورنده تمام هستی و ارزش های آن است، جانشین او نیز مقامی بس والا دارد.

شاید گفته شود برخی مکتب ها همچون اومانیسم، برای انسان مقامی بالاتر از دین در نظر گرفته اند. در پاسخ به این شبهه باید گفت تفاوت جایگاه دینی برای انسان با بینش مکتب های دیگر، واقعی بودن جایگاه انسان در بینش دینی و وهمی بودن آن را در نگرش آن مکتب ها بیان می کند. ما در خیال خود می توانیم حتی انسان را پروردگار دیگران بدانیم، همان گونه که فرعون چنین ادعا می کرد،(۱) ولی می دانیم که چنین پنداری، غیر واقعی است. بی شک، دین، بالاترین جایگاه واقعی را برای انسان در نظر گرفته است.

۱- محمود رجبی، انسان شناسی، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینیره، ۱۳۸۱، چ ۵، ص ۹۷.

در اندیشه دینی، انسانی که خود را جانشین خدا می داند، هرگز به پایین تر از آن راضی نخواهد شد و ساحت خود را از امور زشت حفظ می کند.

زیبایی این اندیشه (انسان جانشین خداست) با توجه به جایگاه خداوند روشن می شود. می دانیم که خداوند سبحان، آفریننده و پرورش دهنده کل هستی است. بنابراین، جانشینی او نیز به معنای پیدا کردن چنین جایگاهی است. پروردگار بزرگ در حدیثی قدسی، نتیجه عبادت خود را بخشیدن ولایت تکوینی به انسان معرفی می کند(۱) و بارها به این وعده خود، درباره عابدان مخلص عمل کرده است. شفای بیماران، خبر دادن از آینده و گذشته، تصرف در موجودات و حتی زنده کردن مردگان، همه و همه از نشانه های ولایت تکوینی است. بزرگان شمار زیادی از این کرامت ها را آورده اند.

دو _ انسان، آزاد است

دو _ انسان، آزاد است

امام علی (ع) فرمود: «لا تَكُونَنَّ عَبدَ غیرِكِ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللّهُ سُبحانَه حُرّاً؛ هرگز بنده دیگری نباش، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است.»(۲) دین، آزادگی و آزادی را به معنای درست آن به انسان هدیه می کند. آزادی مطلوب همه انسان هاست و هیچ کس تاکنون نتوانسته است آن را انکار کند؛ زیرا با مخالفت عمومی و فطری روبه رو می شود. تنها کاری که مخالفان آزادی، به

۱- حسن شیرازی، سخن خدا، ترجمه: ذکرالله احمدی، تهران، خزر، ۱۳۶۲، چ ۲، ص ۱۴۶.

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

معنای درست آن انجام داده اند، تحریف معنای آن است. بنابراین، آزادی در معنای حقیقی اش، واژه ای ترور شده است.(۱)

دین به انسان اعلام می کند که تو آزادی و معنای حقیقی آزادی در عروج از ماده به فراماده نهفته است. ازاین رو، آزادی دینی گستردگی بیشتری دارد؛ یعنی محدودیت های دینی به مراتب کمتر از محدودیت هایی است که طرفداران آزادی به معنای بی بند و باری بر انسان تحمیل می کنند؛ زیرا در آزادی حیوانی و بی بند و باری، انسان تمام وجود خود حتی عقل ــ این موجود ملکوتی و مجرد ــ را زیر فرمان هوا و هوس درمی آورد و در خدمت غریزه های حیوانی به کار می گیرد. در نتیجه، خود را به لذت ها و زیبایی های مادی آن هم نه از نوع انسانی، بلکه حیوانی اش محدود می کند. در مقابل، شخص دین دار با اینکه از همه لذت ها و زیبایی های حلال دنیا بهره می برد، خود را به ماده، محدود و اسیر هوا و هوس نمی کند، بلکه روح را از همه امور مادی آزاد می کند.

بی شک، پیروی از طاغوت و باطل، انسان را به مرحله حیوانی می کشاند(۲) و او را در منطقه بسیار محدود حیوانی آزاد می گذارد. بنابراین، آزادی حیوانی به مراتب محدودتر از آزادی دینی و انسانی است. اندیشه «آزاد بودن انسان» تنها در سایه دین به دست می آید؛ چون انسان این اندیشه را از هر مکتب یا هر شخص دیگری بگیرد، پای بند اوست. این، خود، نوعی اسارت در برابر غیر خداست که با آزادی حقیقی هم خوانی

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- اعراف: ۱۷۹.

ندارد. انسانی آزاد است که از کسی به جز خدا فرمان نگیرد.

آزاد اندیشی درباره انسان، کمال است؛ یعنی شرط اول صعود به مقام انسان بودن، رها ساختن خود از قید و بند حیوانی است. این مهم در نتیجه همین اندیشه به دست می آید. «فایده و لذت» نیز از نوع انسانی و معنوی آن در پی این اندیشه نصیب انسان می شود. انسان تا خود را از وابستگی های مادی آزاد نکند، نمی تواند لذت ایثار، انفاق و بخشش را درک کند.

انسان آزاد، هرگز تن و روح خود را اسیر هوا و هوس نمی سازد و در پی این اندیشه به شجاعت دست می یابد. او از هیچ قدرتی، به جز خدا نمی ترسد و به هیچ کس به جز خدا امید ندارد. عزت و سربلندی، پیروزی و استواری، جهاد و مبارزه، همه و همه از دیگر آثار این اندیشه اند. نمونه برجسته آزادمرد دینی در زمان کنونی حضرت امام خمینی رحمه الله بود که در نتیجه همین اندیشه توانست در مبارزه با ابرقدرت های زمانه پیروز شود.

سه _ انسان، دو بعدی است

سه _ انسان، دو بعدی است

دین با «تک بعد» نگری درباره انسان مخالف بوده و بر این باور است که او دو بعد دارد: روحانی و جسمانی.(۱) چنین نگرشی، این اندیشه را در ذهن انسان ایجاد می کند که ارزش تو بالاتر از آن است که همه وجودت همین جسم خاکی باشد.

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طینٍ ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فی قَرارٍ مَکینٍ ثُمَّ

۱- محمدتقی مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیره، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۳۳۲.

خَلَقْنَا النُّطْفَهَ عَلَقَهً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَهَ مُضْغَهً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَهَ عِظاما فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبارَکَ اللّهُ أَحْسَنُ الْخالِقینَ. (مؤمنون: ۱۲ _ ۱۴)

و به یقین، انسان را از عصاره ای از گِل آفریدیم. سپس او را [به صورت] نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آن گاه نطفه را به صورت علقه [آویزک] درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آن گاه مضغه را استخوان هایی ساختیم. سپس استخوان ها را با گوشتی پوشانیدیم. آن گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر (با اعطای روح) پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

برای اثبات روح و دو ساحتی بودن انسان، دلیل های زیادی همچون خواب های صادقانه، تله پاتی، ارتباط با ارواح و حس فطری آورده شده است. گرچه عده ای، جنبه دوم انسان را مرحله ای از جسم و مادی بودن او می دانند،(۱) ولی واقعیت، همان آموزه دینی است که با دلیل های تجربی و عقلی نیز تأیید شده است. البته ما در اینجا در پی اثبات آن نیستیم. به طور کلی، اعتقاد به دو بعدی بودن انسان و وجود روح، اندیشه ای زیبا است؛ زیرا هم با اجزای واقعی وجود انسان متناسب است (که در جای خود با دلیل های عقلی _ تجربی و دینی اثبات شده است) و هم «فایده و لذت» بیشتری به دست می آید. در سایه این اندیشه، انسان، خود را فناشدنی نمی بیند، بلکه خود را مسافری می داند که به ناچار چند صباحی باید در قالب تن بماند.

حجاب چهره جان می شود غبار تنم

خوشا دمی که از آن چهره، پرده برفکنم

۱- نک: انسان شناسی، صص ۸۶ _ ۱۰۷.

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم(۱)

در نتیجه این تفکر، انسان می کوشد تا عقل و استعدادهای انسانی خود را شکوفا سازد. ازاین رو، افزون بر لذت های جسمی، از نوع روحانی آنها نیز سود می برد.

چهار _ انسان، بنده خداست

چهار _ انسان، بنده خداست

چهارمین اندیشه زیبا که دین در معرفی انسان به بشر هدیه می دهد، آن است که انسان با آن همه شکوه (جانشینی خدا، آزادگی، شرافت بر آفریدگار دیگر و...) در برابر خالق هستی، فقیر است. بی شک، احساس بندگی در نهاد همه انسان ها نهفته است، ولی آنچه سبب تفاوت رفتاری انسان ها در برخورد با بندگی می شود، انحراف یا اشتباه در تشخیص مصداق معبود است. البته برخی نیز در مقابل اصل بندگی تکبر می ورزند و خود را به هیچ کس مدیون نمی دانند. این در حالی است که خداوند در قرآن فرموده است: «ذلِکُم اللّهُ رَبُّکُم لا اِله اِلاّ هُو خالِقُ کُلِ شَی ءٍ فَاعْبُدوُه؛ این است پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست. آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید.» (انعام: ۱۰۲) یا «وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ اُمَهٍ رَسُولاً اَنِ اعْبُدو اللّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطّاغُوتَ؛ و در حقیقت، در میان هر امتی، فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید:]خدا را بپرستید و از طاغوت (فریبگر) بپرهیزید». (نحل: ۳۶)

زیبایی این اندیشه، با تفسیر معنای «عبادت» روشن می شود. عبادت خدا؛ یعنی پذیرش ولایت و سرپرستی حکیمی مطلق. ازاین رو، انسان با

۱- دیوان حافظ شیرازی، ص ۲۶۶.

عبـادت خـدا، به سوی سرچشـمه همه کمـال هـا و زیبایی ها حرکت می کنـد. عبادت، پیونـد موجودی مخلوق و محـدود را با خالقی نامحدود ممکن می کند. انسان هر چه به خدا نزدیک تر شود، رشد و تکامل بیشتری می یابد. از سوی دیگر، خدا منشأ همه خوبی ها و برکت هاست. بنابراین، هر که به او نزدیک تر شود، سود بیشتری می برد.

«قرب به خدا»، هدف عبادت به شـمار می رود و معنای آن «خدا گونه» شدن است؛ زیرا کسـی به خدا نزدیک است که صفت های الهی را در خود ایجاد کنـد و هر کس صـفات الهی را دارا شد، به میزان ظرفیت خود، خداگونه است. این واقعیت را امام صـادق (ع) در قـالب حـدیثی زیبا بیان می کنـد: «اَلْعُبودَّیهُ جُوهَرهٌ کُنْهُها الرُّبُوبِیَّهُ؛ عبادت کردن خـدا، گوهری است که باطنش رسیدن به قرب ربوبی است.»(۱) بنابراین، «کمال»، فایـده و لذت بیشتر در چیزی است که انسان را به خالق هستی «نزدیک تر» کنـد و بر اثر این نزدیکی، به مقام جانشـینی خـدا و خـداگونه شـدن برسانـد. انـدیشه «عبادت خـدا»، انـدیشه ای زیباست؛ زیرا معیارهـای زیبـایی را داراست. برخی از این آثـار عبارتنـد از: رشـد و تکامل، دوری از زشتی هاییماننـد تکبر، سـتم و حیوانی شدن. آزادی از اسارت هوا و هوس و تمام طاغوت ها و رسیدن به مقام بسیار والای جانشینی خدا.

۱- عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، تهران، کتاب فروشی صدوق، ۱۳۶۰، چ ۲، ص ۵۳۶.

به راستی کدام زندگی زیباست؛ رسیدن به این همه درجه ها که در سایه بندگی خدا به دست می آید یا بردگی ماده و محروم شدن از لذت های معنوی؟

کیمیایی است عجب بندگی پیر مغان

خاک او گشتم و چندین درجاتم دادند

انسانی که از عبودیت الهی سر باز زند، چون خود را در ماده محدود کرده است، از لذت های معنوی محروم می ماند. چنین فردی از پیروی پروردگار خارج می شود و به اسارت نفس و شیطان درمی آید. تمام زشتی های رفتار انسان ها در طول تاریخ، مانند قتل ها، جنایت ها و فتنه ها همگی از همین مسئله سرچشمه می گیرد؛ چون انسانی که خود را بنده خدا می داند، هرگز از دستور او سرپیچی نمی کند و خداوند به جز زیبایی به چیزی دستور نمی دهد و به جز زشتی از چیزی باز نمی دارد.

قرآن کریم برای انسان هایی که از عبادت خدا سرپیچی می کنند، افزون بر عقاب اخروی، در همین دنیا نیز زندگی سختی را قرار داده است:

وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَهً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی. (طه: ۱۲۴)

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم.

ج) زیبااندیشی درباره خانواده

اشاره

ج) زیبااندیشی درباره خانواده

زیر فصل ها

یک ـ خانواده، نهادی مقدس است

دو ـ زن، مکمل مرد است

یک ـ خانواده، نهادی مقدس است

اشاره

یک ـ خانواده، نهادی مقدس است

احترام به نهاد کوچک خانواده از اندیشه تقدس بخشی دین به این نهاد، سرچشمه می گیرد. دین به پیروان خود می آموزد که درباره خانواده زیبا بیندیشند و زیبا رفتار کنند. تأثیر خانواده را در تربیت درست انسان ها نمی توان نادیده گرفت. دین با در نظر گرفتن مقامی والا برای انسان، سفارش می کند که کانون خانواده را گرم نگه دارد تا نخستین مرکز تربیتی خلیفه الله، از هرگونه آسیب در امان بماند. مجموعه آموزه هایی که دین به وسیله آنها این اندیشه زیبا (تقدس خانواده) را می آفریند، عبارتند از:

اول ـ ازدواج، امری مطلوب و مورد تأکید خداوند است

پیامبر اسلام می فرماید:

ما بُنَی فِی الاِسْلامَ بِناءٌ اَحَبُّ اِلَی اللّهِ عَزَ وَ جَلّ مِنَ التَّزویجِ.(۱)

در اسلام، هیچ کانونی محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج، نزد خداوند عزوجل بنا نشده است.

دوم ـ ازدواج مشروع، تضمین کننده بقای نسل پاک بشر است

امام رضا (ع) فرمود:

زنـا به علت مفاسـدی که در بردارد،ماننـد قتل نفس، از میان رفتن و مخـدوش شـدن اصل و نسب، ترک تربیت کودکان، تباه شدن موضوع ارث و میراث و امثال این مفاسد، حرام شده است.(۲)

سوم _ ازدواج سبب دست یافتن به کمالات معنوی است

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۴۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۶۶.

رسول خدا (ع) فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اُعْطِی نِصْفُ العِبادَهِ؛ هر که ازدواج کند، نصف (مراحل) عبادت به او عطا شده است». (۱)

چهارم _ خدمت به خانواده سبب پاداش است

حضرت محمد صلی الله علیه و آله : «فَاِنَّ خِیارَکُم خِیارُکُم لِاَهْلِه؛ همانا بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد». (۲)

پنجم _ خداوند به خانواده توجه دارد

وَ مِنْ آیاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُم مِنْ اَنْفُسِکُم اَزْواجاً لِتَسْکُنُوا اِلَیها وَ جَعَلَ بَیْنَکُم مَوَدَّهً وَ رَحْمَهً. (روم: ۲۱)

و از نشانه های او اینکه از (نوع) خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا به آنها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

این آموزه ها و ده ها آموزه های دیگر دینی، اندیشه «مقدس بینی خانواده» را در ذهن انسان تولید می کند.

آثار زیبای این اندیشه، بهترین دلیل بر زیبایی آن است. برخی از این آثار عبارتند از: آرامش که زیربنای همه لذت ها و زیبایی ها است؛ بقای نسل پاک بشر که پاکی نسل بشر نقش مهمی در مسائل تربیتی و اجتماعی دارد؛ تربیت و رشد صحیح کودکان؛ ایجاد محیطی پر از صفا و صمیمیت برای برآورده شدن حس محبت؛ حفظ عفت و پاک دامنی برای مرد و زن و به دست آوردن خشنودی خداوند بزرگ و رحمت او. باید دانست که این آثار هرگز در ولنگاری خانوادگی و بی بند و باری جنسی به دست نمی آیند.

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۵۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۱۳.

دو ـ زن، مکمل مرد است

دو ـ زن، مکمل مرد است

نوع نگاه به زن در جوامع گوناگون، متفاوت بوده است. در یونان قدیم، زن به عنوان کالای تجارتی در بازارها خرید و فروش می شد. او پس از مرگ شوهر، حق زندگی نداشت.

در روم نیز پدر خانواده حق داشت دخترش را بفروشد و حتی او را بکشد. این حق، پس از ازدواج، به شوهر که مالک زن بود، منتقل می شد. در استرالیا، با زنان مانند حیوانات اهلی رفتار می کردند. برای نمونه، هنگام قحطی، آنان را می کشتند و می خوردند. در میان یهودیان، زن بخشی از ارث پدر به شمار می آمد.(۱)

در عربستان پیش از اسلام، از ترس اینکه مبادا دختران در جنگ ها به دست دشمن بیفتند و برای دشمن، فرزند بیاورند، آنها را زنده به گور می کردند.(۲) بعضی از آنها، از ترس فقر، دختران خود را می کشتند(۳) یا چون زن ها در جنگ شرکت نداشتند، آنان را از ارث محروم می کردند.(۴) حتی آنان را مانند بخشی از دارایی هایشان، به ارث می بردند.(۵) گاهی هم برای به دست آوردن پول، آنان را به فحشا وا می داشتند.(۶)

۱- تورات، سفر تکوین، ۳۵/۱۷، به نقل از: عبدالکریم بی آزار شیرازی، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵، چ ۱۶، ج ۳، ص ۱۷.

۲- نحل: ۵۸ و ۵۹.

۳- اسراء: ۳۱.

۴- نساء: ۷.

۵- نساء: ۱۹.

۶- رساله نوین، ج ۳، صص ۱۷ ـ ۴۱.

اسلام به همه این عادت های زشت پشت پا زد و درباره حقوق زنان، انقلابی زیبا در حوزه «نگرش و رفتار» ایجاد کرد. برخی از این نگرش ها و رفتارها عبارتند از:

۱. زن، مکمل مرد است و از یک جنس و پاره تن اوست: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَها... ؛ شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید.» (نساء: ۱) یا «هُنَّ لِباسٌ لَكُم وَ اَنْتُم لِباسٌ لَهُنّ؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید». (بقره: ۱۸۷)

۲. زنان همانند مردان می توانند عبادت کنند و هر که باتقوا بود، نزد خدا محترم تر است (چه زن باشد و چه مرد). این نگرش برخلاف برخورد مسیحیان است که خواندن کتاب های مقدس را برای زنان تحریم کرده بودند.(۱) یهودیان نیز ورود زنان را به معبد ممنوع می دانستند. خداوند در قرآن فرموده است: «مَنْ عَمِلَ صالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ.» (غافر: ۴۰) «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَاللّهِ أَتْقاكُمْ؛ در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست». (حجرات: ۱۳)

۳. مهریه زنان را از روی محبت به خودشان پرداخت کنید. این آموزه برخلاف روش معمول آن زمان بود که مبلغی را به والدین او می دادند: «وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً؛ و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید». (نساء: ۴)

۱– عبدالفتاح طباره، روح الدین الاسلامی، ص ۳۴۵، به نقل از: رساله نوین، ج ۳، ص ۱۹.

۴. در مقابل فرهنگ های دیگر که زن را مالک هیچ مالی نمی دانستند، قرآن می گوید که زن صاحب اختیار دست آوردهای خویش است:

لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبُوا وَ لِلنِّساءِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبْنَ. (نساء: ۳۲)

برای مردان از آنچه [به اختیار] به دست آورده اند، بهره ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار]کسب کرده اند، بهره ای است.

این در حالی است که در انگلستان، تا سال ۱۸۷۰، در آلمان تا سال ۱۹۰۰، در سوئیس تا سال ۱۹۰۷ و در ایتالیا تا سال ۱۹۱۹، زنان مالک شناخته نمی شدند.(۱)

۵. زن همانند مرد حق دارد در امور اجتماعی و سیاسی شرکت کند. خداوند در قرآن فرموده است: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ». (توبه: ۷۱)

یا در آیه ۱۲ سوره ممتحنه به پیامبر دستور می رسد با زنان نیز بیعت کن. (فَبایَعْهُنَّ)

۶ . با زنان به انصاف و خوش رفتاری برخورد کنید، نه با اهانت و زورگویی.

پیامبر اسلام در آخرین پیام خود به مسلمانان فرمود:

ای مردم! بانوان شما بر شما حقوقی دارند و شما نیز بر آنان حقوقی دارید. من به شما سفارش و وصیت می کنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانت های الهی در دست شما هستند و با قوانین الهی بر شما حلال

۱- رساله نوین، ص ۲۱.

شده اند.(۱)

بـدین ترتیب، زیبـایی نگرش و رفتـار اسـلام دربـاره زن آشـکار می شود. این همه زیبـایی دربـاره رعـایت حقوق زن، در هیچ فرهنگی یـافت نمی شود. «مکمّـِل مرد بودن»؛ «مالـک اموال خود»؛ «شایسـته برخورد نیک»؛ «امانت الهی»، همگی از جنبه های زیبایی اندیشه های دینی در مورد زن است.

د) زیباندیشی در اجتماع

اشاره

د) زیباندیشی در اجتماع

زیر فصل ها

یک ــ حاکمیت اجتماعی از آن خداست

یک ــ حاکمیت اجتماعی از آن خداست

«خـدامحوری» در حوزه حـاکمیت اجتمـاعی، انـدیشه ای است که دین می خواهـد آن را به پیروان خود منتقـل کنـد. آنجا که خداونـد می فرمایـد: «اِنِ الْحُکمُ الاّ لِلّهِ یَقُصُّ الْحَقَ وَهُوَ خَیْرُ الْفاصِـلینَ؛ فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و او بهترین داوران است». (انعام: ۵۷)

ادعای حاکمیت و دلیل آن را در این آیه این گونه می خوانیم که تنها خداونـد حاکم امور است؛ چون او حق را از باطل جـدا می کنـد و او بهترین جداکننـدگان است. یکی از مهم ترین صـفت هـا برای حـاکم جـامعه است که به هیـچ شـبهه ای از باطل

آلوده نشود و بر اساس عدالت قضاوت کند.

برای اثبات حاکمیت الهی، می توان دو دلیل را بیان کرد:

دلیـل اول اینکه تنهـا خداونـد شـرایط حاکمیت را داراست؛ زیرا مهم ترین ملاک های حق حاکمیت عبارتنـد از: علم و تـدبیر، قدرت و حکمت، عدالت و حقانیت. ناگفته پیداست که علم و قدرت خدا، بی نهایت است.(۲)

۱- ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۲۵۱.

۲- نک: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۶۴.

او هیچ انگیزه ای برای ستم به زیردستان ندارد و اصل حق، اوست.(۱) او در تدبیر و حکمت، کامل است. ازاین روست که عقل به پذیرش حکم و مدیریت او در جامعه حکم می کند. قرآن نیز به این اعتراف اشاره دارد.(۲)

دومین دلیل برای اثبات حاکمیت خداوند بزرگ بر امور جهان از جمله جوامع بشری، مالکیت مطلق او بر همه موجودات است. دین به ما می آموزد که مالك انسان و هر موجود دیگر، خداست؛ زیرا همه آفریده های اویند. ازاین رو، حکومت بر ایشان نیز تنها از آن خداست.

لِلّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما فیهِنَّ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. (مائده: ۱۲۰)

فرمان روایی آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست.

پس از پذیرش مبنای این بحث، یعنی حاکمیت الهی بر جامعه، به بیان جنبه های زیبایی این اندیشه دینی می پردازیم. درست برعکس آنچه برخی می پندارند، زیباترین نوع حکومت، حکومت الله بر انسان است، نه حکومت انسان بر انسان. این مطلب با توجه به دلایل زیر ثابت می شود:

۱. اندیشه «حاکمیت الهی»، اندیشه ای «کمالی» است؛ زیرا بر اساس استدلال عقلی و معیارهای مهم و اساسی حاکمیت مفید، تشکیل یافته است.

۱- یونس: ۳ و ۳۱؛ انعام: ۱۸.

۲- «وَ مَنْ یُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَیَقُولُونَ اللّهُ؛ [بگو]... و کیست که کارها را تدبیر می کند». یونس: ۳۱

۲. مفیـدترین نوع حکومت، حاکمیت خـدا بر انسان است؛ چون همه سودها و سودرسانی ها به دست خداست. «ما اَصابِکَ مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنَ اللّهِ؛ هر چه از خوبی هـا به تو می رسـد، از جانب خـداست». (نساء: ۷۹) بنابراین، انـدیشه این حکومت نیز در میان اندیشه های حکومتی، مفیدتر خواهد بود.

۳. حاکمیت هایی همچون دیکتاتوری، سلطنتی، طبقاتی و حتی دموکراسی، کاستی های فراوانی دارند؛ زیرا همه این حکومت ها، ساخته و پرداخته اندیشه بشری هستند. می دانیم که علم بشر نیز محدود و ناقص است. به همین سبب، همواره در حال تغییر و تبدیل است. همیشه انسان های مصلح و درست اندیش در اندیشه ایجاد دگرگونی در وضع موجود هستند،(۱) ولی در نظام حاکمیت الهی، هیچ عیبی یافت نمی شود؛ زیرا خداوند از هر عیبی منزه است و علم و قدرت و حکمت او بی نهایت است.

۴. لـذت و سـودی کـه بشـر در «حکـومت خـدا بر انسـان» بـه دست می آورد، بسـیار وسـیع تر، خـالص تر و بـادوام تر از دیگر حکومت هاست؛ زیرا همه نعمت ها و رحمت ها از آن خداست و اوست که اگر بخواهد، درهای رحمت و نعمت را که سـبب بهره منـدی از لـذت بیشتر است، به روی انسان ها می گشایـد. قرآن این حقیقت را به پذیرش ولایت و حاکمیت خدا مشـروط دانسته است:

۱- نک: سـید محمد حسـین طباطبایی رحمه الله، روابط اجتماعی در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۲۲ _ ۵۰.

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ. (اعراف: ۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، بی شک، برکت هایی از آسمان ها و زمین برایشان می گشودیم.

بنابراین، اندیشه دینی حاکمیت خدا، اندیشه ای زیباست؛ زیرا ملاک های مهم زیبایی را دارد.

دو ـ تکامل انسان در گرو تکامل اجتماع است

دو ـ تکامل انسان در گرو تکامل اجتماع است

دین اسلام، ورود به اجتماع را نوعی عبادت معرفی می کند و بخش مهم و اساسی تکامل انسان را در گذر از مسیر اجتماع می داند.(۱)

انسان دین دار برای به دست آوردن بسیاری از کمالات، ناچار است به شکلی مؤثر در اجتماع حاضر شود. توجه به نوع عبادت ها و احکام اجتماعی و نیز تأکید وجوبی و استحبابی آن، به خوبی اندیشه جدایی دین از صحنه اجتماع را کنار می زند.

۱. نماز که ارتباط فردی با خداست، اگر به صورت جماعت خوانده شود و تعداد نمازگزاران بیش از ده نفر شود، هیچ کس به جز خود خدا نمی تواند ثواب آن را ثبت کند.

۲. نماز جمعه، حج، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و دفاع، اجرای عدالت، اجرای حدود، قضاوت، صله رحم و رعایت حقوق دیگران، همه به نوعی انسان را به ورود به اجتماع آن هم به صورت مؤثر، تشویق می کنند.

۱- سید محمدحسین طباطبایی رحمه الله، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱ هـ . ق، ج ۱۲، ص ۱۹۹.

۳. قرآن، علت بعثت پیامبران را در دست گرفتن حاکمیت برای قضاوت در میان مردم می داند:

كانَ النّاسُ أُمَّهً واحِدَهً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرینَ وَ مُنْذِرینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِیَحْكُمَ بَیْنَ النّاسِ فیمَا اخْتَلَفُوا فیهِ. (بقره: ۲۱۳)

مردم، امتی یگانه بودند. پس خداوند، پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب[خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه باهم اختلاف داشتند، داوری کند.

لازمه قضاوت و حکم کردن در میان مردم، حاکمیت پیامبران و قوانین دینی بر مردم است.

۴. پیروی از خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و حاکم معصوم، از واجبات دینی است و این، خود، از مهم ترین مسائل اجتماعی به شمار می رود: «اَطیعُوا اللّه وَاَطیعوا الرَّسُولَ وَ أولِی الاَمرِ مِنْكُم؛ خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امر خود [نیز]اطاعت کنید». (نساء: ۵۹)

۵. در اسلام، گوشه گیری مطلق ناپسند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به عثمان بن مظعون می فرماید:

یا عُثمانُ! اِنَّ اللّه تَبارَکَ وَتَعالی لَمْ یَكْتُبْ عَلَینا اَلرُّهْبانِیَّهَ اِنَّما رُهْبانِیَّهُ اُمَّتی الجِهادُ فِی سَبیلِ اللّهِ.(۱)

ای عثمان! همانا خداوند بزرگ گوشه گیری را بر ما مقرر نفرموده، بلکه رهبانیت و گوشه گیری امت من جهاد کردن در راه خداست.

۶ . امام علی (ع) در سخنی، گوشه گیری را نکوهش می کند. ایشان در

۱- بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۷۰.

تفسیر آیه ۱۰۴ از سوره کهف می فرماید:

منظور از این آیه: «بگو آیا شما را از زیان کارترین افراد خبر دهیم؟ آنان که تلاششان در زندگی دنیا تباه شد و گمان می کنند که کاری نیک انجام می دهند»، راهبان (گوشه گیران) هستند که خود را در غار زندانی می کنند.(۱)

با توجه به این آموزه هاست که حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید: «والله اسلام تمامش سیاست است.»(۲) تا اینجا دانستیم که از نظر دین، اجتماع، گذرگاه تکامل بشر است که این اندیشه بسیار زیباست؛ زیرا ملاک های زیبایی را دارد. همچنین آثار آن در دنیا و آخرت مفید است. افزون بر این، کمالات معنوی انسان با امور عادی اش سخت گره خورده است؛ یعنی تا شخصی معاشش تأمین نباشد، معادش نیز تأمین نخواهد شد و این مهم به جز با حضور در اجتماع به دست نمی آید.

ازاین رو، اگر فردی خارج از اجتماع رشد کند، هیچ یک از ویژگی های کمالی انسان جمعی را نخواهد داشت.(۳) رشد که اثر مهم حضور در اجتماع است، هم کمال به شمار می آید و هم لذت ها و سودهای فراوانی در پی دارد. پس زیباست. وقتی رشد که آن را اثر تفکر اجتماعی می دانیم، زیبا باشد، به یقین، خود این اندیشه نیز زیباست.

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۱۴۲.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۶۵ .

۳- پرویز صانعی، جامعه شناسی ارزش ها، تهران، مرکز نشر و پخش کتاب جار، صص۸۴_۸۸ .

نگرش اعتدالی دین به جنبه اجتماعی انسان

درباره اجتماعی بودن انسان، سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول _ اجتماعی بودن برای رشد روح ضرر دارد. این نظریه را مکتب های عرفانی همچون بودیسم مطرح می کنند.

نظریه دوم _ باید به طور مطلق اجتماعی بود و هر گونه گوشه گیری نکوهیده است.(۱) برخی جامعه شناسان و فلاسفه از جمله چارلز میشن، استاد دانشگاه میشیگان به این نظریه معتقدند.

نظریه سوم _ اجتماعی بودن، ضروری است، ولی با این حال، گاهی گوشه گیری نیز لازم است. اسلام، این نظریه را می پسندد و بر گوشه گیری در برخی امور عبادی از جمله سحرخیزی،(۲) محاسبه نفس،(۳) تفکر(۴) و مانند آن تأکید می کند.

این مطلب، نشانه اعتدالی بودن اسلام(۵) در همه کارها است.

سه _ نژاد موجب برتری نیست

سه _ نژاد موجب برتری نیست

«مساوات» و برابری انسان ها، از برجسته ترین اندیشه های اختصاصی دین به ویژه اسلام است. در قرآن کریم می خوانیم:

یا اَیُّها النّاسُ اِنّا خَلَقناکُم مِنْ ذَکَرٍ واُنثی وَجَعَلناکُم شُعوباً وَقَبائِلَ لِتَعارَفُوا. (حجرات: ۱۳)

۱- پرویز صانعی، جامعه شناسی ارزش ها، تهران، مرکز نشر و پخش کتاب جار، صص۸۴_۸۸ .

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۵۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۱۶۷.

۴- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۷۰۹.

۵- نک: حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۵، ص ۲۲۰.

ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید.

خداوند حکیم در این آیه با یادآوری این نکته که همه انسان ها از یک پدر و مادر آفریده شده اند، دلیل اختلاف در رنگ ها و قومیت ها را شناسایی انسان ها معرفی می کند و بی درنگ، در ادامه همین آیه می فرماید که تنها سبب برتری برخی بر دیگران، پرهیزکاری است:

اِنَّ اَکْرَمَکُم عِنْداللّهِ اَتْقیکُم اِنَّ اللّه عَلیمٌ خَبیرٌ. (حجرات: ۱۳)

در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

امام علی (ع) نیز می فرماید: «اَلنّاسُ فِی الْحَقِّ سَواءٌ؛ مردم از جهت حقوق، برابرند».(۱)

بنابراین، مساوات که معادل نفی هر گونه تکبر و نژادپرستی است، از اندیشه های دینی به شمار می رود. امروزه زشتی اندیشه «برتربینی نژادی» برای تمام انسان ها روشن است؛ زیرا آثار بسیار زشتی را در سراسر جهان پدید آورده است. ستم گری، خون ریزی و تحقیرهای(۲) فراوان نسبت به یک نژاد ویژه آن قدر وسیع بوده و هست که همه بشر به نفی این اندیشه ناپاک برخاسته اند.

مساوات، درست مقابل این اندیشه ناپسند قرار می گیرد و آثاری از جمله حفظ کرامت انسانی، عدالت و رشد و بالندگی را برای تمام نژادها

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۵۲۶ .

۲- نک: جامعه شناسی ارزش ها، ص ۱۶۵.

در پی دارد. در ایـن زمینـه، گـاهی این شـبهه مطرح می شـود که اگر اسـلام، نظریه پرداز انـدیشه «مسـاوات» است، پس چرا با غیرمسـلمانان برخوردی تحقیرآمیز دارد و آنان را در حقوق و امکانات با مسـلمانان برابر نمی دانـد. در پاسخ به این شـبهه باید گفت:

۱. طبیعت هر نظامی، محـدود کردن مخالفان است و اسـلام می خواهـد با این سـخت گیری ها، برتری ایمان به خدا و زندگی دین مداری را بر کفر و بی مذهبی بیان کند. این تفاوت ها به سبب نژاد، رنگ و زبان نیست. ازاین رو، به حقوق انسانی ایشان احترام می گذارد، ولی به افکار ایشان که کمال فکری را ندارد، خیر.(۱)

۲. عـده زیـادی از غیرمسـلمانان (اهـل کتـاب) می تواننـد بـا پرداخت جزیه به آیین خـود بـاقی بماننـد. افزون بر این، حکومت اسـلامی وظیفه دارد در زمینه های امنیت، خدمات درمانی، آموزشـی و رفاهی و مانند آن، حقوقی برابر با دیگر مسلمانان برای ایشان در نظر داشته باشد.

۳. احکام اسـلام درباره ایجاد برخی محدودیت ها برای غیر مسـلمانان، امری ثابت و همیشگی نیست، بلکه اگر ایشان به اسلام بگروند، مانند دیگر مسلمانان با ایشان برخورد می کند و هیچ فرقی با کسی که پیش از این مسلمان بوده اند، ندارند.(۲)

۱- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، صص ۲۲۰ _ ۲۲۴.

۲- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، صص ۲۲۰ _ ۲۲۴.

نتیجه آنکه برخورد با غیر مسلمانان، با مساوات منافاتی نـدارد؛ زیرا در هر حال، به شخصیت انسانی ایشان احترام گذارده می شود.

چهار ــ برترین های اجتماع

چهار ــ برترین های اجتماع

دین، انسان ها را در حقوق اولیه مساوی و برابر می دانـد، ولی این قانون به معنای نفی ارزش ها و برتری های اکتسابی نیست. ازاین رو، انسان هایی که خود را به ارزشی آراسته اند، برتر از دیگرانند. در اندیشه دین داران، ملاک های برتری به تقوا، علم و جهاد است. منظور از تقوا، تمام برتری های دینی و انسانی است. ازاین رو، فردی که ستم کار است و عدالت را رعایت نمی کند، نمی تواند برتر از دیگران باشد. در قرآن کریم آمده است:

۱. «اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللّهَ اَتْقیکُم؛ در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست». (حجرات: ۱۳)

۲. «هَلْ یَستوی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذینَ لایَعْلمُونَ؛ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، یکسانند؟» (زمر: ۹)

۳. «فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدیَن عَلَی الْقاعـدینَ اَجراً عَظیماً؛ خداوند، مجاهدان را بر خانه نشینان، به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است». (نساء: ۹۵)

این انـدیشه که انسان های باتقوا، عالم و مجاهـد را برتر از دیگران بـدانیم، انـدیشه ای مطلوب است و زیبایی آن، به زیبابودن تقوا، علم و جهاد بازمی گردد.

هنگـامی که انـدیشه برتربینی عالم باتقوا و مجاهـد در جامعه ای رواج یافت، در این جامعه، افرادی با چنین صـفت هایی، الگو قرار خواهند گرفت. ازاین رو، فایده ها و لذت های فراوانی در سایه این کمال ها به دست

خواهد آمد. نتیجه اینکه علم، تقوا و جهاد هم «کمال» انسانی هستند و هم مفید و لذت بخشند. بنابراین، زیبایند. وقتی خود این صفت ها زیبا بودند، اندیشه های مبتنی بر آنها نیز زیبا خواهند بود.

در جامعه مادی، اموری همچون ثروت، قدرت و جایگاه اجتماعی، سبب برتری انسان است. روشن است که دین با هیچ کدام از اینها مخالفتی ندارد، ولی هرگز آنها را به تنهایی سبب ارزشمندی انسان نمی داند. نکته پایانی اینکه اهمیت زیبا دانستن معیارهای برتری دینی (علم، تقوا و جهاد) با توجه به نقش مستقیم و غیرمستقیم آن در تربیت فردی و اجتماعی انسان ها، معلوم می شود. مسئله ارزش های اجتماعی چنان مهم است که می توان گفت همه رفتارها و آداب و رسوم یک جامعه، برخاسته از ارزش ها و اندیشه ایشان درباره معیارهای برتری است. بنابراین، اگر بخواهیم جامعه ای را به سوی زیبایی های معنوی راهنمایی کنیم، باید برتربینی معنوی را در آن جامعه رواج دهیم که دین این مهم را انجام داده است.

پنج ـ ضعیف بینی باطل

پنج ـ ضعیف بینی باطل

دین، طرفداران خود را با اندیشه بزرگ بینی حق و ضعیف بینی باطل پرورش می دهد:

وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقًا. (اسراء: ۸۱)

و بگو حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.

در آموزه های دینی به هر مسیری که حق را از جاده تکامل منحرف کند، «باطل» گفته می شود. با رواج اندیشه ضعف باطل، از گرایش انسان ها به راه های انحرافی و تکیه ایشان به قدرت های ناحق جلوگیری شده است.

بنابراین، حرکت به سوی کمال در جاده حق، مبتنی بر داشتن اندیشه ضعیف بینی باطل است. استعمار، استثمار و تحقیر ملت ها و چپاول اموال ایشان، همه و همه در سایه ترس از باطل و گرایش به آن صورت می گیرد. دین، باطل را ضعیف و رفتنی می داند. به همین سبب، روحیه ستم ستیزی را در اعماق اندیشه و روان انسان ها ایجاد و تقویت می کند. جالب اینکه خداوند برای اثبات بر حق بودن این ادعا، بارها و بارها ضعف باطل را با پیروزی گروه اندک حق بر لشکر بزرگ باطل، به صورت عینی و خارجی، به انسان ها نشان داده است. شکست فرعون، نابودی نمرود، هلاکت ابرهه، پیروزی های مسلمانان در صدر اسلام و نیز شکست ابرقدرت های شرق و غرب در رویارویی با انقلاب اسلامی ایران، همه از این نشانه است. از این روست که در قرآن می خوانیم:

كَمْ مِنْ فِئَهٍ قَليلَهٍ غَلَبَتْ فِئَهً كَثيرَهً بِإِذْنِ اللّهِ وَ اللّهُ مَعَ الصّابِرينَ.(بقره: ۲۴۹)

بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است.

شش ـ حکومت متحده جهانی

شش ـ حکومت متحده جهانی

ششمین اندیشه زیبای دین اسلام، اتحاد حاکمیت جهانی به دست فرد عادل و خداجویی است که جهان را از ستم نجات می بخشد و جهانیان را به سوی سعادت ابدی رهبری می کند. در قرآن می خوانیم:

وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ ٱلأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ. (انبياء: ۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

در این آیه، خداوند به روشنی وعده می دهد که ارض «تمام زمین» به بندگان صالح و عادل می رسد. در آیه ای دیگر نیز می خوانیم:

هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ. (صف: ۹)

اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.

اسلام بر همه مکتب ها پیروز خواهد شد و حاکمیت جهان را به دست می گیرد. رهبری آن نیز به دست حضرت صاحب الزمان مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف است. حدیث های زیادی در منابع دینی در این زمینه به چشم می خورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لا تُقومُ السَّاعَهُ حَتّی تَمْتَلِیءَ الاَرْضُ ظُلماً وَ عُدواناً ثُمَّ یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرتی فَیَمْلَؤُها قِسْطاً وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ عُدوانا.(۱)

قیامت برپا نمی شود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود. آن گاه مردی از خاندان من قیام کند و زمین را همان گونه که از ستم و دشمنی پر شده است، از عدل و داد آکنده سازد.

اندیشه «حکومت جهانی» و ایجاد «دهکده جهانی»، موضوعی است که بشر امروزی، به ضرورت برپایی آن رسیده است. ازاین رو، سال هاست که سازمان های بین المللی برای کنترل ارتباطات فرا کشوری به وجود آمده اند و دولت ها و ملت های جهان از آن حمایت کرده اند.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۶.

خارج از وضعیت عملکرد این سازمان ها، واقعیت آن است که برای برقراری عدالت و ثبات جهانی، راهی به جز تشکیل و تقویت آنها نیست. باید محکمه هایی جهانی با روحیه عدالت محوری، برای کیفر جنایت کاران جهانی وجود داشته باشد.

اندیشه حکومت متحده جهانی، تفکری زیباست. البته شرط آن، صالح بودن حاکم آن است. دین زمینه این اندیشه را از زمان های پیش (تورات و زبور و...) در ذهن ها ایجاد کرده است. مجموعه این تفکر، همراه با شرایط آن، اندیشه ای «کمالی» است؛ زیرا امروزه شاهدیم که بشر پس از تجربه کردن انواع حکومت های قبیله ای، قومی، دیکتاتوری، سلطنتی و حتی دموکراسی نتوانسته است عدالت و آرامش را در سطح بین المللی ایجاد کند. ازاین رو، در مسیر کمال فکری خود، به ایجاد سازمان های بین المللی رسیده است. این سیر، سرانجام با تفکر «اتحاد حاکمیت جهانی» به دست حاکمی عادل و صالح به کمال می رسد.

از آنجا که کمال، نشانه و بلکه سبب زیبایی است، این اندیشه زیبا خواهد بود. آثار، فایده و لذت هایی که انسان در پی این اندیشه به دست می آورد، چنینند: امنیت جهانی، عدالت در مفهوم وسیع خود، رشد و پویایی بشر و از همه مهم تر، اجرای احکام سعادت بخش دین در سطح جهان. این آثار همگی دلیل بر زیبایی این اندیشه است. اندیشه دینی حکومت متحده جهانی که هزاران سال پیش، از سوی دین اعلام شده است، دلیل روشنی بر زیبایی دین و آینده نگری این مکتب الهی است.

۲. زیبایی های دین در حوزه روح و روان (زیبا منشی)

اشاره

۲. زیبایی های دین در حوزه روح و روان (زیبا منشی)

دین به روح انسانی که «هویت واقعی او» به شمار می رود، بسیار توجه دارد. واقعیت آن است که روحیه ها و اخلاق (خوی های درونی) همانند اندیشه ها، خاستگاه بسیاری از رفتارهای بیرونی است. ازاین رو، پرداختن به زیباسازی روح و روان، در تربیت رفتاری و زیباروشی افراد نقش مهمی دارد. تلاش دین، زیباسازی روح انسان است. دین اجازه نمی دهد کوچک ترین زشتی و غبار و به اصطلاح «رذیلت های اخلاقی» در روح انسان باقی بماند. اکنون به برخی مصداق های زیبایی های روحی و روانی انسان ها اشاره می کنیم.

الف) زیبامنشی در ارتباط انسان با خدا

اشاره

الف) زیبامنشی در ارتباط انسان با خدا

زیر فصل ها

یک _ احساس ارتباط با خالق توانا

دو _ احساس حضور نزد پروردگار

سه _ فروتنی

چهار _ خوف و رجا

پنج _ توکل

شش _ رضا

هفت _ عشق به خدا

هشت _ خلوص نیّت

یک _ احساس ارتباط با خالق توانا

یک ـ احساس ارتباط با خالق توانا

دیدار و ارتباط با بزرگان، برای انسان لذت بخش و زیباست؛ زیرا بسیار سودمند خواهد بود. پس احساس ارتباط با بزرگ ترین موجود هستی؛ یعنی خالق جهان و کسی که قدرت و علمی بی پایان دارد و کامل ترین موجود است، احساسی در نهایت زیبایی است. این احساس زیبا را فقط و فقط دین به انسان ها هدیه می کند.

شادی و آرامشی که انسان از این احساس به دست می آورد، بسیار زیاد است؛ زیرا رسیدن به موجودی است که همه کمال ها را یک جا داراست و می توانـد آنها را به انسان ببخشد. در قرآن کریم می خوانیم: «اَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنَّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باش که دل ها با یاد خدا آرامش می یابد». (رعد: ۲۸)

یاد خدا همان ارتباط با خداست که در این آیه، تنها عامل اطمینان و آرامش قلب ها معرفی شده است. پوچی و پوچ گرایی، افسردگی و

دل مردگی، ناامیدی و احساس حقارت، تنها بخشی از پی آمدهای ارتباط نداشتن با خداست. بحران های ناشی از قطع ارتباط با کسی که می تواند تمام مشکلات انسان ها را حل کند، بشر امروزی را سر در گم کرده است تا جایی که گاهی حاضرند نیستی را بر هستی ترجیح دهند. قرآن به زیبایی به این بحران ها اشاره می کند:

وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهً ضَنْکًا وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی. (طه: ۲۴)

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت و او را در روز رستاخیز، نابینا محشور می کنیم.

این احساس، احساسی کمالی است. اوج آرزوی انسان، ارتباط با بزرگ ترین موجودی است که بتواند همه نیازمندی هایش را برآورده سازد و همچنین احساسی مفید است؛ چون سبب ارتباط انسان با خدا می شود. همچنین از این راه، سودهای فراوان مادی و معنوی که مهم ترین آنها آرامش خاطر و امنیت است، به دست می آید. بنابراین، معیار کمال، فایده و لذت که سه معیار مهم زیبا بودن به شمار می روند، در این احساس وجود دارد. ازاین رو، می گوییم این احساس، احساسی زیباست که خود، آغازی برای زیباسازی روح و روان است.

دو ـ احساس حضور نزد پروردگار

دو ـ احساس حضور نزد پروردگار

دین به ما می آموزد که خدا همواره بر کارهای ما نظارت دارد. حتی نیت های انسان ها را می داند. بر اساس این تفکر، احساس حضور نزد پروردگار را در روح آدمی ایجاد می کند. در قرآن چنین می خوانیم:

۱. «اِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ غَیْبَ السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اللّهُ بصیرٌ بِما تَعْمَلُونَ؛ خداست که نهفته آسمان ها و زمین را می داند و خدا [است که] به آنچه می کنید، بیناست». (حجرات: ۱۸)

۲. «عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ العزیزُ الحَکِیمُ؛ دانای نهان و آشکار [و] ارجمند سنجیده کار است». (تغابن: ۱۸)

۳. «اِنَّ اللّه عَلَی کُلِّ شَیءٍ شَهِیدٌ؛ خداوند بر هر چیزی گواه است». (حج: ۱۷)

فرد دین دار، خدا را بر پیدا و پنهان خود عالم می داند. ازاین رو، همه جا، خود را در محضر او می بیند و در نتیجه، شرم حضور، او را در برابر نعمت های خدا، شاکر و از گناه و دست زدن به زشتی ها دور می سازد. فردی که همواره خود را در محضر خدا می داند، از هیچ قدرتی هراس ندارد و در همه حال بر خدا توکل می کند.

سه ـ فروتنی

سه ـ فروتنی

فروتنی در برابر خدا، از ویژگی های زیبای بشری است که دین در روح و روان انسان ایجاد می کند. زیبایی این صفت برای آن است که از صفت های «کمالی» است. تناسب فروتنی در ارتباط میان مخلوق و خالق، ملاک دیگری برای اثبات زیبایی این صفت است. افزون بر اینکه فرد فروتن، لیاقت دریافت رحمت و نعمت های بیشتری را پیدا می کند. ازاین رو، فروتنی فایده های فراوان و در نتیجه، لذت های فراوانی در پی دارد

افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نَخورَد آب، زمینی که بلند است

فروتنی از هـدیه های دین به روح و روان انسان است. در حدیث قدسـی می خوانیم: «ما عَرَفَنی عَبدٌ و خشع لی اِلاّ خَشَعَ لَه کلُّ شَیء؛ هیچ بنده ای مرا نشناخت و فروتنی نکرد، مگر آنکه همه اشیا در برابرش فروتن شدند».(۱)

چهار ـ خوف و رجا

چهار ـ خوف و رجا

خوف و رجا از اوصـاف اضـداد است. ازاین رو، هر جا جمع شونـد، اعتـدالی زیبـا تولیـد می شود. خوف به تنهایی ناامیـدی، افسـردگی، بازماندگی و پوچ گرایی را ایجاد می کند و امید مطلق نیز سـستی، تنبلی، غرور و سـبک سری را در پی دارد، ولی جمع این دو، تلاش همراه با احتیاط به دور از غرور و همراه با امید و توکل به خدا را سـبب می شود. این همان روحیه اعتدالی زیبایی است که در تربیت انسان و پیشرفت های مادی و معنوی اش بسیار مؤثر است.

دین بر جمع «خوف و رجاء» بسیار تأکید می کند:

۱. در قرآن می خوانیم:

اَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیلِ ساجِداً وَ قائِماً یَحْذَرُ الاخِرَهَ وَ یَرجُوَ رَحَمَهَ رَبّهِ.... (زمر: ۹)

[آیـا انسان ناسـپاس بهتر است؟] یا کسـی که در طول شب در سـجده و قیام اطاعت [خـدا]می کنـد [و]از آخرت می ترسـد و رحمت پروردگارش را امید دارد؟

در این آیه، از کسانی که ترس از آخرت و امید به رحمت خدا را با هم جمع کرده اند، همواره به نیکی یاد شده است.

۲. امام علی (ع) می فرماید: «خَیْرُ الاَعْمالِ اِعتْدالُ الرَّجاءِ وَ الْخُوفِ؛ بهترین اعمال، برابری امید و ترس است».(۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۰۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۵۶۸.

۳. امام صادق (ع) می فرماید:

اُرْجُ اللّهَ رَجاءً لایُجَرِّئُکَ عَلی مَعاصِیهِ و خَفِ اللّهَ خَوْفَا لا یُؤْیسُکَ مِنْ رَحْمَتِهِ.(۱)

چنان به خدا امیدوار باش که تو را بر انجام گناهان بی پروا نکند و از خدا چنان بترس که تو را از رحمت او نومید نسازد.

ترس مطلق و نیز امید تنها هیچ سودی ندارد و کمال نخواهد بود، ولی اعتدال میان این دو سبب تحرک، نشاط و شجاعت می شود. بنابراین، هم مفید است و هم لذت بخش. افزون بر اینکه از کمالات روحی انسان نیز به شمار می آید.

پنج ـ توکل

پنج ـ توکل

قطع امید از غیر خدا و سپردن همه امور زندگی به دست او به معنای وکیل قرار دادن او در همه کارهای فردی و جمعی و توکل به خداست. فرد دین دار با پی بردن به قدرت خدا، در همه کارهای خود بر او تکیه می کند. به برخی آیه ها و روایت ها در این زمینه بنگرید:

۱. «وَ مَنْ یَتوکَّلَ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّه بالِغُ اَمْرِه؛ و هر کس به خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است». (طلاق: ۳)

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ اَحَبَّ اَنْ یَکوُنَ اَقْوَی النّاسِ فَلْیَتَوَکَّلْ عَلی اللّهِ تَعالی؛ هر که دوست دارد نیرومندترین مردم باشد، باید به خدا توکل کند».(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۸۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۶۲.

۳. امام محمد باقر (ع) فرمود: «الغِنی و العِزُّ یَجُولان فِی قَلْبِ الْمُؤمِنِ فَاِذَا وَصَلا اِلی مَکانٍ فِیهِ التَوکّلُ اَقطَناهُ؛ توانگری و عزت در دل مؤمن می گردند و هرگاه به نقطه ای که در آن توکل است، رسیدند، آنجا اقامت می گزینند».(۱)

توکـل، یکی از کمال های روحی بشـر است؛ زیرا انسان ها همگی فقیر و نیازمندنـد و تنها اوست که بی نیاز مطلق اسـت(۲) و آنچه سـبب اتصـال آن فقیر به این غنی می شود، همین توکـل است. بنابراین، توکل، رشـد و تکامل انسان را در پی دارد و در نتیجه از کمالات بشری است.

شش ـ رضا

شش ـ رضا

«رضـا به خواسـته هـای خـدا»، اوج مقـام بنـدگی انسان است. وقتی خـدا را شـناختیم و به حکمت و مصـلحت خواهی او ایمان آوردیم و دانستیم که او به جز خیر بنـدگانش چیزی نمی خواهد، نه تنها بر قضا و قدرهای الهی صبر می کنیم، بلکه از صـمیم قلب بدان ها راضی می شویم.

امام صادق (ع) می فرماید:

رَأْسُ طاعَهِ اللّهِ الصَّبْرُ وَ الرِّضا عَنِ اللّهِ فیما اَحَبَّ العبدُ اَوْ کَرِهَ وَ لایَرضی عَبدٌ عَنِ اللّهِ فیما اَحَبَّ اَوْ کَرِهَ اِلاّ کانَ خَیراً لَهُ.(۳)

صبر و رضایت نسبت به خواسـته های خـدا، در اموری که برای بنـده خوشایند یا ناخوشایند باشد، در رأس عبادت خداست و هیچ بنده ای در پیشامدهای خوشایند و ناخوشایند از خدا راضی نباشد مگر آنکه همان پیشامد برایش خیر می گردد.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۶۲.

۲- «یـا اَیُّهـا النّاسُ اَنْتُم الْفُقَراءُ اِلَی اللّهِ وَاللُّه هُوَ الْغَنّی الْحَمیـدُ؛ ای مردم، شـما به خـدا نیازمندیـد، و خـداست که بی نیاز سـتوده است». فاطر: ۱۵

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۸۸.

هرکس به آنچه از سوی خدا می رسد، راضی نباشد، افزون بر بدبینی به خدا که آثار تربیتی و روحی بسیار بدی دارد؛ زندگی دنیوی نیز بر او بسیار سخت خواهد گذشت.

انسانی که خدا را بشناسد و بداند که او حکیم است و تنها خیر بندگان را می خواهد، از همه کارهایش رضایت دارد و سختی ها و مشکلات را شرّ و بدی نمی بیند، بلکه همه آنها را سودمند می داند. ازاین رو، هرگز دچار بحران روحی نمی شود و حتی به جایی می رسد که مشکلات را زیبا می بیند و از آنها لذت می برد.

هفت _ عشق به خدا

هفت _ عشق به خدا

دین در حوزه روح و روان انسان تا آنجا پیش می رود که انسان را به زیباترین صفت روحی؛ یعنی عشق به خدا می رساند. عاشق خدا در پایان راه خود به مقام «فنا» و اتصال کامل به زیبای مطلق می رسد و همه وجودش مظهر زیبایی پروردگار می شود.

در قرآن درباره هدایت نیروی عشق انسان به سوی معشوق حقیقی و آسمانی می خوانیم:

«وَ الَّذینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّهِ؛ کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت بیشتری دارند.» (بقره: ۱۶۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «اَحِبُّوا اللّهَ مِنْ کُلِّ قُلُوبِکُم؛ خدا را با تمام جان دوست بدارید».(۱)

سخن در اثبات زیبایی عشق آن هم نسبت به زیباترین و کامل ترین موجود هستی، بیهوده گویی است؛ زیرا عشق برای همه، مفیدترین،

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۴۲.

لـذت بخش ترین و کامل ترین حالت ها به شـمار می آید. گرچه بسـیاری از انسان ها در یافتن معشوق حقیقی به بی راهه می رونـد، ولی وصف عشق برای همه زیباست. ما معتقـدیم که شدیـدترین مرحله محبت؛ یعنی عشق، ویژه خداست؛ زیرا شدت و ضعف محبت با توجه به شـدت و ضـعف زیبایی اشـیا تنظیم می شود. بـدین معنا که هر چیزی زیباتر باشـد، محبت انسان بدان شدیدتر است. حال اگر زیباترین موجود؛ یعنی خدا را در نظر بگیریم، باید تنها عاشق او باشیم.

هشت _ خلوص نیّت

هشت _ خلوص نیّت

اخلاـص به معنـای خالص کردن نیّت عبادت ها برای خـدا از آموزه هایی است که دین بر آن تأکیـد می کنـد. اخلاص از نظر دین، شرط پذیرفته شدن عمل و شرط اساسی دیدار با پروردگار متعال و ملاک عبادت است. خداوند در قرآن می فرماید:

فَمَنْ کانَ یَرجُوا لِقاءَ رَبِّه فَلْیَعْمَلَ عَمَلاً صالِحاً وَ لا یُشرِکَ بِعبادَهِ رَبِهِ اَحَداً. (کهف: ۱۱۰)

پس هر کس به دیـدار پروردگارش امیـد دارد، بایـد به کار شایسـته بپردازد و هیـچ کس را در پرسـتش پروردگارش شـریک نسازد.

امام علی (ع) نیز می فرمایـد: «اَلْاِخْلاصُ مِلاکُ الْعِبادَهِ؛ اخلاص معیار عبادت است.»(۱) رسول خدا صـلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «بِالْاِخلاصِ تَتَفاضَلُ مَراتِبُ الْمُؤْمنَینِ؛ برتری درجه های مؤمنان به اخلاص آنهاست».(۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۲۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۲۴.

ب) زیبامنشی در ارتباط با دیگران

اشاره

ب) زیبامنشی در ارتباط با دیگران

بی شک، ارتباط دوستانه با دیگران، رفتارهای زیبایی تولید می کند. برخی از مصداق ها در این زمینه را بیان می کنیم.

یک ــ فروتنی

اشاره

یک ــ فروتنی

مبنای فروتنی و خودکوچک بینی در مقایسه با دیگران یکی از صفت های قلبی است. دین به ما می آموزد که هرگز خود را از دیگری برتر نبینیم. برای روشن شدن این مطلب، تفاوت معنای «تواضع» با «تذلّل» را بیان می کنیم.

«تذلّل»، اظهار ناتوانی از استقامت در برابر دیگری است، ولی تواضع، اعتراف به بزرگ بودن دیگری است؛ خواه بزرگ تر باشد یا نباشد».(۱) بنابراین، تواضع، اظهار عجز و پذیرش ذلت نیست.

امام علی (ع) می فرماید: «عَلَیْکَ بالتَّواضُع فَاِنَّهُ مِنْ اَعْظَمِ الْعِبادَهِ؛ بر تو باد فروتنی؛ زیرا بزرگ ترین عبادت هاست.»(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «ما تَواضَعَ اَحَدٌ اِلاّـ رَفَعَهُ اللّهُ؛ هیچ کس فروتنی نکرد مگر اینکه خداوند او را بالا برد».(۳)

در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: «مَنْ ذَهَبَ یَری اَنَّ لَهُ عَلَی الآخَرِ فَضْلاً فَهُوَ مِنَ الْمُسْتَکْبِرینَ... ؛ هر که بر این باور باشد که از دیگران برتر است، او در شمار مستکبران است.» حفص بن غیاث می گوید: پرسیدم: اگر گنه کاری را ببیند و به

۱- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۴۶ .

۲- حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه . ق، چ۱، ج ۹، ص۲۱۶.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۶.

سبب بی گناهی و پاک دامنی خود، خویشتن را از او برتر بداند، چه حکمی دارد؟ امام فرمود: «هیهات هیهات! چه بسا که آمرزیده شود، ولی تو را برای حساب رسی نگه دارند. مگر داستان ساحران (زمان) موسی (ع) را نخوانده ای؟ (که یک باره از کفر بیرون آمدند و به موسی (ع)ایمان آوردند و شب به شهادت رسیدند!)».

آثار مثبت فروتنی

اول _ محبت

امام علی (ع) می فرماید: «ثَمْرهُ التَّواضُعِ الْمَحَبَّهُ و ثَمرهُ الِکْبرِ اَلْمَسَبَّهُ؛ ثمره فروتنی، دوستی و ثمره خودبرتربینی، ناسزا (شنیدن) است».(۱).

دوم _ ابهت

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «اَلتَّواضُع یَکسُوکَ المَهابَهَ؛ فروتنی، جامه ابهت را بر قامت تو می پوشاند».(۲).

سوم _ بزرگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

اِنَّ التَّواضُعَ یَزِیدُ صاحِبَه رَفْعَهً فَتَواضَعُوا یَرْفَعْکُمُ اللهُ.(۳).

همانا تواضع بر بزرگی تواضع کننده می افزاید. تواضع کنید تا خدا، شما را بزرگ و بلندمرتبه سازد.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۶ .

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۸۵۴ .

۳- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۲۷ و ۲۸.

رفع مشاجره ها، جذب دوستان، تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی، ایجاد نشاط و سرزندگی، سامان بخشی به امور دنیوی و برخورداری از روحی آرام و متعادل، تنها بخشی از آثار این صفت زیباست.

دو ـ احساس مسئولیت

دو ـ احساس مسئولیت

اگر در جامعه ای احساس مسئولیت میان افراد آن وجود نداشته باشد، هرج و مرج در آن جامعه رواج خواهد یافت. دین به واسطه حضور جدی اش در اجتماع، همواره و در موارد گوناگونی، احساس مسئولیت را گوشزد می کند. دین همه انسان ها را در برابر یکدیگر مسئول می داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «اَلا کُلُّکُم راعٍ وَ کُلُّکُم مَسْئُولٌ عَنْ رَعیَّتِهِ؛ بدانید که همه شما رعیت هستید و همگی از زیردستان خود بازخواست می شوید».(۱)

دین داران همواره در برابر خدا، انسان های دیگر و مجموعه طبیعت، خود را مسئول می دانند. ازاین رو، لازم است حقوق آنها نیز رعایت شود. انسانی که با آموزه های دینی پرورش یافته است، روز قیامت را نیز باور دارد. بنابراین، احساس مسئولیت همواره در درونش موج می زند. در قرآن کریم می خوانیم: «وَقِفُوهُمْ اِنَّهُم مَسْئُولُونَ؛ و بازداشتشان کنید که آنها مسئولند.» (صافات: ۲۴) یا:

وَ لا تَقْفُ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصْرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ اُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسئولاً. (اسراء: ۳۶)

و چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش قرار خواهند گرفت.

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۲۳۱۰.

«احساس مسئولیت» هم برای خود فرد «مفید» است و هم برای اجتماع؛ زیرا فرد را فعال، تربیت و وجدان او را آرام می کند. پیداست که اعتبار، رشد و پیشرفت هر فرد به انضباط کاری و رفتاری او بستگی دارد. از آنجا که همیشه لذت ها به دنبال فایده ها هستند، می توان گفت «احساس مسئولیت»، لذت بخش است. البته زمانی که این احساس به مرحله عمل برسد و فرد به فایده های یادشده دست یابد، «احساس مسئولیت» از اوصاف «کمال» است؛ زیرا عقلا نقطه مقابل آن؛ یعنی بی اعتنایی و سهل انگاری نسبت به حقوق دیگران را نکوهش می کنند، ولی همه آنها، احساس مسئولیت را مطلوب می شمارند. پس نتیجه می گیریم که احساس مسئولیت زیباست.(۱)

سه _ نوع دوستی و محبت

سه _ نوع دوستی و محبت

یکی از موارد سفارش شده در دین، مردم دوستی و محبت به ایشان است. قرآن کریم، پیامبر اسلام را رحمت برای عالمیان معرفی می کند: «وَ ما اَرْسَلْناكَ اِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.» (انبیاء: ۱۰۷) همچنین رمز موفقیت او را محبت به مردم می داند:

فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظّا غَليظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران: ۱۵۹)

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، از پیرامون تو پراکنده می شدند.

۱- نک: گروه مؤلفان، مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، جلوه های خدامحوری در زندگی، قم، دارالهدی، ۱۳۸۴، چ ۲، صص ۱۴۱ _ ۱۵۲.

فرد دین دار به سبب محبت و عشقی که به خدا دارد، آفریده های او را نیز دوست می دارد:

به جهان خرّم از آنم که جهان خرّم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

«نوع دوستی» تنها ویژه مسلمانان نیست، بلکه تمام انسان ها را در بر می گیرد. برای مثال، امام صادق (ع)به فقیران غیرمسلمان نیز رسیدگی می کرد. همچنین پیامبر اسلام به جنازه غیرمسلمان احترام می گذاشت و هنگام عبور آن، از جا برمی خاست.

امام علی (ع) در آیین نامه مدیریتی خود خطاب به مالک اشتر می فرماید:

مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده. بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت بدانی؛ چون رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند یا انسان هایی مانند تو... پس همان گونه که دوست داری خدا بخشش و چشم پوشی را به تو عنایت کند، رعیت را مورد عفو قرار ده.(۱)

دین، نوع دوستی و محبت به دیگران را محور بسیاری از آموزه های خود قرار می دهد. اموری مانند: انفاق، آداب معاشرت، رعایت حقوق دیگران و اشیا، همه به گونه ای در نوع دوستی ریشه دارند.

چهار ــ روحیه تعاون

چهار ــ روحیه تعاون

تعاون و همکاری، از ضرورت های جامعه بشری است که بدون آن، شیرازه اجتماع از هم می پاشد. می توان گفت «اجتماع، عبارت است از

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

گروهی از انسان های همکار»؛ یعنی همکاری افراد، از ارکان تشکیل دهنده یک اجتماع است.

دین برای زیباسازی روحیه انسان، روحیه همکاری را ایجاد می کند؛ زیرا وقتی آلودگی های روحی مانند کینه، کبر و بخل را از قلب مؤمن زدود، به جای آن، مهر و محبت و سخاوت ایجاد می کند. بدین ترتیب، اندیشه اش را نیز زیبا می سازد. «روحیه تعاون» به خودی خود از چنین قلبی جوانه می زند و شاخه ای دیگر از زیبایی های روحی به روان پیروان خود می افزاید. ناگفته نماند که دین، تعاون در خوبی ها را تأیید می کند. ازاین رو، خداوند می فرماید:

وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی اْلإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ. (مائده: ۲)

در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدّی دستیار هم نشوید.

پنج ـ عزت نفس

پنج ـ عزت نفس

عزت به معنای حفظ شخصیت خود از شکنندگی و ذلت در برابر دیگران، یکی از کمالات نفسانی انسان به شمار می آید.

دیدگاه دین درباره «عزت» را می توان چنین برشمرد:

اول ـ عزت از آن خداست

«فَاِنَّ العِزَّهَ لِلّهِ جَمِیعاً؛ عزت، همه از آن خداست». (نساء: ۱۳۹)

دوم ـ خداوند به پیامبر خود و نیز مؤمنان عزت بخشیده است.

وَ لِلّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ لکِنَّ الْمُنافِقونَ لا یَعْلَمُونَ. (منافقون: ۸)

و[لی] عزت از آنِ خدا و از آنِ پیامبرِ او و از آنِ مؤمنان است، ولی این دورویان نمی دانند.

سوم ــ هرکه خواهان عزت است، باید آن را از خدا بخواهد، نه شخص یا شی ء دیگری.

«مَنْ کانَ یُریدُ الْعِزَّهَ فَلِلّهِ الْعِزَّهُ جَمیعا؛ هر کس سربلندی می خواهد، سربلندی یک سره از آن خداست». (فاطر: ۱۰)

چهارم ــ هر که عزت را از غیر خدا بخواهد، آن را نمی یابد.

امام علی (ع) فرمود: «اَلْعَزیزُ بِغَیرِ اللّهِ ذَلیلٌ؛ هر کس از غیر خدا عزت جُویَد، در واقع، ذلیل است».(۱)

خداوند متعال به حضرت داوود وحی کرد:

یا داود! انّی... وَضَعْتُ العِزَّ فِی طَاعَتِی وَ هُم یَطْلُبونَهُ فِی خِدْمَت السُّلْطانِ فَلا یَجِدُونه.

ای داوود! من عزت را در پیروی از خود قرار دادم، ولی مردم آن را در خدمت به سلطان می جویند. ازاین رو، آن را نمی یابند.(۲)

بنابراین، عزت تنها از آن خداست و فقط با پیوند به او به دست می آید. عزت به معنای دینی اش سبب دوری جستن از پستی ها و ذلت می شود. ازاین رو، «کمال» به شمار می آید.

آزادی و آزادگی، دوری از پستی ها و رشد و تربیت صحیح دینی، همه از آثار زیبای عزت نفسانی است. عزت، وصفی زیباست و ضد آن؛ یعنی ذلت، صفتی زشت شمرده می شود.

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۳۶.
۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۳۸.

شش _ شجاعت

شش _ شجاعت

ترس، ضد شجاعت و از صفت های زشت انسانی است. دین با تحکیم باورهای انسان بر پایه توحید و شعار «لا حَولَ و لا قُوَّةَ اِلّا باللّهِ»، نفی همه قدرت ها به جز قدرت خدا را در درون انسان تثبیت می کند. در چنین حالتی است که جوانه شجاعت از روح و روان او سر می زند و فرد از بیابان تاریک ترس، نجات می یابد. شجاعت دینی بسیار پررنگ تر و کامل تر از شجاعت های غیردینی است؛ زیرا فرد بی دین به سبب غرور، دیگران را ضعیف می پندارد و همه قدرت ها را برای خود می بیند. در مقابل، انسان دین دار، همه قدرت را از آن خداوند بزرگ می داند.

شجاعت، «کمال» است و انسان نباید از کسی به جز خدا بترسد؛ چون همه قدرت ها از آن اوست. قرآن در این باره می فرماید: «أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ کُنْتُمْ مُؤمِنینَ؛ آیا از آنها ترسیدید؟ پس خدا سزاوارتر است که از او بترسید! اگر مؤمن هستید!» (توبه: ۱۳)

دفع متجاوزان، دفع وسوسه های وسوسه گران، قدرت یابی برای حفظ جان و مال و ایمان، اجرای قوانین حق و عدالت نیز تنها به شجاعت مردمان یک جامعه بستگی دارد. افزون بر آن، هرگاه امنیت بر جامعه ای حاکم شود، افراد آن جامعه، رفاه و لذت های مادی و معنوی فراوانی به دست می آورند.

ج) زیبامنشی در ارتباط انسان با خود

اشاره

ج) زیبامنشی در ارتباط انسان با خود

زیر فصل ها

یک _ کرامت نفسانی

دو _ احساس نیاز

سه _ ترس از نفس اماره

چهار _ بازگشت به فطرت

یک _ کرامت نفسانی

یک _ کرامت نفسانی

دین دار بـا پیروی از آموزه هـای دین، در نفس خود احسـاس کرامت می کنـد که بـا وجود آن هرگز به کارهای پست دست نمی زند.(۱) انسانِ بـدون کرامت، به دلیل آنکه به قدر و منزلت خود آگاه نیست، پرداختن به علم یا سـرگرم شدن به کارهای بیهوده برایش یکسان است. ازاین رو، بسیاری از استعدادها و توانایی های خود را به هدر می دهد، بدون آنکه سودی به دست آورد.

کرامت نفس آثار زیادی در پی دارد که عبارتند از:

رفتار محترمانه (نسـبت به دیگران و خود)؛ گشاده رویی؛ چشم پوشـی از عیوب دیگران؛ شکرگزاری؛ احسان بی دریغ و بدون توقع؛ دوری از امور پست؛ نپـذیرفتن ننگ و ذلت؛ گـذشت در زمان قـدرت؛ عـدالت در تمام کارها؛ وفای به عهد، اخلاص و یک رنگی.(۲)

انسان با کرامت، هرگز حاضر نیست عمر خود را در مسیر پرورش تن به هدر دهد، بلکه اصالت را به روح خود می دهد و اگر به سـلامت و رفاه بدن می پردازد، برای آن است که بدن، لباس و مرکب روح است. ازاین رو، لحظه به لحظه در مسـیر تکامل و رسیدن به کمال انسانی رشد می کند.

۱- «وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرامًا؛ و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند».فرقان: ۷۲

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، صص ۵۱۵۰ _ ۵۱۵۳.

بدین ترتیب، اگر بگوییم دین جز رساندن انسان به کرامت واقعی خود، مأموریت دیگری ندارد، سخن گزافی نگفته ایم.

امام علی (ع) می فرماید:

اِنَّ اللَّهَ تَعالی خَصَّکُم بِالْإِسْلامِ وَ اسْتَخْلَصَکُم لَهُ وَ ذلِکَ لِاَنَّهُ اِسْمُ سَلامهٍ وَ جِماعُ کَرامَتٍ.

خدای بزرگ شما را به اسلام ویژه گردانید و برای آن برگزید؛ زیرا اسلام، عنوان سلامت است و مجمع کرامت.(۱)

دو _ احساس نیاز

دو _ احساس نیاز

انسان وقتی به خود می نگرد، احساس می کند در همه امور به قدرتی بزرگ نیاز دارد؛ قدرتی که خواسته های مادی و معنوی اش را برآورده سازد. این آموزه از ابتدایی ترین نکته های دینی است. قرآن این حقیقت را بسیار زیبا بیان می کند:

یا أَیُّهَا النّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللّهِ وَ اللّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ. (فاطر: ۱۵)

ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است.

احساس نیاز به خالق، انسان را به سوی خداوند بزرگ که کمال مطلق است، به حرکت وامی دارد. تا انسان به چیزی احساس نیاز پیدا نکند، به سویش حرکت نمی کند. از سویی خداوند، زیباترین موجود هستی است؛ زیرا همه کمال ها، فایده ها و لذت ها و نیز زیبایی های آفریدگار از اوست و هرچه سبب حرکت به سوی زیبای مطلق شود، خود، زیباست.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۱۴۸.

سه ــ ترس از نفس اماره

سه ــ ترس از نفس اماره

دین به ما می آموزد که برای رسیدن به صفت ها و رفتارهای زیبای انسانی، باید از نفس اماره بپرهیزیم؛ زیرا انسان را به سوی حیوانی شدن می کشاند و روح را از حرکت به سوی انسانی بودن باز می دارد. حیله های این نفس رذیله، «تسویل» است. تسویل؛ یعنی زیبا جلوه دادن امور زشت. بنابراین، به راحتی، انسان را به سوی زشتی ها می کشاند، در حالی که خود فرد متوجه چنین حرکتی نیست.

قرآن کریم از زبان حضرت یوسف (ع) بیان می کند:

وَ ما أُبَرِّی ءُ نَفْسی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاّ ما رَحِمَ رَبّی اِنَّ رَبّی غَفُورٌ رَحیمٌ. (یوسف: ۵۳)

و من نفس خود را تبرئه نمی کنم؛ زیرا نفس به بدی امر می کند، مگر کسی را که خدا به او رحم کند؛ زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است.

چهار ــ بازگشت به فطرت

چهار ــ بازگشت به فطرت

خداوند حکیم، انسان ها را با فطرت و سرشتی پاک، خداجو و سعادت طلب آفریده است:

فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنیفًا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ. (روم: ۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن. با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته و آفرینش خدا تغییرناپذیر است. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

فطرت انسانی به گونه ای است که اگر انحرافی در آن ایجاد نشود، انسان را در گرایش به زیبایی های معنوی تشویق می کند. در این مسیر، گناهان سبب انحراف انسان از فطرت نخستین می شوند. دین می کوشد

فطرت را بیدار کند. بازگشت به سوی سرشت اولیه در خلقت انسان، با زدودن گرد و غبارهای گناهان و آلودگی ها به دست می آید. البته گاهی این امر با استدلال های متین عقلی صورت می پذیرد، مانند استدلال حضرت ابراهیم (ع) برای بت پرستان که خداوند در قرآن می فرماید: «با استدلال حضرت ابراهیم، بت پرستان به خویشتن خویش (فطرت) بازگشتند. ازاین رو، بی درنگ به حکم فطرت، خود را محکوم و ظالم معرفی کردند». (انبیاء: ۶۴)

۳. زیبایی های دین در حوزه رفتار بشر (زیباروشی)

اشاره

۳. زیبایی های دین در حوزه رفتار بشر (زیباروشی)

«زیباندیشی»، مقدمه ای برای ایجاد رفتارهای زیبا یا «زیباروشی» در زندگی بشر است؛ زیرا رفتارها همگی بر اندیشه ها و خواسته ها استوارند. به بیان دیگر، «بایدها و نبایدها بر محور باورها می چرخند». دین در هدایت انسان به سوی زیبایی ها، او را تنها نمی گذارد، بلکه رفتارهای زیبا را نیز به او معرفی می کند و وی را از کردارهای زشت بازمی دارد. اکنون برخی رفتارهایی را که نتیجه حضور دین در کارهای روزانه انسان است، بررسی می کنیم.

الف) زیباروشی در ارتباط انسان با خدا

اشاره

الف) زیباروشی در ارتباط انسان با خدا

زیر فصل ها

یک ـ عبادت

دو ـ شکر

سه ـ توبه و تضرع

چهار ـ بزرگداشت شعایر الهی

پنج ـ دعا

یک ـ عبادت

یک _ عبادت

وَ ما أُمِرُوا إِلاّ لِيَعْبُدُوا اللّهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفاءَ... . (بینه: ۵)

فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده اند، دین [خود]را خالص گردانند.

عبادت خدای یکتا، نخستین دستور رفتاری دین به بشر در ارتباط با

خدا و نخستین دعوت پیامبران الهی است.(۱) عبادت به معنای پذیرفتن فرمان کسی در عمل است.

ازاین رو، عبادت خدا به معنای آن است که در نیت، تنها او را مقصود قرار دهیم و در رفتار فقط از او فرمان بگیریم. عبادت خدا، رفتاری زیبا و سرپیچی از فرمان او کاری زشت و نافرجام است. زیبایی عبادت خدا برای آن است که سبب نزدیک شدن انسان به کامل مطلق و زیبای بی نقص می شود و این کمال و زیبایی تا جایی پیش می رود که انسان با همین عبادت به مقام جانشینی خدا می رسد و قدرت هایی به او داده می شود.

در روایت وارد شده است:

ای فرزند آدم! من زنده ای هستم که هرگز نمی میرم. از فرمان های من اطاعت کن تا تو را زنده ای قرار دهم که هرگز نمیری. ای فرزند آدم! من به هر چه بگویم هست شو، هست می شود. از فرمان های من اطاعت کن تا تو را نیز چنان قرار دهم که به هر چه بگویی هست شو، هست شود.(۲)

دو ـ شکر

دو ـ شکر

دین، پیروان خود را افرادی شاکر و بسیار شکر کننده تربیت می کند. شکر در برابر نعمت های خدا، آثار فراوان و زیبایی دارد، از جمله اینکه:

۱. شکر مایه افزایش نعمت است:

«لَئِنَ شَكَرْتُم لَأَزِيدَنِكُمْ؛ اگر واقعاً سپاس گزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد». (ابراهیم: ۷)

۱- نحل: ۳۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۱۵، به نقل از: مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۸، ح ۱۲۹۲۸.

۲. شکر موجب پاداش اخروی است:

«وَ سَنَجزِی الشّاکِرینَ؛ و به زودی سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد». (آل عمران: ۱۴۵)

۳. شکر، فهم حقایق و عبرت پذیری را در پی دارد:

«... اِنَّ فی ذلِکَ لآیاتٍ لِکُلِ صَبّارٍ شَکُور؛ بی شک، در این [یادآوری] برای هر شکیبایی، سپاس گزاری عبرت هاست. (ابراهیم: ۵)

۴. شکر، نوعی ادب و احترام به شخصیت خویش است:

«وَمَنْ یَشْکُر فَانَّما یَشْکُر لِنَفْسِه؛ و هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می گزارد». (نمل: ۴۰)

۵. شکر، مانع نازل شدن عذاب است: «ما یَفْعَلُ اللّهُ بِعَذابِکُمْ إنْ شَکَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ وَ کانَ اللّهُ شاکِرا عَلیما؛ اگر سپاس بدارید و ایمان آورید، خدا می خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره سپاس پذیر [= حق شناس]داناست». (نساء: ۱۴۷)

سه ـ توبه و تضرع

سه ـ توبه و تضرع

چهارمین رفتار زیبای انسان در روابط خود با آفریدگار هستی، توبه و تضرع است که دین، آن را شرط اولیه دریافت های معنوی و مادی از خدا می داند. «توبه» به معنای طلب پوشش گناهان و کاستی ها از خداوند سبحان است و «تضرع» به معنای اظهار کوچکی و ذلت در برابر خداست.

این دو رفتار همراه یکدیگرند؛ زیرا در توبه، فرد، گناهان خود را پذیرفته است و ازاین رو، با حالت تضرع به درگاه خدا می رود و توبه می کند.

این دو آموزه دینی برای همه انسان ها حتی پیامبران و ائمه اطهار (ع) وجود دارد. قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که والاترین آفریده های

پروردگار است، چنین دستور می دهد:

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کانَ تَوّابًا. (نصر: ۳)

پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی، همواره توبه پذیر است.

البته آنچه خواندید، یکی از تفسیرهای مفسران درباره این آیه است.(۱)

توبه و تضرع آثار بسیاری دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. بهره مندی از رحمت خدا. به همین سبب، وصف «غفور رحیم» در برخی آیه ها، پس از دستور به توبه آمده است. شاید معنای آن این باشد که رحمت الهی پس از توبه شامل بندگان خواهد شد: «وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهُ اِنَّ اللّه غَفورٌ رَحیمٌ؛ و از خدا آمرزش بخواهید که خدا، آمرزنده مهربان است». (مزمل: ۲۰)

۲. عذاب الهی، با توبه دفع می شود: «وَ ما کانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ؛ و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود». (انفال: ۳۳)

۳. احسان خدا شامل توبه کنندگان است: «و اَن اِسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتاعا حَسَنا... ؛ و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا اینکه] شما را با بهره مندی نیکویی بهره مند سازد». (هود: ۳)

۴. نزول برکت های آسمانی از جمله باران و همچنین افزایش اموال و اولاد و ورود به بهشت جاوید، پاداش خداوند به توبه کنندگان است.

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کانَ غَفّارا. یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْرارا وَ یُمْدِدْکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنینَ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ أَنْهارا. (نوح:

۱- محمد بن عمر فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ . ق، چ ۳، ج ۳۲، ذیل آیه ۳، سوره نصر، صص ۳ _ ۳۴۲.

ص:۱۱۷

(۱۰_۱۲

و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است [تا]بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.

لذت ارتباط با خالق، لذت احساس رضایت او و لذت دریافت رحمت ها و الهام های معنوی او از آثار زیبای تضرع و توبه است.

چهار ـ بزرگداشت شعایر الهی

چهار ـ بزرگداشت شعایر الهی

قرآن کریم برای تشویق به بزرگ داشت شعایر الهی، این رفتار را می ستاید: «وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللّه فَإِنَّها مِنْ تَقْوی الْقُلُوبِ؛ و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، آن [حاکی]از پاکی دل هاست». (حج: ۳۲)

پنج ـ دعا

پنج ـ دعا

دعا به معنای درخواست نیازمندی ها، حلقه ارتباطی انسان ها با خداست. نقش این حلقه چنان مهم و اساسی است که در قرآن می خوانیم: «قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْلا دُعاؤُکُمْ؛ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند». (فرقان: ۷۷)

مفهوم این آیه آن است که میزان توجه و عنایت خداوند به میزان درخواست انسان از خدا بستگی دارد. بنابراین، هر که دعایش بیشتر باشد، بیشتر بهره می برد. افزون بر آن، دعا با ساختار وجودی انسان که سراسر نیاز به خالق خویش است، تناسب دارد. انسان دعاکننده همانند طفلی است که برای رفع تشنگی و گرسنگی خویش، راهی به جز درخواست از مادر ندارد. به یقین، چنین رفتاری نزد اندیشمندان، پسندیده است.

دین، درخواست از غیر خدا را زشت می داند؛ زیرا مایه ذلت است و

آزادی انسان را از میان می برد. درخواست از کسی که خود نیازمند است، هیچ سودی نخواهد داشت.(۱)

ب) زیباروشی در ارتباط انسان با خویش

اشاره

ب) زیباروشی در ارتباط انسان با خویش

زیر فصل ها

یک ــ تکریم خویش

یک ــ تکریم خویش

از مهم ترین آموزه های دین درباره رابطه انسان با خود، «تکریم خویش» است. تکریم نفس به معنای گرامی داشتن آن است؛ زیرا انسان، آفریده خداست و می تواند به مراتب بالایی از کمال دست پیدا کند. از مهم ترین آثار این رفتار، دوری از کارهای پست و آلودگی ها و گناهان است. کسی که خود را گرامی می دارد، به اموری که در شأن او نیست، نمی پردازد، مانند فردی که حاضر نیست طلا و جواهرات خود را با مشتی خاک بی ارزش معامله کند.

کرامت نفس، با غرور و کبر متفاوت است؛ کسی که نفس خود را تکریم (به معنای دینی آن) می کند، همچون کسی است که هدیه محبوب خود را گرامی می دارد. بنابراین، انسان باایمان نیز چون وجود خود را هدیه ای الهی می داند، آن را محترم می شمارد و از پرداختن به امور پست و بی ارزش می پرهیزد.

آموزه های دین درباره تکریم نفس را می توان چنین برشمرد:

۱. امام علی (ع) می فرماید:

اَكْرِمْ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنيَّهٍ وَ اِنْ ساقَتْكَ اِلی رَغْبَهٍ فَاِنَّكَ لَنْ تَعْتاضَ بِما

۱- نک: میزان الحکمه، ج ۵، صص ۲۳، ۲۸ و ۳۰.

تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِکَ عَوَضاً وَ لا تَکُنْ عَبَدَ غَیرِکَ وَ قَدْ جَعَلَکَ اللُّه حُرّاً.(۱)

نفس خود را از هر پستی، گرامی بدار، هر چند آن امر تو را به آرزویت برساند؛ زیرا هیچ چیز، آنچه را در این راه از دست می دهی، جبران نمی کند و بنده دیگری مباش که خداوند، تو را آزاد آفریده است.

۲. امام صادق (ع) نیز می فرماید:

اِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَ تعالی فَوَّضَ اِلَی الْمُؤمِنِ کُلَّ شی ءٍ اِلاّ اِذْلالَ نَفْسِه.(۲)

خدای تبارک و تعالی اختیار هر کاری را به مؤمن داده است، مگر اختیار خوار کردن خویشتن را.

۳. قرآن کریم دستور می دهد که هرگاه وارد خانه ای شدید (که کسی داخل آن نیست)،(۳) از سوی خدا به خود سلام کنید. روشن است که سلام به دیگری، اظهار کرامت است و سلام به خود، تکریم نفس.

فَإِذا دَخَلْتُمْ بُیُوتا فَسَلِّمُوا عَلی أَنْفُسِکُمْ تَحِیَّهً مِنْ عِنْدِ اللّهِ مُبارَکَهً طَیِّبَهً. (نور: ۶۱)

پس چون به خانه هایی [که گفته شد] درآمدید، به خودتان سلام کنید؛ درودی که نزد خدا، مبارک و پاک است.

دو _ تهذیب نفس

دو _ تهذیب نفس

چهارمین رفتاری که دین درباره ارتباط انسان با خود به او می آموزد، «تهذیب نفس» به معنای پاک سازی روح به وسیله فضایل انسانی است. اموری همچون وسوسه های شیطان، بدبینی، بخل، حسادت، کبر، کینه،

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۸۷۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۸۷۲.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۵۳.

عجب و جاه طلبی، پیرایه های روحی بشرند که هر کدام به تنهایی زشتی های رفتاری زیادی مانند جنایت ها، فتنه ها و قتل ها را در پی دارند.

دین با برنامه نجات بخش خود، فرد و جامعه را به مسیر طهارت روح هدایت می کند. دین، تزکیه و تهذیب نفس را هدف اصلی پیامبران می داند:

کَما أَرْسَلْنا فیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ یُعَلِّمُکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ. (بقره: ۱۵۱)

همان گونه که در میان شما، فرستاده ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیه های ما را بر شما می خواند و شما را پاک می گرداند و به شما کتاب و حکمت می آموزد و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد می دهد.

زیبایی این صفت را می توان از آثار بسیار زشت صفت مقابل آن؛ یعنی لجام گسیختگی نفس شناخت. در طول تاریخ، آلودگی روح و روان همواره برای جامعه بشری نگران کننده بوده و هست. اگر فتنه ها و جنگ ها و حق کشی ها را ریشه یابی کنیم، به چیزی جز آلودگی های نفس نمی رسیم. با زدودن رذیلت های اخلاقی از لوح جان، چهره زیبای انسانی نمایان می شود و زندگی انسانی که همراه با آرامش، امنیت، عدالت و لذت های برتر انسانی است، شکل می گیرد.

ممکن است انسان آلوده به غرور و کبر و جاه طلبی، به فایده ها لذت هایی پست و زودگذر دست یابد، ولی چنین لذت هایی هم زودگذرند و هم با از دست دادن لذت هایی به مراتب بالاتر همراهند. ازاین رو، قرآن چنین افرادی را زیان کار معرفی می کند:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُم بِالْأَخْسَرینَ أَعْمالاً.الَّذینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعًا. (کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴)

بگو: آیا شما را از زیان کارترین مردم آگاه گردانیم؟ [آنان]کسانی اند که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته است و می پندارند که کار خوب انجام می دهند.

«کمال» انسان به انسان بودن اوست. ازاین رو، تهذیب نفس، از کمالات نفس و از رفتارهای زیبای انسانی به شمار می رود. انسان در نگاه به خود، برای دست یابی به لذت های مقام انسانی، ناچار است به تهذیب نفس؛ یعنی آراستن آن به نیکی ها روی آورد. فروتنی، سخاوت، عزت، کرامت، علم و اخلاص از صفت هایی است که باید نفس را با آنها تهذیب کرد.

سه _ علم آموزی

سه _ علم آموزی

علم از کمالات اساسی انسان است و همگان آن را امتیازی بزرگ می شمارند. دین به عنوان تکامل دهنده بشر، علم را بالاترین فضیلت ها می داند و آن را معیار برتری انسان ها بر یکدیگر معرفی می کند. امام علی (ع) فرمود: «رَأسُ الْفَضائِلِ اَلْعِلمُ؛ بالاترین (و ریشه) همه فضیلت ها، علم است».(۱)

در قرآن کریم نیز می خوانیم: «قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ؛ بگو: آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، یکسانند؟» (زمر: ۹)

علم، زیبایی آشکار،(۲) زینت ثروتمندان و سرمایه تنگ دستان است».(۳) هیچ گنجی پرسودتر از آن نیست(۴) و شرفی بدان نمی رسد.(۵) قلب روحی که علم در آن نیست، همانند

۱- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۲۸.

۲- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۲۸، امام علی علیه السلام: «اَلْعِلْمُ جَمالٌ لا یَخْفی».

۳- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۲۸، امام علی علیه السلام: «اَلْعِلْمُ زینُ الاَغْنِیاءِ وَغنَی الفُقَراءِ».

۴- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۳۰، امام علی علیه السلام: «لا کَنْزَ اَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ».

۵- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۳۰، امام علی علیه السلام: «لا شَرَفَ کَالْعِلْمِ».

ویرانه ای است که آبادکننده ندارد.(۱) علم، راهنمای اصلی به سوی کمال(۲) و منشأ همه خیرها و خوبی هاست.(۳)

علم منشأ لـذت های فراوانی است و این افزون بر جنبه کمالی آن است. ازاین رو، «علم آموزی» را رفتاری زیبا و پسـندیده می دانیم. دین، علم آموزی را برای پیروان خود واجب می داند. پیامبر اسلام فرموده است:

اُطْلُبُوا الْعِلمَ وَلَوْ بِالصِّینِ فاِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَریَضَهٌ علی کُلِّ مُسْلِمٍ.(۴)

علم را یاد بگیرید گرچه در چین باشد؛ زیرا علم آموزی بر همه مسلمانان واجب است.

علم از صفت های زیبای مطلق؛ یعنی خداوند است. ازاین رو، آن که علمش بیشتر باشد، به خدا؛ یعنی به زیبای مطلق، نزدیک تر و در نتیجه، زیباتر خواهد بود.

چهار ـ خودآرایی

چهار ـ خودآرایی

دین، نه تنها رعایت بهداشت را رفتاری زیبا معرفی می کند، بلکه خودآرایی را نیز به پیروان خود می آموزد و بر آن تأکید می ورزد. در روایت هـا می خوانیم که هزینه خودآرایی و عطر پیـامبر اسـلام، از مخـارج خوراکی ایشـان بیشـتر بود.(۵) ایشان در حدیثی می فرماید:

اِنّ اللّه یُحِبُّ اِذا خَرَجَ عَبْدَهُ الْمُؤمِنُ اِلی اَخیه اَنْ یَتَهَیَّأَ لَهُ وَ اَنْ یَتَجَمَّلَ.(۶)

۱- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۳۰، امام علی علیه السلام: «اِنَّ قَلْبَاً لَیسَ فیه شَئٌ مِنَ الَعِلْمِ کَالْبِیْتِ الْخَرابِ الَّذی لا عامِرَ لَهُ».

۲- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۳۰، امام علی علیه السلام: «اَلعِلْمُ یَهدی اِلَی الْحَقَّ».

۳- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۳۲، رسول خدا صلی الله علیه و آله: «اَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَیرُ کُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأسُ الَّشرِّ کُلّهِ».

۴- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۴۶.

۵- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۳۳۸، ح ۱۱۳۲۱.

۶- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۲۹۹.

خداوند دوست دارد که هرگاه بنده مؤمنش نزد برادر خود می رود، خویشتن را آماده سازد و آراسته کند.

رسیدگی به وضعیت لباس از نظر پاکیزگی و رنگ، شانه زدن و تمیز نگه داشتن موها و صدها دستور دیگر درباره خودآرایی و بهداشت، محتوای بسیاری از حدیث های دینی است.

پنج ـ محاسبه

پنج ـ محاسبه

حساب رسی از کارهای خود در پایان هر روز، یکی از سفارش های جدی دین اسلام به انسان ها است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

لا یَکُونَ الْعَبْدُ مُؤْمِناً حَتَّی یُحاسِبُ نَفْسَه اَشَدُّ مِنْ مُحاسِبَهِ الشریکِ شَریکَه وَ السِیّدُ عَبْدَهُ.(۱)

بنده مؤمن نیست تا اینکه سخت تر از حساب رسی شریک از شریکش و ارباب از بنده اش، از نفس خود حساب بکشد.

با بررسی فایده های محاسبه نفس، می توان به زیبایی این رفتار دینی پی برد. برخی فایده ها و آثار محاسبه نفس این گونه است:

۱. شناخت عیب ها برای برطرف ساختن آنها؛

۲. توجه به نکته های مثبت برای شکرگزاری و نیز تقویت آنها؛

۳. جبران عیب ها و گناهان؛

۴. برنامه ریزی صحیح برای پیشرفت و بررسی میزان موفقیت در آن مسیر، به صورت روزانه؛

۵. توفیق توبه؛

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۱۶۶.

۶ . یاد خدا و رفع خودفراموشی؛

۷. احساس امنیت و سعادت مندی.(۱)

با توجه به این آثار، محاسبه را می توان رفتاری زیبا پنداشت. افزون بر این، لذت وقتی نصیب فرد می شود که روز به روز از موفقیت های خود، آگاه شود و آنها را همواره در نظر داشته باشد.

شش _ سامان دهی امور

شش _ سامان دهی امور

نظم، هدیه دین به انسان است. انسان باید رفتارهای خود را به طور عام منظم کند؛ زیرا تنها نظم، رفتارها را به سرانجام می رساند و هیچ رفتار نامنظمی به مقصد و هدف نخواهد رسید.

نظم دهی به امور، ویژه دین داران نیست، ولی دین بر این رفتار تأکید دارد. امام علی (ع) در واپسین سخنان خود می فرماید:

اُوصیکُما وَ جَمیعُ وَلَدی وَ اَهْلی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتابی، بِتَقْوی اللّهِ وَ نَظْمِ اَمْرِکُمْ.(۲)

شما و همه فرزندان و خاندانم و هر که را این وصیتم به او می رسد، به تقوای الهی و نظم در زندگی سفارش می کنم.

قرآن بارها در آیه های گوناگون به نظم موجود در آسمان ها و دیگر آفریده ها اشاره دارد و انسان ها را به تفکر، تدبّر و پندگیری از آنها فرا می خواند. ازاین رو، پیام ذره ذره طبیعت به انسان، نظم دهی در همه

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۱۶۶، ح ۳۸۳۸ _ ۳۸۴۸.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

رفتارهاست. انسان بی نظم با نظام دقیق طبیعت، هم گون و همراه نخواهد بود. در نتیجه، از پیشرفت کمالی اش جلوگیری می کند.

نظم، آثار بسیار مثبتی در روح، فکر و رفتار فرد و حتی اجتماع دارد. از جمله این آثار و فایده ها، می توان این امور را نام برد: حرکت به سوی رشد و تکامل، استفاده کامل از سرمایه ها به ویژه عمر، احساس آرامش و اطمینان خاطر، سودرسانی بیشتر به خود و جامعه، هماهنگی و هم گونی با دیگر آفریده های جهان. تنها فرد بی نظم از تنبلی و تن پروری لذت می برد که آن هم زودگذر است. بنابراین، عقل و دین، هر دو نظم دهی به رفتارها را برخوردی زیبا و مفید و لذت بخش می دانند و همواره انسان را به آن سفارش می کنند.

ج) زیباروشی در ارتباط انسان با دیگران

اشاره

ج) زیباروشی در ارتباط انسان با دیگران

در آموزه های دینی بر زیباروشی در برخورد با دیگران تأکید فراوان شده است. مطالب زیر این موضوع را روشن تر می کند:

یک _ عدالت و رعایت حقوق

یک _ عدالت و رعایت حقوق

دین، ابتدا دایره حقوقی افراد را تعریف و سپس همه انسان ها را به رعایت آنها دعوت می کند. امام سجاد (ع) برای بیان حقوق دیگران، رساله ای مستقل دارد که نشانه توجه بزرگان دین به احقاق حقوق انسان ها است.

عدالت به معنای عام خود، رعایت همه حقوق را شامل می شود و شاید بتوان آن را زیباترین رفتار دینی در ارتباط با دیگران معرفی کرد. دین همواره می کوشد که هیچ حقی از کسی ضایع نشود و صفت زیبای عدالت

در پی آن، رفتار بسیار زیبای عدالت محوری را در فرد و جامعه ایجاد کند. برای درک اهمیت دین به آموزه ها و تأکیدهای زیر توجه کنید:

۱. دین تأکید می کند از شخصی که عادل نیست، شهادت، قضاوت و حتی امامت برای نماز را نپذیرید.

۲. دین، دلیل ارسال پیامبران و نزول کتاب های آسمانی را برپایی قسط و عدالت می داند. (حدید: ۲۵)

۳. دین، عدالت را به تقوای الهی که ملاک برتری انسان هاست، نزدیک تر می داند. (مائده: ۸)

۴. تأکید دین بر عدالت است، گرچه به زیان انسان یا خویشاوندان انسان باشد. (نساء: ۱۳۵)

۵. دین اعلام می کند که عدالت پیشه گان، محبوب خدایند. (مائده: ۴۲) ستم گران، محبوب خدا نیستند، بلکه خدا از ایشان بیزار است. (آل عمران: ۵۷)

۶ . دین، ارزشمندترین افراد را کسانی می داند که حقوق مردم را رعایت می کنند. امام حسن عسکری (ع) می فرماید:

اَعْرَفُ النّاسِ بِحُقوُقِ اِخْوانِهِ وَاَشَدُّهم قَضاءًلَها اَعْظَمَهُمْ عِنْدَ اللّهِ شَأَناً.(۱)

کسی که به حقوق برادران خود، آشناتر و در رعایت کردن آنها، کوشاتر باشد، نزد خداوند، ارجمندتر است.

رعایت عدالت و حقوق دیگران، نخستین شرط بهره مندی انسان ها از فایده ها و لذت های مادی و معنوی است و از رفتارهای کمالی زیبا و

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۲۴۶.

مطلوب به شمار می آید. پس می توان ادعا کرد که هیچ انسانی، حتی ستم کاران، زیبایی عدالت را انکار نمی کنند.

ما بر این باوریم که تنها دین می تواند عدالت را در رفتارها آشکار سازد؛ زیرا همه راه های پیشنهادی دیگر تا کنون نتوانسته اند از ستم کاری جلوگیری کنند. از سوی دیگر، به روشنی شاهدیم که هرگاه دین در میان جامعه ای رواج یافته است و حاکمان دینی نیز بر آن جامعه حکومت کرده اند، عدالت به معنای واقعی اش در روابط افراد آشکار شده است. همچنین معتقدیم که عدالت، زمانی در رفتار همه جامعه بشری و در سطح جهانی اجرا می شود که حکومت متحده جهانی بر پایه عدالت به وسیله آخرین حجت الهی؛ یعنی حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف تشکیل شود.

دو _ امانت داری

دو _ امانت داری

گرچه امانت داری نوعی رعایت حقوق است، ولی به دلیل اهمیت آن و نیز زیبایی درخشانش، آن را به طور مستقل بررسی می کنیم. دین به ما می آموزد که:

«إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُوءَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها؛ خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید». (نساء: ۵۸)

امام علی (ع) می فرماید: «اَفْضَلُ الْاِیمانِ اَلاْمانَهُ، اَقْبَحُ الاْخْلاقِ الْخِیانَهِ؛ بالاترین رتبه ایمان امانت داری است و زشت ترین خوی ها خیانت است.»(۱) نیز فرموده است:

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۷۷ و ۷۸.

«اَدُّوا الْامانَهَ وَلَوْ اِلی قَتَلهِ اَوْلادِ الْانْبِیاءِ؛ امانت را برگردانید، هرچند به قاتل فرزندان پیامبران».(۱)

دین آن قدر بر امانت داری تأکید می کند که آن را از نماز و عبادت های دیگر بالاتر می داند. امانت داری، رفتاری بسیار زیباست؛ زیرا جنبه کمالی دارد و فرد با این رفتار، انسانیت خود را حفظ می کند. همچنین فایده و لذت بی شماری دارد که برخی فایده های آن عبارتند از: آرامش روحی، آرامش اجتماعی، صلح و امنیت، اعتماد در روابط اجتماعی، حذف بسیاری از خیانت های مالی و جانی از محیط جامعه و حذف بخش زیادی از هزینه های فردی و جمعی.

به راستی، آیا خیانت لذت بخش تر است یا احساس دوستی و نشاطی که از حس اعتماد میان افراد یک جامعه و بازگرداندن امانت ایجاد می شود؟ بی گمان، خیانت در امانت، افزون بر زیر پاگذاشتن انسانیت و گرفتار شدن به عذاب وجدان، سبب درگیری با صاحبان امانت و به جان خریدن عذاب الهی خواهد شد.

سه _ احسان

سه _ احسان

احسان در لغت به معنای زیبا کاری و انجام دادن کار نیک است. در اصطلاح دینی نیز شامل همه رفتارهایی می شود که از نظر عقلی و نقلی، پسندیده باشند. در قرآن کریم چنین می خوانیم:

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۰۸.

۱. احسان کنندگان دوستان خدایند: «ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اللّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنینَ؛ آن گاه تقوا پیشه کنند و احسان کنند و خدا، احسان کنندگان را دوست دارد». (مائده: ۹۳)

۲. احسان در دنیا و آخرت برای انسان سودآور است: «لِلَّذینَ أَحْسَنُوا فی هذِهِ الدُّنْیا حَسَنَهٌ وَ لَدارُ ٱلآخِرَهِ خَیْرٌ؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند، [پاداش]نیکویی است و همانا سرای آخرت بهتر است». (نحل: ۳۰)

۳. هم در برابر احسان دیگران احسان کنید و هم در مقابل بدی ایشان.

الف) «هَلْ جَزاءُ ٱلإِحْسانِ إِلاَّ ٱلإِحْسانُ؛ مگر پاداش احسان جز احسان است؟» (الرحمن: ۶۰)

ب) «اِدْفَعْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ السَّیِّئَهَ ؛ بدی را به شیوه ای نیکو دفع کن». (مؤمنون: ۹۶)

ج) «ادْفَعْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَهٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمیمٌ؛ [بدی را]به آن چه بهتر است، دفع کن. آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک دل می شود». (فصلت: ۳۴)

۴. سفارش مهم خداوند حکیم به انسان، احسان به والدین است:

«وَ وَصَّیْنَا ٱلإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ اِحسانا؛ و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم». (احقاف: ۱۵)

آیه ها و روایت های زیادی برای تشویق به احسان وجود دارند که بیانگر میزان ارج گذاری دین به احسان است. دین همواره در پی زیباسازی رفتارهای انسان است و احسان که جامع همه رفتارهای زیباست، خلاصه درخواست های دین از انسان است. دین به تک تک رفتارهای زیبا سفارش

می کند، ولی در پایان، گفته های خود را خلاصه می کند و می فرماید رفتاری به جز احسان نداشته باشید.

چهار _ انفاق

چهار _ انفاق

همه موجودات به گونه ای امکانات خود را در اختیار دیگران قرار می دهند. گل ها، بو و رنگ های زیبای خود را به رهگذران می بخشند و بخشی از شهد خود را در اختیار زنبوران عسل می گذارند. باد، نسیم شکوفاگرش را به گل ها می دهد و ابر، قطره های باران خود را به موجودات زنده می بخشد. دیگر موجودات نیز چنینند. دین در هماهنگی خود با نظام تکوین، انسان را همچون دیگر موجودات به انفاق و بخشش فرا می خواند.

انفاق به معنای هزینه کردن بخشی از دارایی ها در راه خدا، از رفتارهای مهم دینی است. قرآن، پرهیزکاران را این گونه معرفی می کند:

الَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ. (بقره: ۳)

آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، انفاق می کنند.

در واقع، انفاق، فایده های زیر را در پی دارد:

۱. رفع و دفع خوی زشت بخل؛

۲. احیا و تقویت تفکر اعتماد به خدا در رسانیدن روزی؛ چون انسان وقتی انفاق می کند که معتقد باشد خداوند، روزی او را در روزهای بعد می رساند.

۳. رفع نیاز از نیازمندان جامعه؛

۴. ایجاد نهادهایی برای رهایی جامعه از بن بست ها و تنگناهای اقتصادی؛

۵. گردش مال میان افراد جامعه و جلوگیری از تمرکز آن در دست یک گروه؛

۶. فراوان شدن نعمت ها و رحمت های خدا بر فرد و جامعه ای که اهل انفاقند.

روشن است این فایده ها به فرد یا اجتماعی که اهل انفاق نباشند، نخواهد رسید. از این رو، از لذت های به دست آمده از آنها نیز محرومند و گاهی همین اموال و دارایی، وبال زندگی دنیا و آخرتشان می شود:

وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ. (توبه: ۳۴)

و کسانی که طلا و نقره را پنهان می کنند و آنها را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس ایشان را به عذاب دردناک بشارت بده.

به دسته ای از سفارش های دین درباره انفاق توجه کنید:

۱. «وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلیمٌ؛ همانا خدا از هر مالی که انفاق کنید آگاه است». (بقره: ۲۷۳)

۲. «وَ ما لَکُمْ أَلاّ تُنْفِقُوا فی سَبیلِ اللّهِ؛ و شما را چه شده است که در راه خدا انفاق نمی کنید». (حدید: ۱۰)

۳. «وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ فی سَبیلِ اللّهِ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ؛ و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانده می شود». (انفال: ۶۰)

۴. «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق کنید». (آل عمران: ۹۲)

۵. «الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرّا وَ عَلانِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ؛ کسانی که اموال خود را شب و روز و نهان و آشکارا، انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود. نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند». (بقره: ۲۷۴)

زیبایی انفاق بدین سبب است که فایده های فراوانی در پی دارد و همچنین با طبیعت وجودی آفریدگان تناسب دارد. موجودات از آن نظر که آفریننده ای سخاوتمند آنها را خلق کرده است، خود نیز سخاوتمند هستند. بنابراین، انفاق، رفتاری کمالی نیز به شمار می رود؛ زیرا هرچه ما را به صفت های الهی نزدیک می کند، کمال شمرده می شود و بسیار زیبا و مورد پسند است.

پنج ــ بخشایش

پنج ــ بخشایش

بخشایش از رفتارهای کریمانه انسانی است که زیبایی اش بر هیچ کس پوشیده نیست. دین، بخشایش را از صفت های برجسته خداوند سبحان معرفی می کند و آن را محبوب او می داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اِنّ اللّه عَفُوٌ یُحِبُّ الْعَفوَ؛ خداوند بسیار باگذشت است و گذشت را دوست دارد».(۱)

دین، بارها و بارها انسان را به رفتار بخشایشگری و گذشت فرا می خواند. خداوند در قرآن می فرماید:

وَلْیَعْفُوا وَلْیَصْفَحُوا أَلا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللّهُ لَکُمْ وَ اللّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ.(نور: ۲۲)

و باید عفو و گذشت کنند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید و خدا، آمرزنده مهربان است.

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۳۲.

همچنین در حدیثی از پیامبر خدا چنین نقل شده است:

در قیامت ندا می شود که آن کسی که مزدش با خداست، برخیزد و به بهشت رود. گفته می شود چه کسی مزدش با خداست. پاسخ می آید که بخشایندگان مردم.(۱)

بخشایش نشانه کرامت نفس و مایه آرامش و سبب تربیت زیردستان و نیز عامل جلب رحمت های خداوند بزرگ است. در جامعه ای که بخشایش در میان افرادش رواج داشته باشد، دوستی و محبت و نیز صداقت و دوری از خیانت گسترش می یابد. پیروزی و سربلندی از آن کسی است که بخشایش را پیشه خود کند.(۲)

بی شک، بخشایش در زمان قدرت بسیار ارزشمند است. امام علی (ع) می فرماید: «لا شیء اَحْسنُ مِنْ عَفوِ قادرٍ؛ هیچ چیز زیباتر و نیکوتر از بخشایش فرد قدرتمند نیست».(۳)

و نیز فرموده است:

اِذا قَدَرْتَ عَلی عَدوِّکَ فَاجْعَلِ العَفْوَ عَنْهُ شُکَراً لِلْقُدرَهِ عَلیه.

هنگامی که بر دشمنت قدرت یافتی، گذشت از وی را شکرانه قدرت یافتنت بر او قرار ده.(۴)

لذت بخشایش همواره بیشتر از انتقام و فایده آن نیز فراوان تر است. بخشایش برای آن است که از روی کرامت و تدبیر عقلانی است و رفتاری

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۳۲ با کمی تلخیص.
۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۳۴.
۳- غررالحکم، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۵۰۴۵.
۴- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۳۸.

کمالی به شمار می آید. بخشایش به جز در آموزه های دینی، در هیچ یک از مکتب های دیگر یافت نمی شود و اگر هم یافت شود، همراه با منّت و مشکلات بعدی خواهد بود، ولی بخشایش دینی، رفتاری خالصانه و به دور از هرگونه چشم داشتی از طرف مقابل است. بنابراین، عفو دینی، زیبا و از مطلوب ترین رفتارهاست.

شش ــ وفای به عهد

شش ــ وفای به عهد

پای بندی به عهد و پیمان، نشانه جوان مردی و بزرگواری است و از کمالات رفتاری انسان ها است، بر خلاف پیمان شکنی که همه انسان ها آن را زشت و ناپسند می دانند. دین در روند زیباسازی رفتارهای انسان ها به وفای عهد بسیار توجه کرده است. خداوند خطاب به مؤمنان می فرماید: «یا اَیُّها الَّذینَ آمَنُوا اَوْفُوا بالْعُقُود؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید». (مائده: ۱)

از امام صادق (ع) پرسیدند: منظور از «بالعقود» در این آیه چیست؟ ایشان فرمود: «العهود؛ یعنی پیمان ها.»(۱) از حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «لا دِیَنِ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ؛ کسی که پیمان دار نباشد، دین ندارد».(۲)

وفای به عهد، مایه تثبیت شخصیت، رواج اعتماد افراد جامعه به یکدیگر و ایجاد نظم در انجام دادن کارها است. این صفت هم رفتاری کمالی است؛ چون از کرامت و جوان مردی ریشه می گیرد و هم عملی

۱- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۱۰۰.
۲- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۱۰۲.

است متناسب با مقام انسانیت. بنابراین، با توجه به ملاک های زیبایی، وفای به عهد را رفتاری زیبا می دانیم.

هفت _ ایثار

هفت _ ایثار

دین در اوج زیباسازی رفتار انسان ها، ایشان را به قله احسان و زیبا عملی؛ یعنی ایثار می رساند. ایثار به جز در سایه ایمان و دین داری به دست نمی آید. حتی اگر انسانی بی ایمان ایثار کند، باز هم می گوییم نشانه ای از ایمان در درونش وجود دارد.

در این باره به چند حدیث از امام علی (ع) اشاره می کنیم:

۱. «اَلْاِیثارُ اَفضَلُ الْاِحْسانِ؛ ایثار، بالاترین رتبه احسان است».(۱)

۲. «اَلْاِیثارُ اَحْسَنُ الْاِحْسانِ وَاَعلی مَراتِبَ الْایمانِ؛ ایثار، زیباترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است».(۲)

۳. «اَلْاِیثارُ سَجیَهُ الْاَبْرارِ وَ شَیْمَهُ الأَخْیارِ؛ ایثار، خصلت نیکوکاران و خوی نیکان است».(۳)

۴. «اَلْاِیثارُ اَفْضَلُ عِبادَهٍ وَ اَجلُّ سِیادَهٍ؛ ایثار، برترین عبادت و بزرگ ترین سروری است».(۴)

ایثار از خود گذشتگی و چشم پوشی از برخی لذت ها است، ولی چون رفتاری جوان مردانه و عزت بخش و نیز عملی کمالی است، زیباست.

۱- غررالحکم، ص ۳۱.
۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶.
۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶.
۴- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶.

ایثارگر با ایثار خود، مدح و ثنای همه حتی خدا را به سوی خویش جلب می کند و برازنده نام «بافضیلت» خواهد شد.(۱)

روایت شده است که حضرت موسی (ع) فرمود: «پروردگارا! جایگاه محمد صلی الله علیه و آله و امت او را به من نشان بده.» خداوند فرمود: «تو تحمل دیدن آن را نداری، ولی یکی از منزلت های ایشان را نشانت می دهم.» وقتی موسی (ع) آن منزلت را دید، نزدیک بود قالب تهی کند. سپس گفت: «پروردگارا! این منزلت را به چه سبب به ایشان داده ای؟» پروردگار فرمود: «ایثار ای موسی، هیچ یک از بندگانم که بخشی از عمر خود را به ایثار گذرانده باشد، بر من وارد نمی شود، مگر آنکه از حساب رسی او شرم کنم و در هر جای از بهشتم که بخواهد، جایش دهم».(۲)

رفتارهای زیبای دینی در روابط میان افراد فراوانند که به شماری از آنها اشاره شد. آنچه مهم است زیباسازی همه رفتارهای خواسته شده دین است؛ چون دین می خواهد روابط میان انسان ها همیشه زیبا باشد.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲، به نقل از: تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۷۳.

فصل چهارم: آسیب شناسی زیبانگری به زندگی دینی و راه کارهای اصلاحی

اشاره

فصل چهارم: آسیب شناسی زیبانگری به زندگی دینی و راه کارهای اصلاحی

زیر فصل ها

۱. آسیب ها

۲. راه کارهای اصلاحی

۱. آسیب ها

اشاره

۱. آسیب ها

زیر فصل ها

الف) آسیب های داخلی

ب) آسیب های خارجی

الف) آسیب های داخلی

اشاره

الف) آسیب های داخلی

زیر فصل ها

یک _ انحراف در مسیر حکومت و ولایت

دو _ استفاده ابزاری از دین

سه _ نگرش تک بُعدی به دین

چهار ـ التقاط فکری

یک ـ انحراف در مسیر حکومت و ولایت

یک ـ انحراف در مسیر حکومت و ولایت

زمانی زیبایی دین وارد زندگی بشر می شود که همه فرمان های آن در جامعه اجرا شود و شرط آن، حاکمیت مجریان الهی است که از سوی خداوند منصوب می شوند. حال اگر فردی که پای بندی لازم را ندارد، در رأس حکومت باشد، نمی تواند احکام دین را درست اجرا کند.

متأسفانه این تهدید در صدر اسلام در جامعه دینی به شکل آسیبی جدّی درآمد و دست اهل بیت عصمت (ع) از حاکمیت کوتاه شد. به یقین، اگر این حادثه رخ نمی داد، هم اکنون زیبایی های دینی سراسر زندگی بشر را فرا گرفته بود. امری که همه ادیان الهی و روایت های اسلامی، تحقق آن را در دوران ظهور مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف پیش بینی کرده اند، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، عزت و سربلندی، طهارت و پاکی جامعه، ترویج علم و فرهنگ دینی و صدها زیبایی دیگر است. نتیجه انحراف یادشده، ترسیم سنت های نادرست برای افراد جامعه و نسل های بعد بود؛ سنت هایی که از

هر گونه زیبایی و طراوت دینی تهی بودند.

دو _ استفاده ابزاری از دین

دو _ استفاده ابزاری از دین

دومین عاملی که زیبایی زندگی دینی را تهدید می کند و در طول تاریخ به آن آسیب های جدی وارد کرده، استفاده سودجویان مادی گراست. آنان با چهره ای منافقانه، از دین، برای رسیدن به اهداف پست مادی استفاده می کنند. یکی از آثار این آسیب، ایجاد تردید و بدبینی برای افراد «ضعیف ایمان»، نسبت به دین و حاکمان دینی است. بد عمل کردن مدعیان دین نیز عامل مهمی برای «دین گریزی» و حتی «دین ستیزی» مردم است.

سه _ نگرش تک بُعدی به دین

سه _ نگرش تک بُعدی به دین

«بخشی نگری» از آفت های مهمی است که بر اثر سلیقه گرایی یا منفعت جویی عده ای، به دین آسیب می رساند. این آفت سبب می شود که فرد چهره ناکاملی از دین را بپذیرد و به دیگران معرفی کند. اگر دین ساختار کاملاً زیبایی نداشته باشد، چهره ناقص دین به عنوان تمام دین و ساختمان کامل معرفی می شود. بنابراین، باید در تعلّم و تعلیم دین، به همه جنبه های آن دقت شود.

چهار _ التقاط فکری

چهار _ التقاط فکری

التقاط و مخلوط کردن دین با غیر دین، آسیبی است که زیبایی دین را تهدید می کند. ما معتقدیم که همه «باورها و بایدهای دینی»، صورت واحدی را تشکیل می دهند. این صورت، چهره ای بسیار زیبا دارد، ولی هر گونه حذف یا اضافه، این وحدت و هم گونی و در نتیجه، زیبایی دین را از میان می برد. التقاط، خطری است که در طول تاریخ وجود داشته و هم اکنون نیز با شدت بیشتری رایج است. دین با آموزه هایی همچون

حرمت تفسیر به رأی، قضاوت بدون علم، فتوا دادن بدون فقاهت و بدعت، مانع از وارد آمدن این آسیب اساسی می شود.

ب) آسیب های خارجی

اشاره

ب) آسیب های خارجی

منظور از این دسته آسیب ها و تهدیدها، اموری هستند که به وسیله دشمنان دین اسلام، برای زشت جلوه دادن آن، طراحی و اجرا می شوند. دلیل تلاش دشمن در این زمینه، آگاهی آنان به زیبایی های دینی و توجه به این نکته است که اگر دین با چهره واقعی اش به مردم جهان معرفی شود، بسیاری جذب آن می شوند. برخی تلاش ها و حیله های دشمنان عبارتند از:

یک ـ تهاجم فرهنگی

یک ـ تهاجم فرهنگی

منظور از تهاجم فرهنگی، هجوم دشمن در حوزه های آداب و رسوم فردی و جمعی و نیز علمی و عقیدتی به جامعه دینی است. دشمن خوب می داند که برای مقابله با دین، نباید با دین داران به شکل فیزیکی برخورد کند، بلکه بهترین راه آن است که دین را از دین داران بگیرد. نتیجه چنین حالتی، نابودی کامل دین داران است.

ستیز با دین جهادگر اسلام که مانع چپاولگری دشمنان استعمارگر است، تنها با تهاجم همه جانبه فرهنگی ممکن است. ازاین رو، با تولید انبوه محصولات ضد ارزشی، ترویج فساد و فحشا و شبهه افکنی در حوزه باورها، به جنگ فرهنگی با دین می آیند. همین عامل در اندلس، ایشان را به پیروزی رساند، در حالی که از جنگ های دویست ساله با مسلمانان سودی نبرده بودند. امروزه نیز شاهدیم که دشمنان انقلاب اسلامی ایران، تا چه

میزان از این عامل بهره می برند.

دو ـ زشت معرفی کردن دین

دو ـ زشت معرفی کردن دین

گرایش به اسلام در کشورهای غربی در سال های اخیر، در حال گسترش است. دشمنان اسلام برای جلوگیری از این مسئله، با برنامه های پیچیده سیاسی و فرهنگی، تلاشی گسترده را برای زشت جلوه دادن دین اسلام و مسلمانان و پنهان ساختن چهره زیبای دین، آغاز کرده اند. در همین راستا، گروهی از وهابیان تندرو را که افکاری انحرافی و خشن داشتند، در کشور پاکستان آموزش دادند و با نام گروه طالبان در افغانستان به حکومت رساندند. طالبان با نابودی آثار باستانی، عملیات تروریستی، برخورد شدید با مردم، سخت گیری زیاد علیه زنان و مانند آن، چهره ای زشت از حکومت دینی و اسلامی را برای جهانیان ترسیم کرد.

ساخت فیلم ها، تهیه نشریه ها و مقاله ها و کتاب های فراوان در این مسیر و هم زمان با حکومت طالبان از مصداق های دیگر این طرح شوم بود.

سه ـ ترویج تضاد دین با علم

سه ـ ترویج تضاد دین با علم

حذف دین از صحنه اجتماع و جای گزین ساختن افکار بشری، به تلاشی صدها ساله نیاز داشت، ولی غرب با کمک گرفتن از ابزارهایی همچون شعار «مخالفت دین با علم»، توانست راه صد ساله را یک شبه بپیماید. البته کشیشان کلیسا در آن دوران، آتش این مسئله را شعله ور کردند. در واقع، آنان مقصر واقعی بودند. به هر حال، با این دسیسه ها، دین به کلی از صحنه سیاست و اجتماع کنار رفت. دشمن همواره در طول تاریخ بارها از

این حربه کهنه، ولی کارآمد استفاده کرده است و می کند. بهانه امروزی ایشان نیز عقب ماندگی جامعه های دینی ـ اسلامی از علم و صنعت جهانی است. معضلی که در واقع، محصول استعمار و استثمار خود غربیان است، ولی با حیله و نیرنگ، آن را نتیجه حضور دین در میان این جامعه ها معرفی می کنند.

طرح رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در سال های اخیر؛ یعنی تولید علم و تمدن و تأکید بر «جنبش نرم افزاری»، برای مقابله با این دسته از توطئه های دشمنان بوده است.

۲. راه کارهای اصلاحی

اشاره

۲. راه کارهای اصلاحی

راه کارهای اصلاحی برای حفظ ارزش ها و زیبایی های زندگی دینی و رفع آسیب های این موضوع را در چهار محور فردی، مردمی، حکومتی و متولیان فرهنگی می توان بیان کرد. آنچه در این قسمت می آید، فهرست کوتاه این راه کارها است:

الف) راه کارهای اصلاحی فردی

الف) راه کارهای اصلاحی فردی

یک ـ معرفت عمیق و شناخت نسبت به جنبه های دین؛

دو ـ پرهیز از تک بُعدنگری به دین و تأکید بر جامع نگری؛

سه ـ پذیرش تربیت دینی(خودسازی دینی)؛

چهار ـ پاسداری از ایمان و اندیشه های دینی در برابر نقشه های فرهنگی دشمنان.

ب) راه کارهای اصلاحی اجتماعی

ب) راه کارهای اصلاحی اجتماعی

یک ـ تحکیم روابط دینی و پرهیز از گسترش روابط ضددینی در سطح جامعه؛

دو ــ ایجاد محیط معنوی و فضای دینی؛

سه ــ اهمیت دادن به برپایی اجتماعات دینی مذهبی از جمله نماز جماعت و جمعه... ؛

چهار ــ مبارزه با فضای بی تفاوتی دینی؛

پنج ــ مبارزه اساسی و فرهنگی با ضدارزش های اجتماعی (نهی از منکر)؛

شش ــ آمادگی برای مقابله با نقشه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی دشمنان؛

هفت ــ ترویج زیبایی های دینی با قالب های پذیرفته شده و مشروع (امر به معروف).

ج) راه کارهای اصلاحی حکومتی

ج) راه کارهای اصلاحی حکومتی

یک ــ گسترش آموزش معارف دینی به صورت عمیق در میان مسئولان حکومتی؛

دو ــ نظارت جدی بر تعهد و تقید مسئولان حکومتی به زیبایی های دینی؛

سه ــ عدالت محوری در تمام زمینه ها؛

چهار ــ ایجاد زمینه رشد ارزش های دینی در همه محورهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛

پنج ــ پرهیز جدی از وابستگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان؛

شش ــ پاسداری از ایمان جامعه؛

هفت ــ تولید علم و فرهنگ بر اساس مبانی دینی و عقلی برای مبارزه با جهل و فرهنگ بیگانه؛

هشت ــ مبارزه ریشه ای برای رفع زمینه های ایجاد ضد ارزش ها؛

نه ــ توسعه رسانه های سالم دینی و جلب اعتماد ملی نسبت به این رسانه ها؛

ده ــ اهمیت دادن ویژه به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در همه جنبه ها به ویژه جنبه های هنری؛

یازده ــ اهمیت دادن ویژه به مراکز تربیت دینی به ویژه مساجد.

د) راه کارهای اصلاحی فرهنگی

د) راه کارهای اصلاحی فرهنگی

یک ــ بازنگری همیشگی در تبیین مطالب دینی با رویکرد زیبانگری به دین؛

دو ــ استفاده از قالب های زیبا و پذیرفته شده برای تبیین دین (با حفظ اصول)؛

سه ــ تقید بسیار ویژه متولیان فرهنگی به دین؛

چهار ــ تولید انبوه محصولات دینی در همه زمان ها برای همه گروه های اجتماعی؛

پنج ــ پاسخ گویی عقل پذیر و سریع به شبهه های دینی؛

شش ــ معرفی الگوهای زنده در زندگی دینی زیبا.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

۱. سیاست های کلان

۲. بررسی برنامه های پخش شده

۳. راه کارهای پرداختن به زیبایی های دین در رسانه

۴. پرسش های مردمی

۵. پرسش های کارشناسی

۱. سیاست های کلان

۱. سیاست های کلان

۱. آشنا کردن همه دست اندرکاران تولید و ارائه، شامل فیلم نامه نویسان و کارگردانان؛

۲. آشنا کردن مجریان و بازیگران به جنبه های گوناگون زیبایی های دین؛

۳. برجسته کردن جنبه های زیبایی در تهیه برنامه های دینی؛

۴. پرهیز از معرفی سوژه ها و محتواهای دینی سطحی یا خرافی؛

۵. هماهنگ سازی آموزه های دینی با یافته های علوم جدید؛

۶. بررسی هم زمان و تطبیقی زشتی های غیردینی با زیبایی های دینی؛

۷. بیان آشکار و ملموس فایده های دنیوی دین (مادی ـ معنوی)؛

۸. واگذاری نقش های مثبت به افراد مثبت و حفظ نقش ایشان در برنامه های بعدی.

۲. بررسی برنامه های پخش شده

۲. بررسی برنامه های پخش شده

صـدا و سـیما در تبیین زیبایی های دین چنـدان موفق عمل نکرده است. ما بر این باوریم که دین در همه موضوع های زنـدگی حضور دارد. از این رو، می توانیم آن را در همه سوژه های برنامه های صدا و سیما، وارد

سازیم. بنابراین، تقسیم برنامه به دینی و غیردینی چندان کارشناسانه نخواهد بود. دین در کوچک ترین امور زندگی و حتی در موضوع های علمی، صنعتی و طبیعت حاضر است. بنابراین، دین و زیبایی های آن را می توان در تمام برنامه ها گنجانید.

تاکنون تبیین زیبایی های دین حتی در برنامه هایی که سوژه اصلی شان دینی است، ناقص بوده است. حتی گاهی تضادی آشکار در این برنامه ها به چشم می خورد. برای نمونه، در سریال ولایت عشق (زندگی امام رضا (ع))، برای ایجاد جذابیت، از زیبایی های ضددینی استفاده شد (استفاده از دو زن که با حرکاتی مردانه به عشوه گری و نمایش زیبایی های خویش می پرداختند) یا در سریال امام علی (ع)، به شکلی پر رنگ به عشوه گری قطّام پرداخته شد. چنین زیبایی سازی هایی که در واقع، زشت و ناپسند هستند، چند اشکال اساسی دارد:

۱. با محتوای سوژه برنامه دینی در تضاد آشکار است. ازاین رو، مخاطب دچار سردرگمی می شود و از پرداختن به موضوع اصلی بازمی ماند.

۲. به دلیل محسوس بودن این موضوع، مخاطب، زیبایی های معنوی را به طور روشن نمی بیند.

۳. ارائه این موارد، اعلام جذاب نبودن سوژه های دینی است و بیانگر آن است که برای ایجاد جذابیت، باید از ضدارزش ها کمک گرفت، در حالی که ما بر این باوریم که زیبایی های معنوی و دینی جذابیت بسیار

قوی و لذت بخشی دارند. البته لازم است این مسائل شفاف ترسیم شوند و پوششی همچون زیبایی های ظاهری نداشته باشند.

۴. این مسئله، توهینی آشکار به دین، زندگی دینی، بزرگان دین و همه دین داران است. این مشکل حتی در برخی فیلم های جدید با سوژه های دفاع مقدس نیز مشهود است؛ فیلم هایی که در گذشته سرشار از زیبایی های زندگی دینی در رفتارهای رزمندگان اسلام بود.

نمونه دیگر، سریال برره است که با وجود ویژگی های مثبت، فرهنگ های ارزشی و قومیت ها در آن تحقیر می شدند و احترام به گویش ها و عفت کلام نادیده گرفته شد. در این میان، برنامه هایی همچون مردان آنجلس، مریم مقدس و نیز روایت فتح (شهید آوینی) برجستگی ویژه ای در جنبه زیبایی های دینی داشته اند.

۳. راه کارهای پرداختن به زیبایی های دین در رسانه

اشاره

۳. راه کارهای پرداختن به زیبایی های دین در رسانه

الف) سوژه ها و قالب ها

پرداختن به زندگی بزرگان دین از منظر زیبایی های دینی، آن هم با دید عرفانی می تواند جلوه گر این دسته از زیبایی ها باشد. به بیان دیگر، ابتدا زیبایی های موجود در زندگی بزرگان را شناسایی و سپس در برنامه ها آنها را به صورت برجسته در قالب های هنری ترسیم می کنیم.

منظور از بزرگان دین، پیامبران، ائمه اطهار (ع) علما و عارفان هستند. از سوژه های بسیار غنی دیگر، دفاع مقدس است. همچنین از زندگی ایثارگران و شهیدان می توان استفاده کرد. بیان خاطره ها با تأکید بر برجسته کردن زیبایی های دینی و نیز برگزاری مسابقه های عکاسی برای شکار و

انعکاس زیبایی های دینی در لابه لای زندگی روزانه مؤمنان می تواند مفید باشد. در قالب مسابقه های داستان نویسی، قصه گویی، نقاشی، کاریکاتور و... نیز می توان ذهن نوجوانان و جوانان را در این زمینه، فعال و نسبت به دریافت زیبایی های دینی، حساس کرد.

همچنین بیان ریشه های رفتارهای زشت تبه کاران، همراه با سفارش ها و راه کارهای اسلام، ذهن مخاطبان را به سمت زیبایی های دین راهنمایی می کند. نمایش های کوتاه بر اساس «گلستان سعدی» و کتاب های مشابه با حفظ ریشه های دینی در این زمینه بسیار مؤثر است.

ب) گفتارها و رفتارها

یک ــ رعایت ادب اسلامی و فرمان های دینی در همه گفتارها و رفتارها و انعکاس آثار این رفتارها در روابط میان افراد.

دو ــ تبیین رفتارهای زیبای دین در لابه لای برنامه، مانند برجسته ساختن بخشش و گذشت در حال خشم و غضب.

سه ــ تبیین آموزه های الهی اهل بیت (ع) از زبان نقش اول مثبت فیلم و برنامه، گرچه به نام قرآن و حدیث نباشد.

ج) صحنه

یک ــ استفاده از لباس های زیبا و گویای فرهنگ دینی.

دو ــ استفاده از هنرهای دینی در آذین بندی ها.

سه ــ استفاده از ساختمان هایی که بر اساس معماری اسلامی بنا شده اند.

چهار ــ استفاده از تابلو چهره های مشاهیر دینی یا آثار ایشان.

د) گفت وگو و میزگرد

موضوع های زیر برای برگزاری میزگرد و گفت وگو مناسب به نظر می رسد:

ــ فایده های دنیوی دین؛

ــ آثار دین در روابط اجتماعی؛

ــ چرا دین زیباست؟ ؛

ــ جلوه های زیبایی دین؛

ــ بررسی زندگی دینی و زندگی غیردینی و مقایسه آنها؛

ــ رابطه دین با زیبایی.

۴. پرسش های مردمی

۴. پرسش های مردمی

۱. چرا دین را برنامه زندگی انتخاب کرده اید؟

۲. آیا دین در زندگی شما نشاط و آرامش ایجاد کرده است؟

۳. دین داری شما چه آثاری داشته است؟

۴. اگر اهل دین نبودید، چه امتیازهایی را از دست می دادید؟

۵. کدام زیبایی های دینی در زندگی شما وجود دارند؟

۵. پرسش های کارشناسی

۵. پرسش های کارشناسی

۱. آیا دین با زیبایی در تضاد است؟

۲. دین تا چه اندازه زیبایی های مادی را می پذیرد؟

۳. رابطه زیبایی های معنوی با زیبایی های مادی چیست؟

۴. چگونه می توان زیبایی های دینی را به همگان معرفی کرد؟

۵. ملاک های زیبایی های معنوی کدامند؟

کتاب نامه

کتاب نامه

کتاب

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۵.

۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، بی تا.

۴. جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان چاپ وانتشارات، چاپ سوم، ۱۳۶۹.

۵. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، تحقیق: محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، سی رنگ، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۶. حلی، حسن بن یوسف بن مُطهَّر، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم،انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ه_ . ق.

۷. خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیّه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۱ ه_ . ق.

۸. دینانی، غلام حسین، تجلّی ماوراءالطبیعه در هنر، مجموعه هنر و ماوراء الطبیعه،دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۹. رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی رحمه الله،چاپ پنجم، ۱۳۸۱.

۱۰. سعدی شیرازی، کلیات سعدی، تحقیق: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر،چاپ پنجم، ۱۳۶۵.

۱۱. شیرازی، سیدحسن، سخن خدا، ترجمه: ذکرالّله حمدی، تهران، خزر، چاپ دوم،۱۳۶۳.

۱۲. صانعی، پرویز، جامعه شناسی ارزش ها، تهران، مرکز نشر و پخش کتاب جار، بی تا.

۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات، ۱۳۹۱ هـ . ق.

۱۴. ___________________، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه: محمد جوادحجتی کرمانی، تهران، ۱۳۴۸.

۱۵. ___________________، نهایه الحکمه، قم، انتشارات جامعه مدرسین،۱۳۶۲.

۱۶. عسکری، ابی الهلال، الفروق اللغویه، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۱۰ هـ . ق.

۱۷. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی،تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵.

۱۸. فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.

۱۹. فلوطین، رساله زیبایی، ترجمه: رضا سید حسینی، نشریه معارف، فروردین و تیر ۱۳۶۶.

۲۰. قائمی، اصغر، اصول اعتقادات، قم، راویان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.

۲۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بی جا، بی تا.

۲۲. کروچه، بندتو، کلیات زیباشناسی، ترجمه: فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه ونشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۵۸.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، بی تا.

۲۴. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعه، ترجمه: سید جمال الدین محدث، تهران، کتاب فروشی صدوق، چاپ دوم، ۱۳۶۰.

۲۵. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم،۱۳۷۶.

۲۶. محلاتی، سیدهاشم، تاریخ انبیا، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.

۲۷. محمدی، اسماعیل، کرامات امام خمینی رحمه الله، قم، نبوغ، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.

۲۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۲۹. مرکز مطالعات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، جلوه های خدامحوری در زندگی، قم، دارالهدی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.

۳۱. ________________، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی

امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر کتاب،۱۳۹۶ هـ . ق.

۳۳. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، مؤسسه قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۳۴. نبوی، سید عباس، هنر و ماوراءالطبیعه، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ اول،۱۳۸۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹